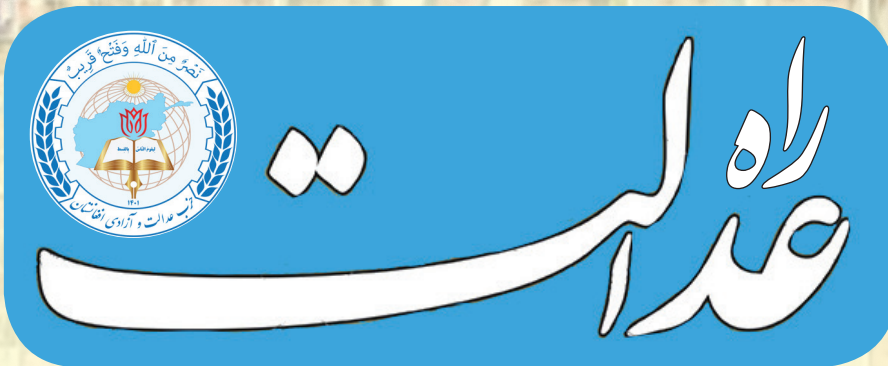




سال اول شماره ۴ شنبه ۱ میزان ۱۴۰۲ ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۳

ارگان نشراتی حزب عدالت و آزادی افغانستان

به مناسبت هفته شهید

طالبان و کارنامه کشتار

✽ متن سخنرانی استاد سرور دانش در مراسم سالگرد شهادت
قهرمان ملی احمد شاه مسعود

✽ طالبان و کشتار شخصیت‌های سیاسی و ملی

✽ همراهان شهید استاد شهید

✽ طالبان و کشتار خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای

✽ تراژیدی قتل اجمل نقشبندی

✽ طالبان و کشتار مردم در اماکن و مناسک دینی - مذهبی

✽ طالبان و کشتار در مراکز آموزشی و تحصیلی

✽ طالبان و کشتار نیروهای امنیتی افغانستان

✽ کشتار زنان در دو سال حاکمیت طالبان

✽ نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان به روایت آمار

✽ مبانی نظری حملات انتحاری از نگاه طالبان

✽ تیپولوژی توجیه‌گران جنایت

✽ خروج غیر مسئولانه ایالات متحده از افغانستان

✽ نامه و گزارش داکتر محمد امین احمدی و همکارانش

به ریچارد بنت گزارشگر حقوق بشر ملل متحد در مورد

رخدادهای دلخراش ارزگان خاص

سر مقاله

📄 مدیر مسئول

آیادستگاه کشتار قانونمند می‌شود؟

در این شماره تصمیم گرفتیم که به مهم‌ترین کارنامه طالبان بپردازیم. اما آیا این گروه جز کشتار انسان‌های بی‌گناه در کارنامه خود چیزی دیگری دارد؟ اگر فرازوفرود عمر سی‌ساله این گروه را مورد بررسی قرار دهیم تنها موردی که در کارنامه این گروه بسیار برجسته است آدم‌کشی است که البته طالبان خود آن را جهاد می‌نامند. گروه طالبان تا کنون حتی اکنون که نقش حکومت را بازی می‌کند به مثابه ماشین کشتار عمل می‌کند. اکنون این نگرانی وجود دارد که آیا این گروه به عنوان دستگاه یا ماشین کشتار با تعامل تعدادی از کشورها با آن رسمیت می‌یابد و بدین ترتیب قانونمند می‌شود؟

بر اساس آمار و ارقامی که تا کنون نهادهای تحقیقاتی بیرون داده اند حدود ۱۷۴هزار نفر به شمول مردم عادی(حدود ۴۷هزار نفر)، نیروهای امنیتی افغانستان(حدود ۷۰هزار نفر) و افراد مربوط به گروه طالبان(حدود ۵۱هزار نفر) تنها از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۲۱ کشته شده اند. علاوه بر آن تنها در حدود ۲۵۰۰ نفر از نیروهای آمریکایی در جنگ افغانستان کشته شده اند و کشورهای هم‌پیمان با ایالات متحده نیز تلفات زیادی را متحمل شده اند.

از کشتارهایی که این گروه در دور اول و جنگ‌های عصر مقاومت اول انجام داده است آمار دقیقی در دست نیست و کشته شدگان پیش از سقوط این گروه توسط نیروهای بین المللی و جبهه مقاومت، شامل این ارقام نمی‌شوند. اگر بر این آمار تعداد معلولان، آوارگان و کسانی که زندگی شان توسط این گروه با خاک یکسان شده است را اضافه کنیم معلوم نیست که سر از چه رقمی در می‌آورد.

جالب این است که اکنون پس از دو سال این گروه هنوز به بهانه‌های مختلف دست به کشتار مردم می‌زند و ماشین کشتار هم‌چنان فعال است. دو روز پیش یک پدر و پسر توسط نیروهای محلی این گروه در ولایت ارزگان ذبح گردیدند. نیروهای امنیتی و کارمندان دولت پیشین افغانستان هر لحظه و در هر نقطه‌ای از افغانستان به بهانه‌های مختلف به طرز فجیعی کشته می‌شوند و هیچ‌کسی از عاملان این کشتارها نمی‌پرسد. جالب‌تر این است که یک همسویی عجیبی در سفیدنمایی طالبان و عادی‌سازی کشتار هم در سطح بین المللی و هم در سطح داخلی دیده می‌شود. از برخی حرکت‌های به ظاهر دیپلماتیک و سیاسی چنین بر می‌آید که برخی از کشورها پس از سفیدنمایی و تظہیر طالبان کنون به دنبال مشروعیت‌بخشی به این گروه هستند. همین نکته مردم افغانستان را نگران کرده است.

سی‌سال جنگ و سی‌سال ارمغان تباهی برای مردم افغانستان کارنامه کمی نیست و شاید گروهی با چنین سابقه و کارنامه سیاه کمتر در تاریخ بشر یافت شود. اما در این میان کارنامه کشتار این گروه بیش از هر چیزی دیگر ذهن مردم را به خود مشغول داشته است. همه می‌پرسند که آیا طالبان با این کارنامه چگونه بر سرنوشت افغانستان مسلط گردیدند؟ آیا جهان این گروه را به به عنوان دولت به رسمیت خواهد شناخت؟ چرا آن همه کشتارهای وحشتناک و آن همه انسان که توسط این گروه بی‌رحمانه و بی‌گناه قربانی شدند فراموش گردیده اند؟ این‌ها پرسش‌های اصلی امروز مردم افغانستان است. پرسش‌هایی که هنوز پاسخی نیافته است. در این شماره به موضوع کارنامه کشتار طالبان پرداخته ایم. تا نشان دهیم که طالبان چیزی جز دستگاه یا ماشین کشتار نیست. این گروه را به هر شکلی که تفسیر کنیم و هر گونه سفیدنمایی و تظہیری متوجه آن کنیم باز هم ماهیت و کارنامه آن سیاه‌تر از آن است که با ترفندهای سیاسی چهره دیگری به خود بگیرد.

البته دلایل قوی نیز وجود دارد که شاید مانع به رسمیت‌شناسی این گروه به عنوان یک دولت از سوی کشورهای حامی طالبان شود. بزرگ‌ترین دلیل واقعیت‌های و حکومت بدوی است که این گروه تشکیل داده است. طالب در عرصه حکومتداری همین است که اکنون وجود دارد. بدون شک هیچ‌گونه تغییر مثبتی در آن به وجود نخواهد آمد. زیرا آیدپال تایپ حکومت در ایدئولوژی این گروه همانی است که در افغانستان وجود دارد. در آن نه از ارزش‌های حقوق بشری خبری است و نه از اراده مردم و حق مشارکت دیگران. جهان این واقعیت را در پیش چشمان خویش می‌بیند و در آن ابهامی نفهته نیست.

دلیل دیگر وجدان عمومی مردم جهان است. کدام حکومت با کدام وجدان خواهد توانست گروهی را به رسمیت بشناسد که مخالف آموزش، کار، انتخاب و آزادی نصف جمعیت کشور یعنی زنان است؟ البته هستند حکومت‌های استبدادی که مثل طالبان باور به اراده عمومی و حاکمیت مردم ندارند و ممکن است خواهان نسخه بدیل خود باشند ولی حتی همان کشورها از ترس افکار عمومی در داخل کشورهای خود جرات چنین کاری را نداشته باشند.

دلیل مهم‌تر نفرت عمومی مردم افغانستان گروه طالبان است. خوش‌بختانه مردم افغانستان به طور یک‌پارچه در برابر این گروه تروریستی ایستاده‌اند. یک نمونه آن در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سوی تعدادی از خبرنگاران رسانه‌های مختلف که اهل افغانستان بودند به نمایش گذاشته شد. همه رهبرانی که به نحوی در تسلیم افغانستان به طالبان نقش داشته‌اند مورد پرسش قرار گرفتند و هیچ‌کدام پاسخی برای خبرنگاران نداشتند. بنابراین امیدواریم که کشورهای همسو با طالبان نتوانند موفق به تطبیق سیاست‌هایی شوند که طالبان را به نفع خویش تلقی می‌کنند.

باید اذعان کرد که آن‌چه در این شماره آمده است بخش اندکی از کشتارهایی است که طالبان انجام داده اند. به دلیل فشرده ساختن گزارش‌ها اکثر موارد تنها فهرست شده‌اند. اما می‌دانیم که عمق فجایع بسیار عمیق‌تر و داستان هر حادثه گسترده‌تر از آن است که تنها با یک فهرست از کنار آن‌ها گذشت. از این رو آن‌چه در این شماره آمده است هرگز بیانگر عمق فجایع و کشتارهای گروه طالبان نیست. اگر در جهان عدالت حاکم می‌بود و میکانیزمی برای پاسخگویی جنایتکاران وجود داشت، طالبان نمی‌توانست حتی پاسخخ یک جنایتش را پس بدهد. طالبان از مردم افغانستان بزرگ‌ترین و بیشترین قربانی گرفته‌اند. به همین خاطر هر گز نه آن کشتارها را می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند. حتی اگر جهان روزی این گروه را به عنوان حکومت به رسمیت بشناسد باز هم این ماشین کشتار در وجدان جمعی مردم افغانستان بخشیده نخواهد شد.



ذبح شدن پدر و پسر هزاره‌تبار در ولایت ارزگان توسط افراد گروه طالبان

قتل‌های زنجیره‌ای در ارزگان توسط دو قومندان طالبان از خود ارزگان که یکی در پنجشیر می‌جنگد و دیگری در اندراب، سازماندهی می‌شوند. کنترل این دو قومندان پرنفوذ طالب تنها توسط مقامات بلند رتبه طالبان ممکن و میسر می‌باشد نه توسط مقامات محلی آنان.»

گفتنی است که تا کنون دادخواهی مردم ارزگان در باره قتل‌های هدفمند در این ولایت از سوی مقامات گروه طالبان و اداره این گروه پاسخ مثبت دریافت نکرده است و مقامات این گروه با سکوت در برابر این فجایع برخورد کرده‌اند.

نشریه راه عدالت در شماره دوم خود گزارشی از جزئیات کشته شدن ۱۴ تن از ساکنان هزاره‌تبار در ولسوالی خاص ارزگان داشت.

گزارش تازه یوناما در مورد شکنجه در زندان‌های طالبان

مؤثر مورد استفاده قرار میگیرد. من از همه مقامات ذریبط می‌خواهم که اقدامات مشخصی را برای توقف این بد رفتاری ها انجام دهند و عاملان آنرا و پاسخگو سازند. "ترویج شکنجه، همراه با نقض سیستماتیک طرز العمل مصونیت در بازداشت، مانند عدم دسترسی به وکلا، باید به طور جامع توسط مقامات حاکم رسیدگی شود." در گزارش از مقامات حاکم خواسته شده است که همچنان باید برای ایجاد یک چارچوب کمک حقوقی قویتر گام بردارند و به موانع که در پروسه عدالت جنایی ناشی از حجم بالای دستگیری های خودسرانه و بدون نظارت مؤثر قضایی صورت میگیرد رسیدگی کنند. بازداشت خودسرانه و طولانی مدت افراد که در انتظار تکمیل شدن تحقیقات هستند، زندانیان را در معرض افزایش خطر سوء استفاده قرار می‌دهند.

گرفتن اعترافات یا اطلاعات دیگر، زندانیان با استفاده از شوک برقی، بندش تنفس، آوردن فشارو تهدیدات، خوردن اجباری آب و همچنین بستن چشم ها در معرض ضرب و شتم بدنی و درد و رنج شدید قرار می گرفتند. نقض ضمانت های محاکم از جمله معانعت از دسترسی به وکلای مدافع امرعادی بوده است.

ولکر ترک، کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گفت: " گزارش های شخصی ضرب و شتم، شوک برقی، شکنجه توسط آب، و بسیاری دیگر از رفتار های ظالمانه و تحقیرآمیز همراه با تهدید هایی که علیه افراد و خانواده های آنها صورت می گیرد، د لخراش است. شکنجه در هر نوع شرایط ممنوع است."

آقای ولکر ترک افزوده است: " این گزارش نشان میدهد که شکنجه نیز به عنوان ابزاری به جای تحقیقات

یوناما، دفتر نمایندگی سازمان ملل در افغانستان در گزارش تازه خود با عنوان «رفتار با بازداشت‌شدگان در افغانستان» که چهار شنبه بیستم سپتامبر منتشر شده، می‌گوید بیش از ۱۶۰۰ مورد نقض حقوق بشری را در ۱۹ ماه گذشته در افغانستان ثبت کرده است.

یوناما در صفحه فیسبوک خود نوشته است که این گزارش توسط بخش حقوق بشر یوناما از ۱ جنوری سال ۲۰۲۲ الی ۳۱ جولای سال ۲۰۲۳ را تحت پوشش قرار می دهد که این قضا یا در ۲۹ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت افغانستان به ثبت رسیده است.

بر اساس این گزارش نزدیک به ۵۰ درصد این تخلفات شامل اعمال شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز می شود. در گزارش یوناما آمده است که در تلاش برای

در ویدیویی که به تازگی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است نشان می‌دهد که کوچی‌ها بر مزارع یک روستا در ولسوالی کیتی ولایت دایکندی هجوم برده و ضمن از بین بردن مزارع و درختان مردم محل را نیز مورد لت و کوب قرار می‌دهند.

در فیلم زنان و کودکان نشان داده می‌شوند که

به گزارش بی بی سی هبت‌الله آخوندزاده، رهبر حکومت طالبان، اعضای شوراهای علمای ولایت‌های بامیان، دایکندی، سرپل، میدان‌وردک، غور و نورستان را اعلام کرد. به گفته منابعی در ولایت بامیان که عمدتا شیعه‌نشین است، از روحانیون شیعه در شورای علمای این ولایت هیچ کسی حضور ندارد. در اعلامیه‌ای که از سوی ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی حکومت طالبان منتشر شده، گفته شده است که مقام‌های ولایتی مکلف هستند که به مشورت‌های شوراهای علما عمل کنند.

یک منبع از بامیان که خواست نامش در گزارش ذکر نشود، به بی‌بی‌سی گفت که در فهرست ابتدایی که از قندهار به هبت‌الله آخوندزاده فرستاده شده بود،

هفتادوهشتمین نشست مجمع عمومی ملل متحد بدون حضور نماینده‌ای از افغانستان

هفتادوهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه ۲۸ سنبله ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ بدون هیچ نماینده‌ای از افغانستان آغاز به کار کرد. این دومین سال است که مجمع عمومی بدون حضور افغانستان برگزار می‌شود.

در این نشست اگرچه برخی از سخنرانان به طور کوتاه از افغانستان نام بردند و در باره بحران کشور سخن گفتند ولی اکثر سران کشورهای قدرتمند در باره افغانستان چیزی بر زبان نیاوردند.

جواییدن رییس جمهور ایالات متحده هیچ نامی از افغانستان نگرفت و هیچ اشاره به موضوعات حقوق بشری و فقدان یک دولت

مشروع در این کشور نکرد.

آنتونی گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد،

در لابه‌لای سخنرانی‌اش، نگاه کوتاهی به

مسئله افغانستان انداخت و در بخشی از

سراسیمه برای جلوگیری از بین بردن درختان و مزارع و لت و کوب مردان توسط کوچی‌ها تلاش می‌کنند ولی در نهایت از این کار عاجز می‌مانند.

شخصی که در محل سکونتش این ستم ا زسوی کوچی‌ها روا داشته شده است می‌گوید که نزدیک به هزار اصله درخت ممر به علاوه کشت زار مردم در این

تعیین اعضای طالبان به‌عنوان شورای علمادر مناطق هزاره و شیعه‌نشین

صورت بگیرد و نتیجه انتخابات به رهبر طالبان فرستاده شود. در فهرست پیشنهادی که به هبت‌الله آخوندزاده فرستاده شده بود، نام ۲۵ روحانی شیعه هم بود. اما در اعلامیه‌ای که از سوی هبت‌الله آخوندزاده نشر شده، هیچ روحانی شیعه حضور ندارد.»

پیش از این، از نبود روحانی شیعه در شورای علمای ولایت غزنی هم انتقاد شده بود. در حکومت قبلی، در انتخابات پارلمانی، همه ۱۱ نماینده‌ای که رای آورده بودند، شیعه بودند.

منابع در شورای علمای شیعه افغانستان می‌گویند که شیعیان در ۲۲ ولایت این کشور حضور دارند و در ولایت‌هایی چون کابل، بلخ، هرات، بامیان، دایکندی، قندهار، ارزگان و غور تعداد شیعیان قابل توجه است.

والی طالبان در بامیان دوتن را به خاطر سپردن زمین‌های شان به کوچی‌ها زندانی کرد

والی طالبان اخیرا دو تن از ساکنان پشته غرغری ولسوال پنجاب ولایت بامیان را به خاطر این که حاضر نشده‌اند زمین‌های زراعی شان را به کوچی‌ها بسپارند زندانی کرده است.

منابعی از مردم محلی گفتند که عبدالله سرحدی والی طالبان در بامیان عوض دانش و محمد غلامی دو فرد ساکن روستای «رُشک» پشته‌ی غرغری ولسوالی پنجاب را برای سومین بار زندانی کرده‌است.

گفته شده است که چندین بار شخص عبدالله سرحدی والی طالبان به این دو شخص تلفن کرده و از آنان خوسته بوده که زمین‌های شان را به کوچی‌هایی که دعوای زمین در این منطقه راه انداخته‌اند رها کنند. اما آن دو شخص از این کار امتناع ورزیده‌اند و گفته‌اند که باید این دعوا در محکمه بررسی شود.

پس از چندین بار تماس شخص والی طالبان با این دو شخص وقتی آنان به بامیان رسیدند برای سومین بار از سوی عبدالله سرحدی بازداشت شدند.

هم‌چنین گفته شده است که هفت تن از اعضای هزاره‌تبار کمیسیون حل منازعه کوچی و ده نشین در ولایت بامیان این کمیسیون را ترک کرده‌اند و گفته‌اند که این کمیسیون بدون تحقیق و بررسی می‌خواهد زمین‌های مردم محل را به کوچی‌ها بسپارند.

دعواهای ساختگی کوچی‌ها علیه هزاره‌ها به منظور تصاحب زمین‌های زراعی شان در اکثر مناطق هزاره نشین جریان دارد و این موضوع اکنون تبدیل به یک معضل دیگر برای مردم محل شده است.

متن سخنرانی استاد سرور دانش رئیس حزب عدالت و آزادی افغانستان در همایش بزرگداشت از سالروز شهادت قهرمان ملی احمد شاه مسعود و هفته شهید

۱۸ سنبله ۱۴۰۲



تَنْذِرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ.

این گروه واقعا بسته در غل و زنجیر جهالت بوده و چشم و گوش عقل و فهم شان با پرده‌های تعصب و گمراهی مسدود شده و نمی‌توانند حقایق و واقعیت‌ها را ببینند.

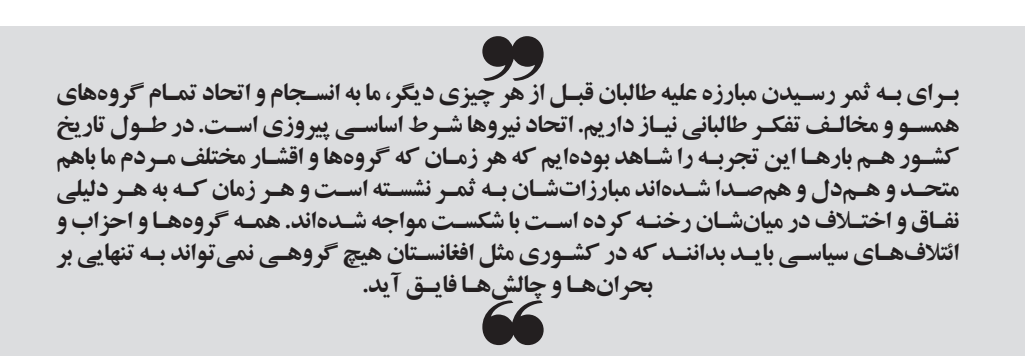
حضار گرامی!

لازم می‌بینم با اغتنام از فرصت به سه موضوع مهم

دیگر نیز به اختصار اشاره کنم:

اول: کشورهای منطقه باید بدانند که گروه طالبان خارهای زیر بغل آنان و باعث سلب دایمی آرامش و امنیت آنان خواهد بود و همین اکنون می‌بینیم که میزان برخوردها و درگیری‌ها و مداخلاتی که در مرزهای کشور با همسایه‌های شرقی و غربی جریان دارد در طول تاریخ افغانستان اتفاق نیفتاده است.

ما تعجب می‌کنیم که چگونه برخی از حلقات در



کشور های دور و نزدیک که ادعای آزادی و ترقی و توسعه هم دارند، با این لکه ننگ تاریخ افغانستان به تعامل و داد و ستد برخاسته‌اند؟ آیا این دولت‌ها از بانوان‌شان و از ملت‌های‌شان که مردمان آزاده و شریف و آگاه هستند، خجالت نمی‌کشند که از رژیمی حمایت می‌کنند که زنان را مانند قرون وسطی در بردگی و زندان نگهداشته و از همه حقوق‌شان محروم کرده‌اند؟

ما بر این باور هستیم که داشتن یک دولت مشروع و منتخب مدنی و ملی و پایبند به اصول مدرن زندگی و قوانین بین المللی و متعهد به احترام متقابل و منافع مشترک، به نفع همه کشورهای منطقه و جهان خواهد بود و گروه طالبان به هیچ صورت نمی‌تواند چنین دولتی را ایجاد کند، چون بنیاد این گروه بر دشمن‌پنداری، تنش‌آفرینی، سلطه‌طلبی و انحصارطلبی استوار شده و هرگز نمی‌تواند یک همسایه قابل اعتماد برای کشورهای منطقه و یک عضو

دشمنی با آزادی بیان و رسانه و ایجاد یک اداره انحصاری تک‌قومی، تک‌جنسیتی، تک‌زبانی و تک‌حزبی و دشمنی با همه‌کس و همه‌چیز و همه دنیا را دشمن خود پنداشتن، نشانه یک ذهنیت متحجر و علامت یک بیماری علاج ناپذیر روانی است.

چنان که همه مطلع هستید طالبان در دوره نخست حکومت خود بودای بامیان یعنی مهم‌ترین اثر تاریخی افغانستان و جهان را با یک فتوای متحجرانه و متعصبانه انفجار داد و ویران ساخت و اکنون هم مراکز آموزشی و علمی را به روی نیمی از جمعیت افغانستان بسته است و در همین چند روز پیش در شهر باستانی هرات که در طول تاریخ، مهد تمدن، علم و هنر و افتخار افغانستان و منطقه بوده، نگارخانه بهزاد را بسته و مهرولاک کرده و در بزرگترین دانشگاه کشور یعنی دانشگاه هرات کسی را که

قهرمان ملی در دفاع از وطن در دو دوره مهم تاریخی نقش بسیار ماندگار از خود بجا گذاشت: یکی در دهه ۶۰ در دوره جهاد ضد شوروی سابق که به عنوان یک فرمانده و آمر لایق و شجاع، جهات جهادی خود را با موفقیت و سرافرازی رهبری کرد و دوم در دوره مقاومت اول در نیمه دوم دهه ۷۰ که همراه با سایر رهبران جهادی در مقابل گروه ستم پیشه طالبان، مردانه مقاومت کردند و سرانجام در همین دوره به دست تروریست‌های هم‌پیمان گروه طالبان به شهادت رسید.

هموطنان گرامی!

آنچه نقطه مشترک در میان همه شهدای نامدار افغانستان در طول سه دهه اخیر است، نحوه شهادت آنان است که همگی به شمول شهید احمدشاه مسعود تا شهید استاد مزاری و تا شهید استاد ربانی و شهدای دیگر، توسط یک گروه تنبھکار، تاریک اندیش، افراطی و تروریست یعنی گروه طالبان و متحدان تروریست بین المللی آن به شهادت رسیده‌اند، این بدان معنا است که گروه طالبان با همه مردم افغانستان دشمنی دارد، با همه اقوام، با همه احزاب، با همه چهره‌های مؤثر ملی و قومی. این گروه در طول ۳۰ سال گذشته در ۳۴ ولایت کشور با تمام مردم افغانستان جنگیده و با ترور و انتحار، هزاران تن از سیاسیون، رهبران، فرماندهان، نظامیان، مجاهدان، علما، نمایندگان پارلمان، چهره‌های تأثیرگذار فرهنگی و اجتماعی و بلکه هزاران تن از جوانان و مردم عادی کشور را در مراکز آموزشی، مساجد، بازار و در مسیر راه‌ها به خاک و خون کشاندند.

این گروه پیروزی خود را تنها با همین ابزار یعنی «ماشین کشتار» میسر می‌داند و این برخاسته از نوع تفکر این گروه است که بر قتل و کشتار استوار است. اگر شما تاریخ افغانستان را مطالعه کنید تا کنون در طول تاریخ این کشور، هیچ گروهی این همه کشتار را مرتکب نشده و این همه انسان را به قتل نرسانده و این همه جوی خون به راه نینداخته است، اما بدون هیچ شک و تردیدی تاوان این همه خون و به شهادت رساندن کاروان بزرگی از قهرمانان ملی و سرداران جهاد و مقاومت، برای طالبان، کم‌رشن و داغ ننگ ابدی بر جبین شان خواهد بود و تاریخ جهان و افغانستان شاهد است که هیچ گروه مستبدی و حتی هیچ ابرقدرتی نتوانسته کشتی طوفان زده قدرت نامشروع خود را شانور در شط خون به ساحل نجات برساند.

اما مهم‌تر و خطرناک‌تر از این قساوت و بی‌رحمی و خون‌خواری، نوع اندیشه تاریک و منحنط و افکار متحجرانه و متعصبانه‌ای است که این گروه می‌خواهد در افغانستان تطبیق کند. این اندیشه منحنط، کشور ما را از همه ارزش‌ها و داشته‌ها و تمدن و فرهنگ فاخر و تاریخ و پیشینه افتخار آمیز آن تهی خواهد ساخت. دشمنی با ترقی و آزادی، آپارتاید جنسیتی و زن ستیزی، علم ستیزی، هنر ستیزی، دشمنی با حقوق بشر، دشمنی با آزادی‌های عمومی مردم،

اشاره: به مناسبت سالروز شهادت احمد شاه مسعود قهرمان ملی و هفته شهید جلسه ای با حضور رهبران شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان برگزار شد که در آن تعدادی از شخصیت‌ها و رهبران احزاب سیاسی، از جمله استاد سرور دانش رئیس حزب عدالت و آزادی افغانستان و معاون پیشین ریاست جمهوری اسلامی افغانستان سخنرانی کردند. متن سخنان استاد سرور دانش به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قُضِيَ نَحْبُهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا. (احزاب/ ۲۳)

رهبران و اعضای شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی، مهمانان گرامی، مردم شریف افغانستان، السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.
در ابتدا فرا رسیدن سالیاد شهادت مجاهد نستوه، قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود را به همه مردم افغانستان و مخصوصا به فرزند ارشد آن شهید، برادر عزیز ما احمد مسعود و خانواده بزرگ مسعود و همه هم‌زمان و همفکران آن شهید والامقام تسلیت عرض می‌کنم و همچنین به مناسبت فرا رسیدن هفته شهید، یاد همه شهدای راه عزت و آزادی افغانستان را گرامی می‌داریم مخصوصا شهید وحدت ملی و فریادگر عدالت اجتماعی استاد عبدالعلی مزاری و شهید صلح استاد برهان الدین ربانی که در آستانه شهادت آن رهبر بزرگ جهادی قرار داریم و همچنین شهید سید مصطفی کاظمی، شهید ابوذر غزنوی، عبدالحق شهید، حاجی قدیر شهید، جنرال عبدالرازق شهید، مطلب بیگ شهید، جنرال داود شهید و صدها و بلکه هزاران شهید قهرمان دیگر که یاد و خاطره همه شان گرامی و جاویدانه باد!

شهدای ما بدون شک از مصادیق بارز آیه شریفه سوره احزاب هستند: در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستادند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند و در راه او شربت شهادت نوشیدند و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

قهرمان ملی در دفاع از وطن در دو دوره مهم تاریخی نقش بسیار ماندگار از خود بجا گذاشت: یکی در دهه ۶۰ در دوره جهاد ضد شوروی سابق که به عنوان یک فرمانده و آمر لایق و شجاع، جهات جهادی خود را با موفقیت و سرافرازی رهبری کرد و دوم در دوره مقاومت اول در نیمه دوم دهه ۷۰ که همراه با سایر رهبران جهادی در مقابل گروه ستم پیشه طالبان، مردانه مقاومت کردند و سرانجام در همین دوره به دست تروریست‌های هم‌پیمان گروه طالبان به شهادت رسید.

هموطنان گرامی!

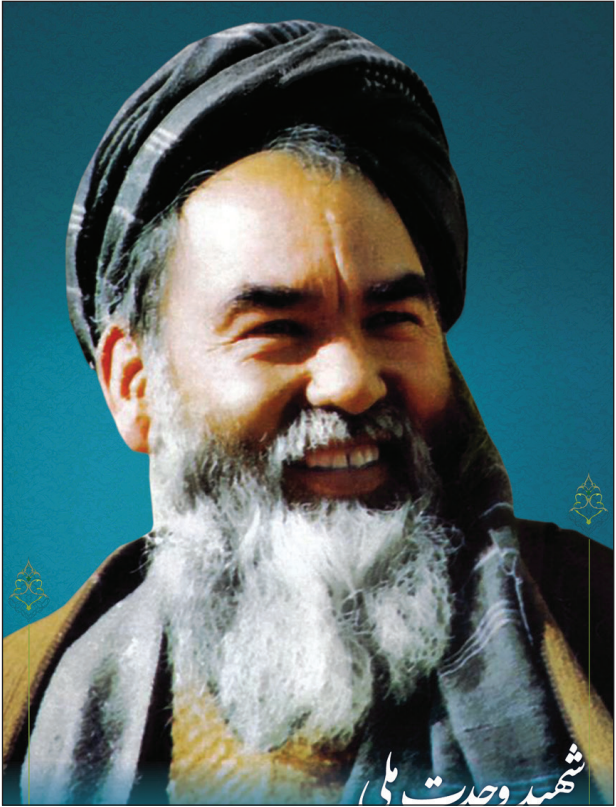
آنچه نقطه مشترک در میان همه شهدای نامدار افغانستان در طول سه دهه اخیر است، نحوه شهادت آنان است که همگی به شمول شهید احمدشاه مسعود تا شهید استاد مزاری و تا شهید استاد ربانی و شهدای دیگر، توسط یک گروه تنبھکار، تاریک اندیش، افراطی و تروریست یعنی گروه طالبان و متحدان تروریست بین المللی آن به شهادت رسیده‌اند، این بدان معنا است که گروه طالبان با همه مردم افغانستان دشمنی دارد، با همه اقوام، با همه احزاب، با همه چهره‌های مؤثر ملی و قومی. این گروه در طول ۳۰ سال گذشته در ۳۴ ولایت کشور با تمام مردم افغانستان جنگیده و با ترور و انتحار، هزاران تن از سیاسیون، رهبران، فرماندهان، نظامیان، مجاهدان، علما، نمایندگان پارلمان، چهره‌های تأثیرگذار فرهنگی و اجتماعی و بلکه هزاران تن از جوانان و مردم عادی کشور را در مراکز آموزشی، مساجد، بازار و در مسیر راه‌ها به خاک و خون کشاندند.

این گروه پیروزی خود را تنها با همین ابزار یعنی «ماشین کشتار» میسر می‌داند و این برخاسته از نوع تفکر این گروه است که بر قتل و کشتار استوار است. اگر شما تاریخ افغانستان را مطالعه کنید تا کنون در طول تاریخ این کشور، هیچ گروهی این همه کشتار را مرتکب نشده و این همه انسان را به قتل نرسانده و این همه جوی خون به راه نینداخته است، اما بدون هیچ شک و تردیدی تاوان این همه خون و به شهادت رساندن کاروان بزرگی از قهرمانان ملی و سرداران جهاد و مقاومت، برای طالبان، کم‌رشن و داغ ننگ ابدی بر جبین شان خواهد بود و تاریخ جهان و افغانستان شاهد است که هیچ گروه مستبدی و حتی هیچ ابرقدرتی نتوانسته کشتی طوفان زده قدرت نامشروع خود را شانور در شط خون به ساحل نجات برساند.

اما مهم‌تر و خطرناک‌تر از این قساوت و بی‌رحمی و خون‌خواری، نوع اندیشه تاریک و منحنط و افکار متحجرانه و متعصبانه‌ای است که این گروه می‌خواهد در افغانستان تطبیق کند. این اندیشه منحنط، کشور ما را از همه ارزش‌ها و داشته‌ها و تمدن و فرهنگ فاخر و تاریخ و پیشینه افتخار آمیز آن تهی خواهد ساخت. دشمنی با ترقی و آزادی، آپارتاید جنسیتی و زن ستیزی، علم ستیزی، هنر ستیزی، دشمنی با حقوق بشر، دشمنی با آزادی‌های عمومی مردم،

طالبان و کشتار شخصیت‌های سیاسی و ملی

✍ م. شفیع



طالبان علاوه بر کشتار اقشار مختلف هم‌چون خبرنگاران، روحانیان، امدادگران، نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان، فعالان مدنی و عامه مردم افغانستان، کشتار سلسله‌ای از بزرگ‌ترین شخصیت‌های سیاسی و ملی افغانستان را نیز در کارنامه خویش دارند که نام هر یک از آنان در تاریخ این سرزمین هم‌چنان می‌درخشد. کسانی که عمر خود را برای مبارزه در راه آزادی و استقلال افغانستان صرف کرده بودند و نام هر کدام اکنون نمادی از غرور و افتخار افغانستان به شمار می‌رود. در این بخش به طور خلاصه به زندگی و زمانه تعدادی از شهدای بزرگ افغانستان می‌پردازیم و یادآور می‌شویم که سلسله شهدای افغانستان توسط طالبان به ده‌ها هزار نفر می‌رسند که در این شماره تنها به بخش‌هایی از آن‌ها پرداخته شده است.

شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری

استاد شهید عبدالعلی مزاری در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی در منطقه نانویی ولسوالی چهار کنت ولایت بلخ چشم به جهان گشود. پدرش حاجی خداداد زراعت پیشه و مالدار بود.

استاد شهید دوره ابتدایی را در مدرسه چهارکنت گذراند و در همان سنین جوانی با شهید علامه سید اسماعیل بلخی آشنا گردید و شهید بلخی از لحاظ شخصیتی تأثیر ژرفی بر وی گذاشت و از آن پس مسیر جدیدی را هدفمندانه برگزید. او خدمت عسکری رفت و در دوره عسکری با محرومیت مردم خود و هم‌چنین با ستم و تبعیض سیستماتیک حاکم بر کشور بیشتر آشنا گردید و درس‌های بسیاری از دوره عسکری آموخت.

استاد شهید پس از ختم دوره سربازی در سال ۱۳۵۰ جهت ادامه تحصیلات عالی حوزوی وارد قم شد و در آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. وی ضمن آشنایی با جریان‌های سیاسی نوظهور در جهان اسلام و تحولات سیاسی منطقه تا سال ۱۳۵۵ تحصیلات عالی حوزه را به پایان رساند.

شهید مزاری پس از بازگشت از نجف که دیداری با آیت الله خمینی رهبر انقلاب ایران داشت توسط سازمان امنیت و اطلاعات دوره شاه ایران موسوم به ساواک که یک سازمان مخوف استخباراتی بود بازداشت و شکنجه گردید. در سال ۱۳۵۶ از ایران اخراج گردید و به کابل رفت. در کابل در همکاری با چهره‌های روشنفکر و علمای آن دوره به تشکیل هسته‌های اولیه فعالیت‌های سیاسی همت گماشت و جهت هماهنگی با جریان‌های سیاسی و انقلابی دو باره به ایران بازگشت. از آن‌جا که در ایران تحت تعقیب ساواک بود با نام مستعار وارد این کشور شد و جای ثابتی نداشت و مرتب در حال رفت و آمد به کشورهای عراق، سوریه، ترکیه و پاکستان بود.

شهید مزاری پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ استاد شهید به زادگاهش بازگشت و در همین سال‌ها با جمعی از یارانش مبادرت به تشکیل سازمان نصر افغانستان کرد. زیرا شهید مزاری از ابتدا بر این باور بود که مبارزه بدون یک تشکیلات منظم و منسجم امکان‌پذیر نیست.

شهید مزاری در سال ۱۳۶۰ جهت هماهنگی‌های لازم به ایران مسافرت کرد و در سال ۱۳۶۵ دوباره به افغانستان برگشت. در طی همین سال‌ها اختلافات میان گروه‌های موسوم به هشتگانه که اکثرا مقر آن‌ها در ایران بود به

اوج خود رسیده بود و جنگ‌های داخلی میان این گروه‌ها در اکثر مناطق هزاره‌جات شعله‌ور بود. از همین رو هدف اصلی شهید مزاری از سفر به افغانستان و مشخصا سفر تاریخی اش به هزاره‌جات به منظور ایجاد وحدت سراسری بود. امری که سرانجام با خون دل خوردن‌های زیاد موفق به تحقق آن شد و حزب وحدت اسلامی را تشکیل داد.

شهید مزاری پس از تشکیل حزب وحدت و ادغام احزاب منحلّه در این حزب با هدف بستن دفاتر احزاب سابق و بازگشایی دفاتر حزب وحدت به جای آنها به ایران و پاکستان سفر کرد. سفر شهید مزاری و همراهانش به ایران یک سفر تاریخی بود و مردم خسته از جنگ‌های داخلی استقبال تاریخی و بی‌سابقه‌ای از هیات حزب وحدت به ریاست استاد شهید به خصوص در ایران به عمل آوردند.

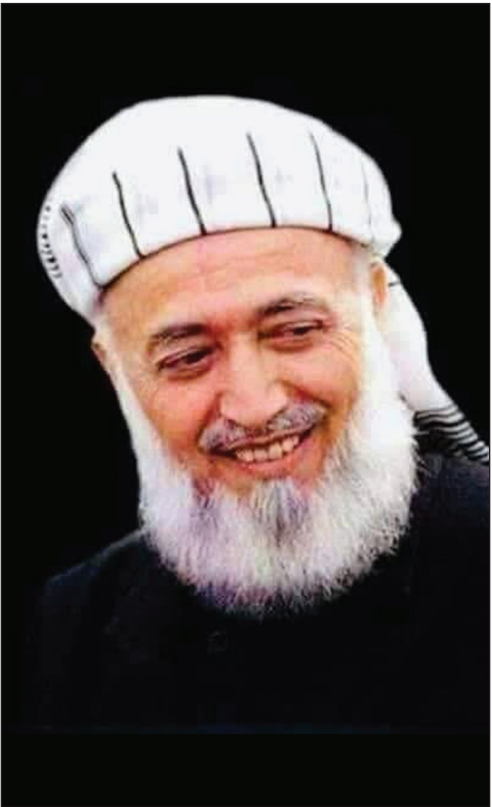
بدین ترتیب حزب وحدت با تمام کارشکنی‌های پیدا و پنهان به بستن دفاتر احزاب منحلّه و بازگشایی دفاتر حزب در ایران موفق شد.

شهید مزاری پس از بازگشایی دفاتر حزب در ایران در سال ۱۳۷۰ به افغانستان برگشت. اما از آنجا که بازگشت از راه زمینی صورت گرفته بود مدتی از سرنوشت وی خبری نبود. در همین ایام کنگره حزب در بامیان برگزار شد و اعضای کنگره حزب در غیاب استاد شهید وی را به عنوان دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان برگزیدند. شهید مزاری پس از سقوط دولت داکتر نجیب از طریق مزار شریف با نیروهای حزب وحدت مثل سایر جریان‌های جهادی وارد کابل شد و در غرب کابل مستقر گردید.

پس از آن متاسفانه غرب کابل مورد هجوم دولت مجاهدین قرار گرفت و جنگ‌های سه‌ساله غرب کابل به وجود آمد. شهید مزاری در مقاومت غرب کابل بارها فریاد زد که جنگ راه حل نیست و ما وحدت ملی را یک اصل می‌دانیم. اما این سخنان شنیده نشد و جنگ‌ها تا زمان ظهور طالبان که افغانستان را در تاریکی مطلق قرار داد ادامه یافت.

پس از ظهور طالبان شهید مزاری هم‌چنان در کابل و در کنار مردم ماند و در آخرین سخنرانی که در پی شایعه فرار وی از کابل در دشت برچی صورت گرفت تأکید کرد که تعهد کرده‌ام که خونم در جمع شما بریزد و زندگی برای من در جایی غیر از میان مردم هیچ ارزشی ندارد. شهید مزاری پس از این که کابل را در محاصر طالبان و در حال سقوط به دست این گروه دید تصمیم گرفت که پایگاه مقاومت را در خارج از کابل در بامیان و یا در غزنی ایجاد کند. به همین خاطر با چند تن از یاران نزدیکش بنای خارج شدن از کابل را داشت که به دست گروه طالبان اسیر گردید و پس از شکنجه زیاد همراه با هفت تن از یارانش به شهادت رسید.

جسد شهید مزاری و یارانش در غزنی به مردم تحویل داده شد و از طرف طالبان اعلان گردید که بنا بوده است شهید مزاری به قندهار منتقل شود اما در هلی‌کوپتر با طالبان درگیر شده و شهید شده است.



جسد شهید مزاری و سید علی علوی نزدیک به دو هفته از غزنی تا مزار شریف از مناطق هزاره نشین بهسود تا بامیان تا مزار شریف بر دوش هزاران انسان دردمند و مصیبت‌دیده تشییع شد. سر انجا در هفتم حمل ۱۳۷۴ در مزار شریف با حضور هزاران تن از مردم افغانستان و با شکوهی خاص به خاک سپرده شد.



قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود

احمدشاه مسعود فرزند دگروال (سرهنگ) دوست محمدخان در ۱۱ سنبله سال ۱۳۳۲ هجری خورشیدی در قریهٔ جنگلک ولایت پنجشیر چشم به جهان گشود.

شهید احمد شاه مسعود در پنج سالگی همراه با خانواده به کابل منتقل گردید و در کابل در پنج سالگی شامل صنف اول مکتب گردید. اما از آنجا که پدر وی یک منصبدار و نظامی بود به دلیل انتقال وی به عنوان قومندان امنیه ولایت هرات، به این شهر رفت و صنوف سوم و چهارم را در هرات گذراند. وی در هرات همزمان با دروس مکتب به مدرسه دینی نیز می‌رفت.

شهید مسعود دوران متوسطه را در دبیرستان استقلال کابل به پایان رساند و در سال ۱۳۵۲ با شرکت در امتحان کنکور وارد دانشکدهٔ انجینیری پلی‌تخنیک کابل شد. او در همین سال‌ها با فعالیت‌های سیاسی آشنا گردید و در سال ۱۳۵۲ رسماً به عضویت جمعیت اسلامی درآمد و در تابستان سال ۱۳۵۴ رهبری نخستین قیام پنجشیر در برابر حکومت وقت را به عهده گرفت که قیام ناکام شد و همکاران وی از جمله شخصی به نام شاه ابدال دستگیر و سپس اعدام شدند.

شهید مسعود پس از این قیام نافرجام به پاکستان رفت و پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ به افغانستان باز گشت و در ولایات مشرقی نورستان و کتر رهبری دسته‌های چریکی مجاهدین را به عهده گرفت و بدین ترتیب دوره مقاومت علیه دولت دست نشاندۀ و تجاوز شوروی آغاز گردید. او یک سال بعد در سال ۱۳۵۸ وارد پنجشیر گردید و بدین ترتیب پنجشیر وارد مرحله تاریخی خود گردید و نام بلند در مبارزه و جهاد مردم افغانستان یافت.

روس‌ها بعد از شش تهاجم تمام عیار به پنجشیر که هر بار شکست خوردند از در مذاکره با شهید مسعود درآمدند. به همین خاطر قومندان عمومی روس‌ها در افغانستان وارد مذاکره با شهید احمدشاه مسعود شد و توافقنامه‌ای میان وی و روس‌ها به امضا رسید که بر اساس آن به مدت دو سال میان دو طرف آتش‌بس برقرار شد و برای نخستین بار روس‌ها مجاهدین را به عنوان یک طرف قضیه افغانستان به رسمیت شناختند.

شهید احمدشاه مسعود پس از پایان توافقنامه با روس‌ها مورد حملات نظامی قرار گرفت ولی وی با ابتکارات تازه نظامی و جنگ‌های نامنظم چریکی توانست قوت‌های شوروی و دولت وقت را در دره‌های پرپیچ و خم شمالی و به خصوص در پنجشیر زمین‌گیر کند. تشکیلات نظامی که وی ساخته بود ترکیبی از روش‌های سنتی رزمی افغان‌ها و قواعد مدرن جنگ چریکی بود. روش‌های نظامی مسعود به عنوان موثرترین قواعد جنگ چریکی در بین همه نیروهای مقاومت شناخته شد و جایگاه وی به عنوان یک فرمانده نامدار جهادی تثبیت گردید.

پس از سقوط دولت داکتر نجیب در سال ۱۳۷۱ احمد شاه مسعود فرودگاه مهم نظامی بگرام و شهر جبل السراج را که در شمال کابل موقعیت دارد به کنترل در آورد و نیروهایش را برای تصرف شهر کابل آماده کرد. شهید احمدشاه مسعود در آن زمان با گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی که بیشترین نیروی مسلح در اطراف کابل را

داشت مذاکراتی انجام داد و معتقد بود که مجاهدین بدون توافق بر سر یک دولت جدید نباید وارد کابل شوند. چون جنگ‌های داخلی شروع خواهد شد. اما این مذاکرات به نتیجه ملموسی نرسید و مجاهدین از هر طرف وارد کابل گردیدند. پس از آن احمدشاه مسعود نیز با نیروهایش وارد شهر گردید و مناطق حساس و مهم شهر و مراکز مهم دولتی را به تصرف خویش در آوردند.

پس از آن جنگ میان نیروهای مجاهدین در شهر کابل آغاز گردید و متاسفانه اتفاقاتی رخ داد که نباید رخ می‌داد. به دلیل تداوم جنگ‌های داخلی گروه طالبان با سرعت مناطقی از افغانستان و سرانجام کابل را در سال ۱۹۹۶ به تصرف خویش درآوردند. شهید احمدشاه مسعود در برابر طالبان مقاومت دور اول را به وجود آورد که در آن اکثر گروه‌های جهادی عضویت داشتند.

سرانجام فرمانده احمد شاه مسعود، پس از سال‌ها مقاومت در برابر اشغال کشورش توسط ارتش شوروی سابق و نبرد با گروه طالبان، در روز ۱۸ سنبله ۱۳۸۰ در اثر انفجار انتحاری دو مرد عرب که خود را خبرنگار معرفی کرده بودند، به شهادت رسید.

لویه‌جرگه قانون اساسی جدید افغانستان به شهید احمد شاه مسعود لقب «قهرمان ملی» را اعطا کرد و روز ۱۸ سنبله در افغانستان «روز شهید» و تعطیل رسمی اعلام شد .

شهید صلح استاد برهان الدین ربانی

پروفیسور برهان‌الدین ربانی ولد محمد یوسف در ۲۹ سنبله سال ۱۳۱۸ هـش در فیض آباد، مرکز ولایت بدخشان چشم به جهان گشود. وی در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در مکتب متوسطه فیض آباد شامل گردید و در سال ۱۳۳۲خورشیدی از صنف نهم آن مکتب فارغ گردید. سپس به کابل رفت و در سال ۱۳۳۳ هـش در مدرسه دارالعلوم شرعیه کابل که در پغمان موقعیت داشت، شامل شد. وی در سال ۱۳۳۷خورشیدی از آن مدرسه فارغ التحصیل گردید و در سال ۱۳۳۸ هـش شامل دانشکده شرعیات دانشگاه کابل گردید و در سال ۱۳۴۱ هـش از آن دانشکده به درجه اول فراغت یافت و به صفت استاد در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل پذیرفته شد.

وی در سال ۱۳۴۵ هـش جهت تحصیلات عالی به جمهوری عربی مصر رفت وشامل دانشگاه الازهر قاهره گردید و در سال ۱۳۴۷ هـش ماستری خودرا در رشته فلسفه اسلامی به دست آورد و در دوره دکتورا در آن دانشگاه ثبت نام نمود و کار رساله دکتواری خود را تحت عنوان "مولانا عبدالرحمن جامی و جنبه‌های علمی و فلسفی وی" آغاز کرد و سپس رهسپار کابل گردید و در دانشکده شرعیات دانشگاه کابل دوباره به تدریس علوم اسلامی پرداخت. استاد ربانی در دانشگاه شرعیات کابل همراه دیگر استادان آن دانشگاه و با تعددی از همراhan فکری در ابتدا نهضت جوانان مسلمان را تأسیس نمود که سپس در سال ۱۳۵۱ خورشیدی نهضت را به جمعیت اسلامی افغانستان تغییر نام داد و رهبری آن شخصا به عهده گرفت.

در سال ۱۳۵۳ شهید ربانی و عده‌ای دیگر از فعالان اسلامگرا که تحت تعقیب حکومت داوود خان بودند از افغانستان خارج شده و به پاکستان رفتند. در پاکستان گروه‌های افغان تحت فشار دولت وقت آن کشور قرار گرفتند تا علیه دولت محمد داودخان قیام کنند و برای براندازی آن خود را آماده کنند. اما شهید ربانی مخالف قیام مسلحانه علیه دولت بود. به همین خاطر از پاکستان به عربستان سعودی رفت.

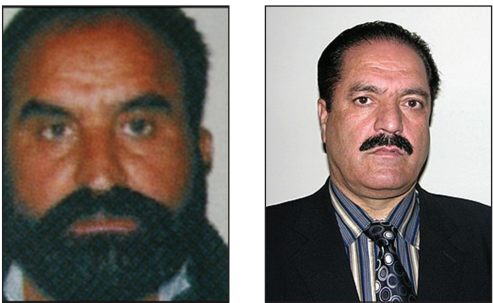
شهید ربانی در دوره جهاد و مقاومت علیه تجاوز شوروی به افغانستان رهبری یکی از مهم‌ترین گروه‌های جهادی یعنی حزب جمعیت اسلامی را به عهده داشت. وی پس از پیروزی مجاهدین و سقوط دولت نجیب الله در ۲۸ جون ۱۹۹۲ به عنوان دومین رئیس جمهور موقت پس از صبغت الله مجددی توسط شورای حل و عقد انتخاب شد.

حکومت مجاهدین در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ کابل را که زیر حملات شدید قرار داشت به طالبان واگذار نمود. اما شهید ربانی که مقر حکومت را به مزار شریف انتقال داده بود هنوز به عنوان رئیس جمهور رسمی افغانستان شناخته می‌شد.

با حمله آمریکا به افغانستان و شکست طالبان، حامد کرزی در اجلاس بن رئیس جمهور دولت موقت افغانستان شد. شهید برهان الدین ربانی در ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۱ طی مراسم رسمی حکومت را به اداره موقت به رهبری حامد کرزی تحویل داد.

استاد ربانی در انتخابات پارلمانی افغانستان در سال ۱۳۸۴ خود را کاندید نمود و به‌عنوان اولین نماینده مردم ولایت بدخشان با بیشترین آراء عضویت پارلمان افغانستان را به دست آورد.

وی پس از پایان دور اول پارلمان به عنوان رییس شورای عالی صلح افغانستان تعیین شد و در این راستا



ماندگاری برای مردم بامیان انجام داد.

شهید ضحاک در دوره عضویت خود در شورای ولایتی بامیان شیوه‌های جدیدی در عرصه فعالیت‌های مدنی و نقد مسولان اداره محلی به وجود آورد به گونه‌ای که فعالیت‌ها و اعتراضات مدنی وی الگویی در دیگر مناطق و ولایات قرار گرفته بود. او مردم را با شیوه‌های جدید مبارزه مدنی آشنا کرد و از این طریق به آنان قدرت، جسارت و شهامت بخشید. گاه‌گل کردن جاده‌های شهر بامیان در اعتراض به نبود جاده پخته در این شهر و ساختن یک الکین بزرگ و قراردادن آن در چهارراهی اصلی بازار بامیان در اعتراض به نبود برق در این ولایت و اعطای تقدیرنامه به یک الاغ در اعتراض به فقدان شایسته‌سالاری در ادارات دولتی تنها سه نمونه از اعتراضات مدنی شهید جواد ضحاک بود که در ذهن مردم بامیان همیشه ماندگار شد. وی در افشای فساد دستگاه‌های دولتی مهارت خاص و جسارت تام داشت و ملاحظه هیچ‌کسی را نمی‌کرد.

ضحاک سیاستمداران و مقامات دولتی را بی‌محایا نقد می‌کرد و همیشه یاور مظلومان و محرومان بود. به همین خاطر در بامیان از جایگاه خاصی در میان مردم برخوردار بود.

شهید جواد ضحاک سرانجام در روز جمعه ۱۴ جوزا ۱۳۹۰ در حین بازگشت از جلسه سراسری روسای شوراهای ولایتی از هرات در مسیر غوربند ولایت ولایت پروان توسط عوامل طالبان دستگیر و در تاریخ ۱۷ جوزا یعنی سه روز پس از دستگیری جسد خون آلودش در کنار جاده پیدا شد.

لیستی از دیگر افراد مشهور و شناخته شده که توسط گروه طالبان به شهادت رسیده‌اند:

۱- عبدالجبار قهرمان، نماینده مردم هلمند که در ۲۵ میزان ۱۳۹۷ در یک انفجار یک بمب در کارزار انتخاباتی‌اش به شهادت رسید.

۲- احمدخان سمنگانی، نماینده مردم سمنگان که در ۲۴ سرطان ۱۳۹۱ در یک حمله تروریستی در سمنگان به شهادت رسید.

۳- محمد هاشم وطنوال، نماینده مردم اروزگان در ۲۶ سرطان ۱۳۹۰ در یک حمله تروریستی در کابل شهید شد.

۴- امیرداد محمد خان، نماینده مردم هلمند که در ماه حوت ۱۳۸۷ در یک حمله تروریستی شهید شد.

۵- حبیب‌الله سنزری، نماینده مردم قندهار که در ۱۴ سرطان ۱۳۸۷ در یک حمله تروریستی در قندهار شهید شد.

۶- فضل الرحمن څمکنی، نماینده مردم پکتیا که در ۸ ثور ۱۳۸۷ در مراسم تجلیل از پیروزی مجاهدین شهید شد.

۷- محمد اسلام محمدی، نماینده مردم سمنگان که در ۶ دلو ۱۳۸۶ در ی حمله تروریستی به شهادت رسید.

۸- صاحب الرحمن همت، نماینده مردم کنر که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ در یک حمله تروریستی در بغلان شهید شد.

۹- صیغت الله ذکی، نماینده مردم تخار که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ در یک حمله تروریستی در بغلان شهید شد.

۱۰- عبدالمتین، نماینده مردم هلمند که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ در یک حمله تروریستی در بغلان شهید شد.

۱۱- عارف ظریف، نماینده مردم کابل که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ در یک حمله تروریستی در بغلان شهید شد.

۱۲- نازکمیر سرفراز، نماینده مردم قندوز که در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ در یک حمله تروریستی در بغلان شهید شد.

۱۳- عصمت الله محبت، نماینده مردم لغمان که در یک حمله تروریستی شهید شد.

۱۴- عبیدالله بارکزی، نماینده مردم ولایت اروزگان که در حمله افراد ناشناس در ۳ حمل ۱۳۹۸ به ضرب گلوله در قندهار شهید شد.

۱۵- عین الدین رستاقی در دو دور شورای ولایتی تخار عضویت شورای ولایتی را داشت و از افراد نزدیک به حزب جمعیت اسلامی در تخار ترورو کشته شد.

۱۶- محمد رسول محسنی رئیس شورای ولایتی بغلان در پی حمله انتحاری در شهر پلخمری همراه با ده تن دیگر به شهادت رسید.

۱۷- داکتر نیاز نیازی، از علمای برجسته و طراز اول افغانستان که در تاریخ ۱۳ جوزا ۱۳۹۹ در کابل به دست گروه طالبان به شهادت رسید.

۱۸- مرسل نبی زاده نماینده پیشین پارلمان در ماه جدی ۱۴۰۱ به ضرب گلوله در خانه‌اش در در حوزه ۱۱ کابل در منطقه «احمدشاه بابا مینه» به شهادت رسید.



شهید کاظمی پس از سقوط طالبان در دور از شرکت کنندگان رسمی و فعال در کنفرانس بن در سال ۱۳۸۱ بود و با امضای عهدنامه بن، نقش تازه‌ای در عرصه سیاسی و اجتماعی افغانستان به عهده گرفت. وی بر اساس معاهده بن، در حکومت انتقالی و موقت به عنوان وزیر تجارت دولت افغانستان تعیین شد.

وی پس از آن حزب «اقتدار ملی» را تاسیس کرد و از طرف این حزب در انتخابات پارلمانی سال ۱۳۸۴ از حوزه انتخابیه کابل شرکت کرد و به مجلس نمایندگان راه یافت. شهید کاظمی روز سه شنبه پانزدهم آبانماه سال ۱۳۸۶ در منطقه «شرکت قند شهر پلخمری» مرکز ولایت «بغلان» افغانستان بر اثر یک حمله انتحاری که منجر به کشته شدن ۱۰۰ تن و زخمی شدن ۸۰ تن دیگر شد همراه شش تن دیگر از اعضای پارلمان افغانستان حین انجام مأموریت به شهادت رسید.

جنرال عبدالرازق اچکزی



جنرال عبدالرازق اچکزی فرزند محمد خان در سال ۱۳۵۸ در ولسوالی مرزی سپین بولدک قندهار چشم به جهان گشود. وی چنانکه از نامش پیدا است متعلق به تیره اچکزی از اقوام متنغذ و قدرتمند قندهار زاده شده بود. جنرال عبدالرازق زمانی به همراه پدر و عمویش به دست طالبان اسیر شد ولی او توانست فرار کند و پدر و کاکایش به دست طالبان کشته شد. وی در سال ۲۰۰۲ وارد نیروهای امنیتی افغانستان شد و در سمت فرمانده پولیس مرزی قندهار در سپین بولدک هم مرز با پاکستان فعالیت کرد. هنگامی که طالبان در سال ۲۰۰۸ به نزدیکی دروازه شهر قندهار رسیدند وی توانست از این حمله جلوگیری کند و نخستین عملیات مستقل نیروهای افغانستان در برابر طالبان را رقم زد. او در سال ۲۰۱۱ به عنوان قومندان امنیه ولایت قندهار منصوب شد و نزدیک به هفت سال با قدرت و ابتکار خاص در ولایتی مثل قندهار درخشید و طالبان را در این ولایت زمین گیر کرد.

او عملیات های زیادی را در برابر طالبان در قندهار، زابل، هلمند و ارزگان انجام داد و توانست محبوبیت فراوانی در میان شهروندان افغانستان کسب کرد.

سر انجام جنرال عبدالرازق در تاریخ ۲۶ میزان ۱۳۹۷، هنگامی که در دفتر والی قندهار و با حضور فرمانده نیروهای مأموریت پشتیبانی قاطع و فرماندهان محلی حضور داشتند توسط یک عامل نفوذی گروه طالبان مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید.

شهید جواد ضحاک

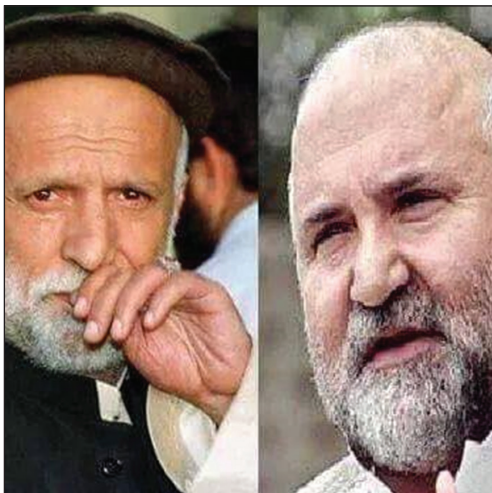
شهید محمد جواد ضحاک رئیس شورای ولایتی ولایت بامیان، فرزند غلام در ۱۵ اسد سال ۱۳۴۴ خورشیدی در منطقه سیاه‌دره ولسوالی یکاولنگ ولایت بامیان به دنیا آمد. او تا صنف دوازدهم درس خوانده بود ولی با شروع جهاد علیه تجاوز شوروی به صفوف مجاهدین پیوست و ارد جبهه و جنگ شد.

شهید ضحاک بعدا در مقاومت غرب کابل از نزدیکان قابل اعتماد رهبر شهید بود و علاوه بر عضویت کادر امنیتی شهید مزاری مسوولیت تامین ارتباطات وی از طریق بی‌سیم را نیز به عهده داشت.

شهید ضحاک پس از به وجود آمدن نظام جدید در انتخابات دور اول شورای ولایتی در بامیان شرکت کرد و برنده شد. او دو سال اول به صورت پیاپی به عنوان رییس شورای ولایتی بامیان انتخاب شد و از این طریق خدمات

تلاش‌های بسیاری به خرج داد.

شهید پرفیسور برهان الدین ربانی در بیست و نهم سنبله ۱۳۹۰ بر اثر یک انفجار انتحاری در برابر منزل خود در کابل در سن ۷۱سالگی به شهادت رسید.

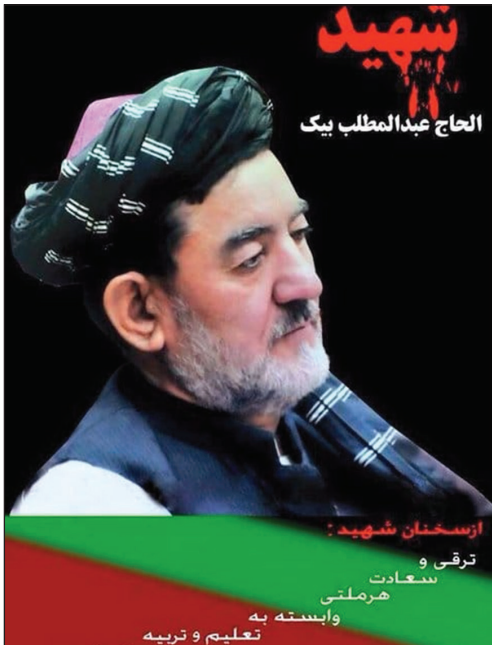


شهید حاجی عبدالقدیر

حاجی عبدالقدیر در سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در منطقه سیدان ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار به دنیا آمد. وی دوره تعلیمات ابتدایی و متوسطه را در این ولایت به پایان رساند. او در دوران حکومت سردار محمد داود همراه با دو برادرش یعنی عبدالحق و حاجی دین محمد به پاکستان مهاجرت کرد و به همکاری با حزب اسلامی شاخه یونس خالص پرداخت. در دوران پس از تجاوز شوروی به افغانستان وی یکی از فرماندهان مجاهدان بود که در جنگ علیه ارتش سرخ سهم فعالی داشت.

با سقوط دولت داکتر نجیب الله وی به عنوان والی ولایت ننگرهار از سوی حکومت مجاهدین گماشته شد و ریاست شورای مشرقی را به عهده داشت. پس از تصر افغانستان و ننگرهار به دست طالبان در دور اول به پاکستان رفت و از آن جا فعالیت علیه این گروه را آغاز کرد. او سپس به پنجشیر آمد و همگام با دیگر مقاومت‌گران عملا وارد جنگ با طالبان شد. به همین خاطر برادرش شهید عبدالحق در خزان ۱۳۸۰ توسط طالبان دستگیر و سپس اعدام گردید.

شهید حاجی قدیر که یک شخص میانه رو بود در حل تنش‌های لویه جرگه اضطراری سال ۱۳۸۱ سهم فعال داشت و پس از آن به عنوان یکی از معاونان رییس جمهور دولت انتقالی برگزیده شد. وی پس از مدت کوتاهی که در این سمت و هم‌چنین وزیر فواید عامه بود توسط افراد طالبان در کابل در تاریخ ۱۵ جوزای ۱۳۸۱ ترور و شهید شد.



شهید مطلب بیک

شهید عبدالمطلب بیک فرزند عبدالمجید بیک در سال ۱۳۳۳ خورشیدی در ولسوالی هزارسمنج ولایت تخار چشم به جهان گشود. وی یک تن از مبارزان و فرماندهان جهاد و مقاومت مردم ولایت تخار بود که دلیرانه بر ضد اشغال کشورش توسط ارتش سرخ اتحادشوروی وقت و دیگر دشمنان مردم افغانستان به کاروان جهاد و مقاومت مردم افغانستان پیوست و در این راه مردمش را تا پیروزی همراهی کرد.

شهید عبدالمطلب بیک در اوایل حکومت جدید افغانستان در پست های معینیت وزارت امور مهاجرین، قوماندان امنیه و والی ولایت تخار ایفای وظیفه کرد. وی در انتخابات مجلس دور شانزدهم به عنوان نماینده مردم تخار وارد این مجلس شد و در تاریخ ۵ جدی سال ۱۳۹۰ خورشیدی در یک حمله انتحاری در نزدیکی شهر تالقان، مرکز ولایت تخار همراه با ۱۹ غیرنظامی دیگر به شهادت رسید.

شهید سید مصطفی کاظمی

شهید سید مصطفی کاظمی سال ۱۳۴۲ در قریه لولنج ولسوالی سرخ پارسا در ولایت پروان به دنیا آمد. وی که یکی از فرماندهان جهادی بود با تشکیل «حزب وحدت اسلامی افغانستان» به عضویت این حزب در آمد.

همراهان شهید استاد شهید

حکمت سراج

شهید جان محمد ترکمنی

شهید حاجی جان محمد ترکمنی در سال ۱۳۳۶ در دره ترکمن ولایت پروان چشم به جهان گشود. او که یکی از فرماندهان عصر جهاد بود بارها زخم بر داشت ولی پس از بهبودی دوباره به جبهه و عرصه خدمت به مردم برگشت.

شهید جان محمد ترکمنی زمانی که در کویت مشغول به کسب و کار بود نیز از مردم و همسنگران غافل نشد و بارها از آنجا برای جبهات کمک و مواد مورد ضرورت مجاهدین را جمع آور کرد و به وطن فرستاد.

او هنگام ورود مجاهدین به کابل در سال ۱۳۷۱ با نیروهای تحت امرش بخشی از مراکز مهم دولتی را تصرف کرد و در اختیار حزب وحدت و رهبر شهید قرار داد.

شهید جان محمد ترکمنی در مقاومت سه ساله غرب کابل نقش مهمی داشت و همواره در کنار رهبر شهید و مردم ماند و سرانجام همراه با رهبر شهید و دیگر یاران توسط گروه طالبان به شهادت رسید.



شهید عباس جعفری لومانی

شهید عباس جعفری لومانی در سال ۱۳۴۶ خورشیدی در تمقول لومان ولسوالی جاغوری چشم به دنیا آمد. شهید عباس جعفری تا صنف هفتم مکتب خوانده بود و یک جون روشن و با سواد جامعه خود بود. او در اواخر مقاومت غرب کابل در حالی که تازه عروسی کرده بود عازم این جبهه شد و در کنار رهبر شهید رزمید.

شهید عباس لومانی سرانجام در تاریخ ۲۲ حوت ۱۳۷۳ همراه با رهبر شهید و دیگر یاران توسط گروه طالبان مظلومانه به شهادت رسید.



شهید حاجی عید محمد ابراهیمی بهسودی

او در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در یک خانواده مذهبی در منطقه شنبه حصه دوم ولسوالی بهسود ولایت میدان چشم به جهان گشود. او دروس مقدماتی علوم دینی را در نزد علمای محل خواند و برای فراگیری سطوح عالی دروس حوزوی به کابل رفت و در مدرسه محمدیه به ادامه تحصیل پرداخت.

شهید ابراهیمی در سالهای اول که به کابل رفت در قالب تشکیلات «روحانیت نوین» و «حزب حسینی» به فعالیت‌های مبارزاتی پرداخت و با تشکیل سازمان نصر افغانستان به این تشکیلات پیوست.

او پس از انحلال سازمان نصر و تشکیل حزب وحدت اسلامی به این حزب پیوست و زمینه برگزاری دومین کنگره حزب وحدت را در بهسود فراهم کرد.

شهید ابراهیمی از نخستین فرماندهانی بود که با تصرف بخش‌های مهمی از میدان شهر با نیروهای خود وارد کابل شد و مراکز مهمی را به تصرف حزب وحدت درآورد. او در مقاومت سه ساله غرب کابل نقش ایفا کرد و در کنار رهبر شهید و مردم غرب کابل شجاعانه به دفاع از هویت و موجودیت مردم خود پرداخت. شهید ابراهیمی سرانجام در کنار رهبر شهید و دیگر یاران توسط گروه طالبان به شهادت رسید.



همراه پیکر استاد شهید بر دوش مردم از مناطق مرکزی تا مزار شریف تشییع گردید و در کنار رهبر شهید به خاک سپرده شد.

شهید خادم حسین اخلاصی

شهید اخلاصی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی در ولسوالی جاغوری چشم به جهان گشود. فراگیری دروس مقدماتی علوم اسلامی را در منطقه و دروس عالی علوم دینی را در مدرسه دینی بوسعید و سپس در مدرسه شیخ محمد امین افشار در کابل گذراند.



وی در آغاز تاسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان نقش براننده داشت و به عنوان عضو شورای مرکزی حزب برگزیده شد. شهید اخلاصی تا آخر عمر به خصوص در مقاومت سه ساله غرب کابل در کنار رهبر شهید و مردم مردانه ایستاد و در مقاومت غرب کابل نقش ایفا کرد. او سرانجام در تاریخ ۲۲ حوت همراه رهبر شهید و دیگر یاران توسط گروه طالبان به شهادت رسید.



سفر کرد تا زمینه وحدت سراسری گروه‌های متعلق به ایتلاف هشتگانه را فراهم کند. این سفر زمینه‌ساز اصلی تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان در سال ۱۳۶۸ بود که منجر به انحلال احزاب جهادی هشتگانه گردید. شهید سید علی علوی هم‌چنین پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان همراه رهبر شهید و هیات حزب که به منظور انحلال دفاتر احزاب منحل و بازگشایی دفاتر حزب به جای آن‌ها صورت گرفت به ایران سفر کرد. او پس از ورود مجاهدین و نیروهای حزب وحدت به کابل همراه استاد شهید به کابل آمد و به عنوان دستیار و

در بیست و دوم حوت ۱۳۷۳ و در حادثه شهادت شهید مزاری هفت تن از یاران همیشگی اش نیز توسط طالبان به شهادت رسیدند. آنان هرکدام در جای خود از شخصیت‌های برجسته و تاثیرگذار جامعه خویش بودند. کسانی که هر کدام نقش بی‌بدیلی در مبارزه و هم‌چنین در عرصه بیداری و آگاهی جمعی داشتند. جا دارد که به مناسبت هفته شهید آنان نیز به طور مختصر معرفی شوند:

شهید ابوذر غزنوی؛ عقاب بلندپرواز غزنی

شهید ابوذر غزنوی در سال ۱۳۳۶ هجری خورشیدی در منطقه سبز سنگ ولسوالی جاغوری ولایت غزنی چشم به جهان گشود. او پس از فراگیری دروس مقدماتی علوم اسلامی در سال ۱۳۵۳ به کابل رفت و در امتحانات مدرسه محمدیه کابل شرکت کرد و با نمره عالی قبول شد.

شهید ابوذر که ذهن خلاق و جستجوگر داشت همزمان با ادامه درس با مسایل سیاسی نیز آشنا گردید. به خصوص که کابل در آن زمان آستان حوادث و تحولات مهمی بود و در سال ۱۳۵۷ افغانستان با کودتای کمونیستی علیه جمهوری داودخانی وارد مرحله جدیدی گردید.

در آن زمان جنبش‌های اسلامی به تدریج در مراکز علمی و دانشگاهی کابل علیه نظام کمونیستی ظهور می‌کردند و هر کس متناسب با ذهنیت و پیشینه فکری خود در یکی از احزاب سیاسی جذب می‌شدند. به همین خاطر شهید ابوذر به عضویت سازمان افغانستان در آمد و در سال ۱۳۶۱ رسماً به عنوان مسول عمومی این حزب در ولایت غزنی انتخاب شد و از آن پس در قالب این جریان سیاسی نقش ایفا کرد.

شهید ابوذر پس از انحلال سازمان نصر و تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری استاد شهید مزاری به عضویت شورای مرکزی این حزب در آمد و هم‌چنین به عنوان معاون کمیته نظامی حزب انتخاب شد. او در سال ۱۳۷۱ پس از سقوط دولت وقت کابل و ورود مجاهدین به این شهر فرماندهی نیروهای حزب وحدت را به عهده داشت.

شهید ابوذر در مقاومت سه ساله غرب کابل در کنار رهبر شهید و در کنار مردم ماند و به عنوان یک استراتژیست بی‌بدیل در جنگ‌های غرب کابل نقش ایفا کرد.

شهید ابوذر همیشه یک کتاب برای مطالعه و خواندن به همراه داشت و هیچوقت از آموختن و دانستن باز نایستاد. از او یادداشت‌ها و نامه‌های زیادی به یادگار مانده است که بخشی از آن‌ها در یک مجموعه تحت عنوان «نامه‌ها و سندها» به کوشش عبدالله اکبری و توسط بنیاد تاریخ شفاهی افغانستان در سال ۱۳۹۷ در کابل منتشر شد. شهید ابوذر یکی از یاران و از افراد مورد اعتماد رهبر شهید بود. جمله او مشهوری از وی در باره شهید مزاری به یادگار مانده است که در همه‌جا و توسط همه‌کس تکرار می‌شود: «مزاری شاه‌بیت ترانه‌های خلق قهرمان ما است.»

او سرانجام همراه با دیگر یاران و همراه استاد شهید شهید در تاریخ ۲۲ حوت ۱۳۷۳ توسط گروه طالبان به شهادت رسید.

سید علی علوی؛ امین‌ترین فرد نزدیک به رهبر شهید

سید علی علوی در سال ۱۳۴۴ هجری خورشیدی در یک خانواده مذهبی در شهر مزار شریف به دنیا آمد. او دوره ابتدایی را در مکتب «غیاث الدین» و دوره متوسطه را در دبیرستان «شهید عبدالخالق» مزار شریف سپری کرد. شهید سید علی علوی در سال ۱۳۶۵ و در اوج جنگ‌های داخلی همراه با رهبر شهید به مناطق مرکزی



طالبان و کشتار خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای

✍ عبدالقیوم آیتی



افغانستان پس از سومالی، سوریه، سودان جنوبی چهارمین کشوری است که در آن خبرنگاران و اصحاب رسانه در طی بیست سال گذشته توسط گروه‌های تروریستی کشته شده‌اند و هرگز پرونده‌های قتل آن‌ها پیگیری نشده و عاملان کشتار آن‌ها بازداشت، محاکمه و مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته‌اند.

اعمال و رفتار خشونت‌بار علیه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای در این کشور رخ داده است که شامل قتل، جرح، خشونت فیزیکی، توهین، تحقیر، تهدید، فشار و ارباب، حمله با اسلحه سرد و اعمال خرابکارانه می‌شود. تمام این موارد متأسفانه به دلیل وضعیت جنگی افغانستان به درستی حتی ثبت نشده است چه رسد به این که عاملان آنها بازداشت و محاکمه شوند و به جزای اعمال شان برسند. چگونگی کشتار خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای که اکثر آن‌ها در حمله‌های هدفمند و حملات انتحاری بر اهداف غیرنظامی، روی داده است توسط طالبان صورت گرفته است. چون بزرگ‌ترین گروه تروریستی که سبب جنگ بیست ساله افغانستان شده بود گروه طالبان بوده است.

در این گزارش از ۱۳۷۳ تا سال ۱۴۰۰ آمار برخی از خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای گردآوری شده است که مشخصاً توسط طالبان و یا ادعا شده که توسط افراد مرتبط با این گر کشته شده‌اند. طبیعی است که بسیار از خبرنگاران که در قضایای دیگر مزاحمه و توسط افراد مرتبط با نیروهای بین المللی و دولت افغانستان و یا دیگر عوامل کشته شده‌اند بسیار بیشتر از مواردی است که در این گزارش آمده است.

هم‌چنین این آمار تنها شامل افراد کشته شده است و گرنه افرادی که مورد خشونت فیزیکی، توهین، تحقیر و تهدید واقع شده‌اند بسیار بیشتر از این موارد است.

این گزارش دربرگیرنده ۱۲۰ از خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای است که در سال‌های گذشته توسط طالبان و یا افراد و گروه‌های مرتبط با آن به شهادت رسیده‌اند. در این گزارش به طور خلاصه تنها نام و نام خانوادگی/ شغل/ تابعیت/ چگونگی واقعه/ محل واقعه/ تاریخ کشتار آمده است:

- میرویس جلیل/ خبرنگار، بی‌بی‌سی/ افغان/ ضرب گلوله افراد نامعلوم که گفته شده مرتبط با گروه طالبان بوده‌اند/ چهل‌ستون، کابل/ ۴ سرطان ۱۳۷۳.
- محمود صارمی/ خبرنگار، ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی)/ ایرانی/ به ضرب گلوله طالبان/ مزارشریف، ولایت بلخ/ ۱۷ اسد ۱۳۷۷.
- هری بورتون/ فلمبردار رویترز/ خارجی/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ سروبی، کابل/ ۲۸ عقرب ۱۳۸۰.
- عزیزالله حیدری/ عکاس، رویترز/ افغان/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ سروبی، کابل/ ۲۸ عقرب ۱۳۸۰.
- جولیو فیونتس/ خبرنگار، روزنامه الموندو، اسپانیا/ خارجی/ ضرب گلوله افراد مرتبط با طالبان/ سروبی، کابل تاریخ: ۲۸ عقرب ۱۳۸۰.
- ماریا گارسیا کوتولی/ خبرنگار، روزنامه کوریرا دلا سرا/ ایتالیایی/ ضرب گلوله افراد غیر مسول مرتبط با طالبان/ ۲۸ عقرب ۱۳۸۰.
- مارک برانرئو/ خبرنگار آزاد/ خارجی/ ضرب گلوله طالبان/ طالقان، ولایت تخار/ ۱۴ سنبله ۱۳۸۰.
- جوهان ساتون/ خبرنگار، رادیو بین‌المللی فرانسه/ شهروند فرانسه/ ضرب گلوله، کمین طالبان/ ولسوالی دشت قلعه، ولایت تخار/ ۲۰ عقرب ۱۳۸۰.
- پیر بیلاد/ خبرنگار، رادیو لوکزامبورگ/ شهروند فرانسه/ ضرب گلوله، کمین طالبان/ ولسوالی دشت قلعه، ولایت تخار/ ۲۰ عقرب ۱۳۸۰
- لکر هندلویک/ خبرنگار، نشریه استرن چاپ هامبورگ/ شهروند آلمان/ ضرب گلوله، کمین طالبان/ ولسوالی دشت قلعه، ولایت تخار/ ۲۰ عقرب ۱۳۸۰.
- اولف استرامبرگ/ فلمبردار، شبکه ۴ تلویزیون سویدن/ شهروند سویدن/ ضرب گلوله افراد مسلح غیرمسئول مرتبط با طالبان/ طالقان، ولایت تخار/ ۵ قوس ۱۳۸۰.
- شیمای رضایی/ گرداننده، تلویزیون طلوع/ افغان/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ کابل/ ۲۷ ثور ۱۳۸۴.
- میوند/ گرداننده، رادیو سولی پیغام/ افغان/ انفجار بمب طالبان/ خوست/ ۲۶ قوس ۱۳۸۴.
- عبدالقُدوس/ تصویربردار، تلویزیون آریانا/ افغان/ انفجار بمب طالبان/ قندهار/ ۳۱ سرطان ۱۳۸۵.
- کارن فیشر/ خبرنگار، دویچه وله/ شهروند آلمان/ ضرب گلوله طالبان/ ولسوالی تاله و برفک، ولایت بغلان/ ۱۵ میزان ۱۳۸۵.
- کرسیتن استرو/ خبرنگار، دویچه وله/ شهروند آلمان/ ضرب گلوله طالبان/ ولسوالی تاله و برفک، ولایت بغلان/ ۱۵ میزان ۱۳۸۵.

- انور صالح/ خبرنگار آزاد/ افغان/ ضرب گلوله طالبان/ هنگو، پاکستان/ ۱۹ جدی ۱۳۸۵.
- رحمان قل/ مدیرمسئول نشریه اندخوی زیبا/ افغان/ ضرب گلوله طالبان/ اندخوی، فاریاب/ ۲۸ دلو ۱۳۸۵.
- اجمل نقش‌بندی/ خبرنگار آزاد/ ترجمان، ریپابلیکا، نشریه ایتالیایی/ ۲۱ افغان/ قتل فجیع توسط طالبان/ ولسوالی گرمسیر، هلمند/ ۱۹ حمل ۱۳۸۶.
- ذکیه ذکی/ خبرنگار/ مدیرمسئول، رادیو صدای صلح/ افغان/ ضرب گلوله افراد وابسته به حزب اسلامی حکمتیار و همکاری طالبان/ جبل السراج، پروان/ ۱۵ جوزا ۱۳۸۶.
- عبدالمنیر/ خبرنگار، رادیو و تلویزیون ملی، ولایت جوزجان/ افغان/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ شاهراه شیرغان- مزار شریف/ ۶ جدی ۱۳۸۶.
- کارستن توماسن/ خبرنگار، روزنامه داگبلاد/ شهروند ناروی/ ضرب گلوله طالبان/ هوتل سرینا، کابل/ ۲۴ جدی ۱۳۸۶.
- جاوید احمد یازمی/ خبرنگار آزاد/ افغان/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ قندهار/ ۲۰ حوت ۱۳۸۷.
- عبدالصمد روحانی/ خبرنگار آزاد، پژواک/ بی‌بی‌سی/ افغان/ ضرب گلوله افراد مسلح مرتبط با طالبان/ ولسوالی ناوه، هلمند/ ۲۱ سرطان ۱۳۸۷.
- جان الله هاشم زاده/ خبرنگار آزاد/ افغان/ ضرب گلوله طالبان/ جمرو، ایالت خیبرپشتونخوا، پاکستان/ ۲ سنبله ۱۳۸۸.
- میشل لانگ/ خبرنگار آزاد، روزنامه کالگری هرالده، کانادا/ کانادایی/ انفجار ماین طالبان/ قندهار/ ۹ جدی ۱۳۸۸.
- روپرت همز/ خبرنگار، روزنامه ساندی میورو، بریتانیا/ بریتانیایی/ انفجار ماین طالبان/ هلمند/ ۱۹ جدی ۱۳۸۸.
- جیمز هانتز/ خبرنگار نظامی، ارتش آمریکا/ شهروند آمریکا/ انفجار ماین طالبان/ قندهار/ ۲۸ جوزا ۱۳۸۹.
- سید حامد نوری/ خبرنگار/ ناطق، رادیو و تلویزیون ملی/ افغان/ ضربات چاقو افراد مسلح ناشناس/ کابل/ ۱۴ سنبله ۱۳۸۹.
- محمد رفیق عزیزی/ خبرنگار/ مدیرمسئول، ماهنامه اندیشه متعلم/ افغان/ انفجار ماین کارگذاری شده توسط طالبان/ هرات/ ۹ جوزا ۱۳۹۰.
- فرهاد تقدسی/ تصویربردار، تلویزیون پرس تی وی ایران/ افغان/ اصابت ترکش راکت طالبان/ کابل/ ۲۹ سنبله ۱۳۹۰.
- جعفر وفا/ خبرنگار، رادیو کله گوش ولایت نورستان/ افغان/ انفجار ماین طالبان/ لغمان/ ۲۱ عقرب ۱۳۹۰.
- سادم بهادرزوی/ مدیرمسئول، رادیو میلمه/ افغان/ ضربات چاقو افراد ناشناس که ادعا شده مرتبط با گروه طالبان بوده‌اند/ ارگون، پکتیکا/ ۳ حوت ۱۳۹۰.

”

اعمال و رفتار خشونت‌بار علیه خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای در این کشور رخ داده است که شامل قتل، جرح، خشونت فیزیکی، توهین، تحقیر، تهدید، فشار و ارباب، حمله با اسلحه سرد و اعمال خرابکارانه می‌شود. تمام این موارد متأسفانه به دلیل وضعیت جنگی افغانستان به درستی حتی ثبت نشده است چه رسد به این که عاملان آنها بازداشت و محاکمه شوند و به جزای اعمال شان برسند. چگونگی کشتار خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ای که اکثر آن‌ها در حمله‌های هدفمند و حملات انتحاری بر اهداف غیرنظامی، روی داده است توسط طالبان صورت گرفته است. چون بزرگ‌ترین گروه تروریستی که سبب جنگ بیست ساله افغانستان شده بود گروه طالبان بوده است.

“

آمریکایی/ حمله مسلحانه طالبان/ ولسوالی مارجه، هلمند/ ۱۷ جوزا ۱۳۹۵.

۵۴. ذبیح‌الله تمنا/ خبرنگار/ عکاس آزاد- همکار رادیو ملی آمریکا NPR/ افغان/ حمله مسلحانه طالبان/ ولسوالی مارجه، هلمند/ ۱۷ جوزا ۱۳۹۵.

۵۵. یعقوب شرافت/ خبرنگار، رادیو و تلویزیون ملی/ افغان/ به‌وسیله افراد ناشناس که ادعا شده مرتبط با گروه طالبان بوده‌اند/ قلات، ولایت زابل/ ۲۵ میزان ۱۳۹۵.

۵۶. نعمت‌الله زهیر/ گزارشگر، تلویزیون آریانا/ افغان/ انفجار ماین طالبان/ لشکرگاه، هلمند/ ۱۴ عقرب ۱۳۹۵.

۵۷. نصیر مدثر/ مدیرمسئول، رادیو ملی پیغام/ افغان/ طالبان/ محمدآغه، لوگر/ ۲۵ قوس ۱۳۹۵.

۵۸. فریده/ کارمند خدماتی، رادیو و تلویزیون ولسی جرگه/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۲۱ جدی ۱۳۹۵.

۵۹. نورالله/ گزارشگر/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۲۱ جدی ۱۳۹۵.

۶۰. سید مهدی موسوی/ خبرنگار، خبرگزاری جمهور/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۱. اخترعلی نظری/ کارمند (مسئول امور امنیتی)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۲. خلیل رضایی/ کارمند (مسئول آموزش حرفه‌ای)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۳. محمدرضا بهرامی/ کارمند (کارشناس، تحلیل‌گر) خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۴. سیدحسین حسنی/ کارمند (مسئول ارتباطات) خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۵. سید عندلیب ضیایی/ کارمند (نویسنده و تحلیل‌گر)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۶. سیدخداداد احمدی/ کارمند (نویسنده)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۷. عبدالرؤف مهدوی/ کارمند خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۸. سیدخادم حسین هاشمی/ کارمند (نویسنده و تحلیل‌گر)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۶۹. غلام‌رضا بیک/ کارمند (کارشناس بخش صحنی؛ نویسنده)، خبرگزاری صدای افغان (آوا)/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۷ جدی ۱۳۹۶.

۷۰. حسین‌علی نظری/ تصویربردار، رادیو و تلویزیون راه فردا/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۲۵ عقرب ۱۳۹۶.

۷۱. نقیب الله/ محاذ ساختمان رادیو و تلویزیون شمشاد/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۱۶ عقرب ۱۳۹۶.

۷۲. عبدالحمید رمضانی/ وظیفه: کارمند (مسئول توزیع روزنامه) روزنامه‌های افغانستان/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۲ اسد ۱۳۹۶.

۷۳. عبدالطیف/ کارمند، رادیو و تلویزیون ملی، ننگرهار/ افغان/ حمله انتحاری/ جلال‌آباد/ ۲۷ ثور ۱۳۹۶.

۷۴. محمد امیر شینواری/ کارمند، رادیو و تلویزیون ملی، ننگرهار/ افغان/ حمله انتحاری/ جلال‌آباد/ ۲۷ ثور ۱۳۹۶.

۷۵. عبدالغنی/ کارمند، رادیو و تلویزیون ملی، ننگرهار/ افغان/ حمله انتحاری/ جلال‌آباد/ ۲۷ ثور ۱۳۹۶.

۷۶. زین الله ملاخیل/ کارمند، رادیو و تلویزیون ملی، ننگرهار/ افغان/ حمله انتحاری/ جلال‌آباد/ ۲۷ ثور ۱۳۹۶.

۷۷. عزیز نوین/ کارمند بخش تخنیکی، تلویزیون طلوع، کابل/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۶.

۷۸. محمدنذیر/ راننده، شبکه بی‌بی‌سی، کابل/ افغان/ حمله انتحاری داعش/ طالبان/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۶.

۷۹. حبیب‌الله حسین زاده/ تصویربردار، پرس تی وی/ افغان/ حمله انتحاری/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۶.

۸۰. عمر ارغندی/ وال/ کارمند بخش تخنیکی، رادیو و تلویزیون ملی، کابل/ افغان/ حمله انتحاری طالبان/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۶.

۸۱. سلطان محمود خیرخواه/ خبرنگار، تلویزیون ژمن/ افغان/ حمله تروریستی/ خوست/ تاریخ: ۲۴ حوت ۱۳۹۷.

۸۲. شفیق الله آریا/ خبرنگار، رادیو هم‌صدای افغان/ ترور به‌وسیله افراد ناشناس که گفته شده است مرتبط با گروه طالبان بوده‌اند/ طالقان، ولایت تخار/ ۱۶ دلو ۱۳۹۷.

۸۳. رحیم‌الله رحمانی/ مجری برنامه‌های اجتماعی، رادیو هم‌صدای/ افغان/ ترور/ طالقان، ولایت تخار/ ۱۶ دلو ۱۳۹۷...
ادامه درصفحه ۸

ترازیدی قتل اجمل نقشبندی

نگ محمد هدایت



در ایتالیا ساخته شد و خبرنگار ایتالیایی که اجمل نقشبندی مترجمی او را به عهده داشت کتاب خاطرات خود را روانه بازار کرد و محوری‌ترین قهرمان در داستان وی اجمل نقشبندی بود. در فیلم مستندی که در باره اجمل نقشبندی ساخته شده است او در بخشی از فیلم در حالی ظاهر می‌شود که در اسارت طالبان قرار دارد و به پدر و مادر خود اطمینان می‌دهد که در نزد برادران مسلمان است و جای نگرانی نیست و زود به خانه بر می‌گردد.

این فیلم وقتی در برلین بروی پرده سینما رفت اکثر تماشاگران را دچار شوک کرد. چون صحنه‌های وحشتناکی از کشتار انسان‌های بی‌گناه توسط طالبان را به نمایش گذاشته بود. دولت افغانستان به خاطر کشته شدن اجمل نقشبندی سخت مورد انتقاد افکار عمومی و رسانه‌ها قرار گرفت. شکاف میان افکار عمومی و دولت از همان زمان کلید خورد. زیرا دولت برای رهایی خبرنگار ایتالیایی ۵ زندانی خطرناک طالبان را رها کرد ولی برای رهایی اجمل نقشبندی متهم گردید که کاری نکرده است.

نهادهای رسانه‌ای پیش از سقوط دولت افغانستان جایزه‌ای را به نام اجمل نقشبندی هر ساله به یک خبرنگار اعطا می‌کرد و دولت یک جاده را به نام وی در کابل مسمی کرد. وحید قاسمی خواننده مشهور افغانستان آهنگی به مناسبت شهادت اجمل نقشبندی اجرا کرد.

طالبان و دریافت جایزه صنعت کشتار

قتل فجیع اجمل نقشبندی و سیدآغا و رهایی خبرنگار ایتالیایی نمادی از وضعیت کنونی افغانستان و رخداد بازگشت دوباره طالبان بر اساس توافقنامه ننگین دوحه است.

جهان در دوحه افغانستان را به مثابه یک تحفه ارزشمند به خاطر بیست سال آدم‌کشی و راه اندازی صنعت کشتار، دودستی به طالبان تقدیم کرد. ایالات متحده که در سال ۲۰۰۱ با ۱۲هزار نیروی نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم وارد افغانستان گردید در یک رویداد طنزآمیز افغانستان را یک‌جا به تروریسم سپرد و پایش را از این باتلاق بیرون کشید.

اجمل نقشبندی و سیدآغا نمادی از مردم افغانستان هستند که به حال خود رها شدند و کشته شدند. هیچ کسی حاضر نشد برای رهایی اجمل بهایی بپردازد و او حداقل بر سر زبان‌ها افتاد ولی سید آغا به عنوان نمادی از انسان عادی و فراموش شده افغانی است که هر روز و بدون هیچ ملاحظه‌ای کشته می‌شوند و این خون هم‌چنان جاری است. اکنون جهان نه تنها دیگر از جنایت‌های طالبان پرسش نمی‌کند بلکه هر روز یک تحفه برایش تدارک می‌بیند.

ترازیدی قتل اجمل نقشبندی

گزارش داد: «فردی که خود را سخنگوی ملا دادالله، فرمانده نظامی طالبان معرفی می‌کرد، در تماس با بی بی سی گفت که آنان اجمل نقشبندی را حوالی بعد از ظهر امروز (یکشنبه، ۸ آوریل) کشتند. او گفت طالبان در بدل رهایی این روزنامه نگار افغان، خواستار آزادی دو نفر از اعضای گروه خود از بازداشت دولت افغانستان شده بودند ولی هیچ جوابی در این زمینه از سوی مقامات افغان دریافت نکردند.» کشته شدن اجمل نقشبندی به خصوص نحوه کشتن او که به گفته طالبان سر بریده شد و بعدها در فیلم مستندی که از اسارت وی منتشر شد نیز نشان داده می‌شود که سر بریده شده است و طالبان در هنگام سربردن اجمل قهقهه سر می‌دهند، جهان را در بهت و حیرت فروبرد. قتل اجمل نقشبندی به معنای واقعی کلمه یک ترازیدی بود. ترازیدی که در تمام بیست سال لحظه به لحظه و در سراسر افغانستان بر مردم افغانستان تکرار شد.

پس از این حادثه انتقادهای تندی از دولت وقت افغانستان صورت گرفت که برای یک خبرنگار خارجی پنج زندانی طالبان را رها کرده است ولی هیچ توجهی به وضعیت اجمل نقشبندی نکرده است.

قاتل اجمل نقشبندی چه کسی بود؟

عامل اصلی ماجرای گرون‌گان گیری خبرنگار ایتالیایی و اجمل نقشبندی کسی نبود جز ملا دادالله. او یکی از کسانی بود که به گفته وحید مژده نقش عمده در قتل عام مزار شریف در سال ۱۳۷۷ هنگام تصرف این شهر توسط طالبان داشت. قتل عام مزار شریف آن قدر تکان‌دهنده و وحشتناک بود که به گفته مژده حتی رهبری طالبان نیز از آن خشمگین شده بود و به همین دلیل برای مدتی دستور خلع سلاح ملا دادالله را داده بود.

ملا دادالله که در ولایت ارزگان به دنیا آمده بود در سال ۱۹۹۴ از همین منطقه به گروه طالبان پیوست و ارتباط نزدیکی با ملاعمر رهبر نخست گروه طالبان داشت. او به سئنگدلی و بی‌رحمی شهره بود و به همین خاطر در کنار ملا فضل آخوند لوی درستیز حکومت اول طالبان در ولایات شمالی به جنایات مهمی دست زد و به خاطر همان جنایت‌های هولناک مشهور گردید.

ملا فضل آخوند در پی شکست طالبان در ولایات شمالی با هزاران طالب دستگیر گردید و به گوانتانامو منتقل شد اما ملا دادالله مخفیانه فرار کرد و خود را به پاکستان رساند. شاهدان عینی در منطقه دره خودی ولسوالی خدیر ولایت دایکندی تایید کردند که او را به تنهایی و به صورت مسافر دیده اند که از همین مسیر به طرف جنوب رفته است.

ملا دادالله پس از آن که در پی شکست طالبان در سال ۲۰۰۱ به پاکستان فرار کرد در این کشور نیز متهم به جنایت‌های تروریستی شد. او در دسامبر سال ۲۰۰۵ میلادی، به جرم تلاش برای کشتن مولانا محمدخان شهرانی، از نمایندگان محافظه کار مجلس پاکستان، در این کشور به طور غیابی محاکمه شد و به حبس ابد محکوم گردید. اما علی‌رغم حضور وی در مناطقی از پاکستان و هم‌چنین در مناطق تحت کنترل طالبان در افغانستان و نفوذ پاکستان بر این گروه هیچوقت دستگیر و زندانی نشد. بعدها برادرش ملامنصور دادالله در پاکستان زندانی شد که با وساطت حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان به

طالبان در افغانستان دست به کشتارهایی زده است که هر کدام به تنهایی می‌تواند یک پرونده قطور به عنوان جنایت علیه بشریت باشد و و هرکدام یک ترازیدی غم‌انگیز است. کشتارهایی که هر کدام به تنهایی کافی است تا طالبان به خاطر آن به عنوان یک گروه تروریستی و جنایتکار در دادگاه‌های بین المللی مورد بازخواست قرار گیرد. اما متأسفانه جهان به سمت دیگری روان است و دو سال است که چشم و گوش جهان بر تمام جنایت‌های این گروه بسته شده است و گویا چیزی در افغانستان اتفاق نیفتاده است. اکنون جهان برای تعامل با گروهی که مسبب آن همه جنایت و آدم‌کشی است در مسابقه است. تا دیده شود که طالبان چه چیزی برای آینده مردم افغانستان و جهان در آستین دارد.

یکی از حوادثی که در نوع خود سخت تلخ و تکان‌دهنده بود، نحوه قتل اجمل نقشبندی خبرنگار افغان و مترجم یک خبرنگار ایتالیایی است که در سال ۲۰۰۷ در هلمند اتفاق افتاد. نحوه کشته شدن و سر بردن او توسط نیروهای ملا دادالله آن قدر تلخ بود که تا هنوز وقتی به چهره اجمل نقشبندی و سخنانی که پیش از کشته شدن و در اسارت طالبان بر زبان راند، نگاه می‌کنیم به گفته یکی از خبرنگاران خارجی مو را بر بدن راست می‌کند و انسان از آن همه قساوت و شقاوت به حیرت می‌افتد.

ماجرای کشته شدن اجمل نقشبندی

در ششم مارچ سال ۲۰۰۷ خبرهایی منتشر شد که بر اساس آن « دانیل جیاکومو» خبرنگار روزنامه ایتالیایی «لا ریوپوبلیکا» همراه با اجمل نقشبندی خبرنگار و مترجم افغان و یک راننده به نام سید آغا در ناد علی ولایت هلمند توسط نیروهای ملا دادالله به گروگان گرفته شده اند.

طالبان بلافاصله پس از گرفتاری این سه تن، سید آغا را که یک راننده ساده بود به طرز فجیعی به قتل رساندند و سر بریدند تا نشان دهند که در این قضیه جدی هستند و در برابر خواست آنان باید پاسخ مثبت داده شود. طالبان در برابر رهایی خبرنگار ایتالیایی و اجمل نقشبندی خواهان رهایی چند تن از اعضای مهم این گروه از زندان‌های افغانستان شدند.

پس از روزها دلهره و هراس بالاخره قرار بر این شد که پنج زندانی طالب در برابر این دو تن آزاد شوند. دولت ایتالیا علاوه بر این که از طریق دولت افغانستان و وادار کردن مقامات مبنی بر رهایی طالبان زندانی، به طور جداگانه وارد مذاکره با طالبان شدند و بر اساس برخی گزارش‌ها پول هنگفتی نیز به طالبان داد. این عمل در آن زمان به عنوان معامله با یک گروه تروریستی مورد انتقادهای تند قرار گرفت.

سرانجام دانیل جیوکامو خبرنگار ایتالیایی آزاد شد ولی طالبان برای رهایی اجمل مطالبات جدیدی مطرح کردند. دولت افغانستان نیز که در آن زمان مورد انتقادهای تند به خاطر معامله با طالبان و آزادی پنج زندانی خطرناک این گروه قرار گرفته بود در برابر خواست طالبان مبنی بر رهایی اجمل نقشبندی مماشات کرد و پاسخ روشنی نداد.

حدود یک ماه بعد از گروگان‌گیری سخنگوی گروه طالبان اعلان کرد که این گروه اجمل نقشبندی را سر بریده است. بی بی سی در تاریخ ۸ اپریل ۲۰۰۷ چنین

ادامه از صفحه ۷

نگ عبدالقیوم آیتی

حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۳. سباوون کاکر/ خبرنگار، رادیو آزادی/افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۴. محرم درانی/ خبرنگار، رادیو آزادی/ افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۵. عبدالله حنان زی/ خبرنگار، رادیو آزادی/ افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۶. نوروز علی رجبی/ تصویربردار، تلویزیون «یک»/ افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۷. غازی رسولی/ گزارشگر، تلویزیون یک/ افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۸. یارمحمد توخی/ تصویربردار، تلویزیون طلوع نیوز/ افغان/ حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۹۹. شاه مری فیضی/ عکاس، خبرگزاری فرانسه/ افغان / حمله مهاجم انتحاری بر گروهی از خبرنگاران/ کابل/ ۱۰ ثور ۱۳۹۷.

۱۰۰. صفرمحمد اتل/ مجری/ افغان/ افراد مسلح

ناشناس/ لشکرگاه/ ۱۲ جدی ۱۳۹۸.

۱۰۱. عبدالحمید هوتکی/ گزارشگر، رادیو و تلویزیون

هیواد/ افغان/ انفجار ماین طالبان/ قندهار ۳ میزان ۱۳۹۸.

۱۰۲. نادرشاه صاحب‌زاده/ گزارشگر/ مجری/ افغان/ افراد ناشناس/ گردیز ۲۲ سرطان ۱۳۹۸.

۱۰۳. عبدالرؤف ایملزی/ محافظ امنیتی/ افغان/

طالبان/ کابل ۱۰ سرطان ۱۳۹۸.

۱۰۴. سخی بلوچ/ کارمند بخش تخنیک/ افغان/ افراد

ناشناس قلات ۲۰ ثور ۱۳۹۸.

۱۰۵. یماسیاوش/ مجری پیشین طلوع نیوز/ بر اثر یک

انفجار هدفمند تروریستی توسط طالبان/ کابل/ ۱۷ عقرب ۱۳۹۹.

۱۰۶. شهناز رؤفی/ کارمند بخش دوبله/ افغان/ حمله مسلحانه و تروریستی/ جلال‌آباد/ ۱۲ حوت ۱۳۹۹.

۱۰۷. مرسل وحیدی/ کارمند بخش دوبله / افغان/

حمله مسلحانه و تروریستی/ جلال‌آباد/ ۱۲ حوت ۱۳۹۹.

۱۰۸. سعدیه سادات/ کارمند بخش دوبله/ افغان بر

اثر حمله مسلحانه و تروریستی/ جلال‌آباد/ ۱۲ حوت ۱۳۹۹.

۱۰۹. بسم‌الله عادل ایماق/ مدیرمسئول رادیو صدای غور/ افغان/ بر اثر حمله مسلحانه طالبان/ فیروزکوه/ ۱۲ جدی ۱۳۹۹.

۱۱۰. رحمت‌الله نیکزاد/ گزارشگر/ عکاس خبری

آزاد- تلویزیون الجزیره، خبرگزاری اسوشیتدپرس/ افغان/ کشته‌شده در حمله تروریستی/ غزنی/ ۱ جدی ۱۳۹۹.

۱۱۱. ملاله میوند/ مجری، رادیو و تلویزیون انعکاس/

افغان/ حمله مسلحانه طالبان/ جلال‌آباد/ ۲۰ قوس ۱۳۹۹.

۱۱۲. طاهرخان/ راننده دفتر رادیو و تلویزیون انعکاس/

افغان/ حمله مسلحانه/ طالبان / جلال‌آباد/ ۲۰ قوس ۱۳۹۹.

۱۱۳. الیاس داعی/ گزارشگر، رادیو آزادی/ افغان/ انفجار

ماین طالبان/ کابل/۲۲ عقرب ۱۳۹۹.

۱۱۴. شفیق ذبیح/ کارمند بخش تخنیک، تلویزیون

خورشید افغان/ انفجار ماین طالبان/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۹.

۱۱۵. میرواحدشاه (ضمیر) امیری/گزارشگر، تلویزیون

خورشید/ افغان/ انفجار ماین طالبان/ کابل/ ۱۰ جوزا ۱۳۹۹.

۱۱۶. احمدخان نوید/ مجری/ افغان/ به ضرب گلوله در

حمله تروریستی/ فیروزکوه/ ۲۰ ثور ۱۳۹۹.

۱۱۷. مینا خیری/ مجری، تلویزیون آرماننیوز/ افغان/ بر اثر انفجار/ کابل/ ۱۴ جوزا ۱۴۰۰.

۱۱۸. دانش صدیقی/ عکاس خبری، خبرگزاری روتیز/ا

هندوستان / در جریان جنگ حمله طالبان/ قندهار/ ۲۵ سرطان ۱۴۰۰.

۱۱۹. علی‌رضا احمدی/ گزارشگر، روزنامه‌های

افغانستان ما و اوتلوک افغانستان/ افغان/ بر اثر انفجار حمله تروریستی/ میدان هوایی کابل/ ۶ سنبله ۱۴۰۰.

۱۲۰. نجمه صادقی/ مجری، تلویزیون جهان صحت/

افغان/ بر اثر حمله تروریستی/ میدان هوایی/ کابل/ ۶ سنبله ۱۴۰۰.

طالبان و کشتار مردم در اماکن و مناسک دینی - مذهبی

✍ کمال الدین کمال

۱۵- ۱۹ سنبله ۱۳۹۸: در پی انفجار در مسیر عزاداران حسینی در شهر مزار شریف یک نفر کشته و دو نفر زخمی شدند.

۱۶- ۲۵ میزان ۱۳۹۸: حمله انتحاری بر نمازگزاران در شهر هسکه‌میننه ولایت ننگرهار که بر اثر آن ۶۴ تن کشته و ۳۴ نفر از جمله ۵ کودک زخمی شدند.

۱۷- ۷ حمل ۱۳۹۹: بر اثر حمله انتحاری بر «درمسال» عبادتگاه سیک‌ها در شهر کابل، ۲۵ تن کشته و ۸ تن دیگر زخمی شدند.

۱۸- ۱۴ ثور ۱۳۹۹: با انفجار بمب در یک مسجد در روستای محمدحسن شهرستان خیرکوت ولایت پکتیا ۱۶ غیرنظامی (از جمله ۴ کودک و ۴ تن افراد نظامی) زخمی شدند.

۱۹- ۱۸ ثور ۱۳۹۹: بر اثر تیراندازی بر نمازگزاران در شهر «مهرلام» ولایت لغمان ۱ غیرنظامی کشته و ۱ تن دیگر زخمی شد.

۲۰- ۲۳ ثور ۱۳۹۹: بر اثر حمله انتحاری در مراسم نماز میت در شهرستان «کوزکنر» ولایت ننگرهار ۵۱ غیر نظامی کشته و ۱۵۹ تن دیگر (از جمله ۶ کودک) زخمی شدند.

۲۱- ۲۶ ثور ۱۳۹۹: با انفجار بمب در نزدیک مسجدی در شهرک «عینومینه» شهر قندهار ۲ غیرنظامی کشته و ۳ تن دیگر زخمی شدند.

۲۲- ۳۰ ثور ۱۳۹۹: با تیراندازی افراد ناشناس بر نمازگزاران در یک مسجد هنگام افطار روزه در روستای «خلازی» در شهر «چاریکار» ولایت پروان ۷ غیرنظامی کشته و ۱۳ دیگر زخمی شدند.

۲۳- ۳۰ ثور ۱۳۹۹: با تیراندازی افراد ناشناس بر نمازگزاران در یک مسجد در روستای «گورچکو» شهرستان «صبری» ولایت خوست ۴ غیر نظامی (از جمله ۱ کودک) کشته و ۲ تن دیگر (از جمله ۱ کودک) زخمی شدند.

۲۴- ۱۳ جوزا ۱۳۹۹: با انفجار ماین در مسجد وزیر اکبرخان شهر کابل ۲ غیر نظامی (از جمله مولوی محمدایز نیازی) کشته و ۵ تن دیگر زخمی شدند.

۲۵- ۲۳ جوزا ۱۳۹۹: در انفجار مسجد «شیرشاه سوری» در «کارت‌ه چهار» شهر کابل ۲ غیرنظامی (از جمله امام مسجد) کشته و ۱۵ تن دیگر زخمی شدند.

۲۶- ۲۳ اسد ۱۳۹۹: با تیراندازی چهار فرد مسلح بر نمازگزاران در مسجد عثمان در ناحیه هفتم شهر «میمنه» ولایت فاریاب تعداد غیرنظامی کشته و ۱۱ تن زخمی شدند.

۲۷- ۱۶ میزان ۱۴۰۰: بر اثر حمله انتحاری بر مسجد شیعیان در منطقه خان آباد شهر قندوز ۵۵ تن کشته و بیش از ۱۴۰ تن زخمی شدند.

۲۸- ۲۳ میزان ۱۴۰۰: انفجار در مسجد شیعیان قندهار بیش از ۳۰ تن کشته و دهها تن زخمی شدند.

۲۹- ۱ ثور ۱۴۰۱: حمله تروریستی بر نمازگزاران مسجد سه دکان مزار شریف صورت گرفت که بر اثر آن بیش از ۳۰ تن کشته و بیش از ۹۰ نفر دیگر زخمی شدند. ۳۰- ۱۰ ثور ۱۴۰۱: بر اثر انفجار در مسجد و خانقاه خلیفه صاحب در شهر کابل ۶۶ تن کشته و بیش از ۷۸ تن دیگر مجروح شدند.

۳۱- ۲۸ جوزا ۱۴۰۱: حمله بر عبادتگاه سیک‌ها در کابل که بر اثر آن سه نفر کشته و دست کم ۷ نفر زخمی شدند.

۳۲- ۱۶ سرطان ۱۴۰۱: بر اثر انفجار در پل سوخته کابل که با هدف کشتار عزاداران حسینی صورت گرفت، نزدیک به ۱۰۰ نفر کشته و زخمی شدند.

۳۳- ۷ سرطان ۱۴۰۲: بر اثر تیراندازی افراد طالبان بر عزاداران حسینی در روز عاشورا در نواباد غزنی ۲ تن کشته و بیش از ۱۲ تن دیگر زخمی شدند.

دو عامل انتحاری که در آن بیش از ۶ نفر کشته و ۱۲ نفر دیگر زخمی شدند که سه نفر از کشته شدگان غیر نظامی بودند. این حمله بر همایش محو خشونت که توسط وزارت حج و اوقاف در مسجد جامع این شهر با حضور بیش از ۵۰ تن از علماء برگزار شده بود، صورت گرفت.

۵- ۲۱ میزان ۱۳۹۵: حمله مسلحانه بر عزاداران حسینی در مسجدی در ولسوالی بلخ ولایت بلخ منجر به کشته شدن ۱۴ تن و زخمی شدن ۷۰ نفر دیگر شد.

۶- ۳۰ میزان ۱۳۹۵: حمله مسلحانه بر مسجد زیارتگاه سخی در شهر کابل صورت گرفت که در این حمله ۷۸ تن کشته و دست‌کم ۵۸ تن دیگر زخمی شدند. قربانیان این حمله تروریستی افراد ملکی از جمله زنان و کودکان بودند.

۷- ۱ قوس ۱۳۹۵: حمله انتحاری بر مسجد باقر العلوم واقع در جاده فیض محمد کاتب در ناحیه شش شهر کابل در مراسم اربعین امام حسین رخ داد که در نتیجه آن ۳۲ تن کشته و ۶۴ نفر دیگر زخمی شدند. همه قربانیان غیر نظامی و از جمله کودکان بودند.

۸- ۱۶ جوزا ۱۳۹۶: انفجار تروریستی در مقابل دروازه شمالی مسجد جامع هرات صورت گرفت که بر اثر آن ۷ نفر کشته و بیش از ۱۶ نفر زخمی شدند.

۹- ۲۵ جوزا ۱۳۹۶: حمله بر مسجد الزهرا واقع در جاده شهید مزاری غرب کابل در مراسم شب احیای ماه رمضان که بر اثر آن ۴ تن کشته و ۸ تن دیگر زخمی شدند.

۱۰- ۱۱ اسد ۱۳۹۶: حمله مهاجمان انتحاری بر نمازگزاران مسجد جوادیه غرب شهر هرات صورت گرفت که بر اثر آن ۳۲ تن کشته و ۶۴ تن دیگر زخمی شدند. ۱۱- ۳ سنبله ۱۳۹۶: حمله مسلحانه بر مسجد امام زمان واقع در قلعه نجارها در شمال شهر کابل صورت گرفت که بر اثر آن ۲۸ تن کشته و بیش از ۵۰ تن زخمی شدند. این حمله هنگام برگزاری نماز جمعه در این مسجد رخ داد.



۱۲- ۲۸ میزان ۱۳۹۶: حمله انتحاری بر مسجد امام زمان کابل واقع در دشت برچی صورت گرفت که در آن ۳۹ تن کشته و ۴۵ تن دیگر زخمی شدند.

۱۳- ۲۸ میزان ۱۳۹۶: انفجار بر یک مسجد در ولایت غور صورت گرفت که این انفجار باعث کشته شدن ۲۰ تن و زخمی شدن بیش از ۱۰ تن دیگر شد.

۱۴- ۱ حمل ۱۳۹۷: همزمان در جشن نوروز انفجاری دیگری در نزدیکی زیارتگاه سخی رخ داد که در این انفجار حداقل ۳۳ نفر کشته و بیش از ۶۵ تن دیگر زخمی شدند.



اینجا نمی‌شود به همه آن‌ها پرداخت بلکه در این نبشته مشخصا حملات و کشتار هدفمند مردم ملکی توسط طالبان و گروه‌های اقماری آن در اماکن و آیین‌های مذهبی به صورت گاه شمار اشاره می‌شود. هرچند قبل از سال ۱۳۹۰ حملات گروه‌های تروریستی بر اماکن و مراسم مذهبی به ندرت اتفاق افتاده است اما از سال ۱۳۹۰ به بعد بخصوص در خلال سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ مراکز و اماکن مذهبی عمدتاً اهل تشیع و هزاره‌ها به شدت مورد حملات

حملات تروریستی و کشتار هدفمند در طی چند دهه منازعه دوامدار در افغانستان به خصوص در طی یک و نیم دهه اخیر علیه اهداف غیر نظامی و افراد ملکی توسط گروه‌های تروریستی به یک معضل ملی تبدیل شده بود. هرچند در هر منازعه و جنگ گاه مردم ملکی قربانیان ناخواسته میان دو طرف جنگ می‌باشد اما اینکه مردم ملکی در مراکز غیر نظامی از قبیل اماکن مذهبی مانند مساجد، معابد، درمسال‌ها، مکاتب، دانشگاه‌ها، کلپ‌های ورزشی، شفاخانه‌ها، بازار و جاده‌ها مورد حملات هدفمند و عمدی قرار بگیرند، تنها در جنگ طالبان و سایر گروه‌های تروریستی با حکومت جمهوری سابق در تاریخ افغانستان سابقه دارد. چنان‌که سرپرست وزارت داخله طالبان و رهبر گروه حقانی (شاخه حقانی گروه طالبان) در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به صراحت و با افتخار اعلام کرد که جنگ‌جویان این گروه طی ۲۰ سال گذشته ۱۰۵۰ حمله انتحاری انجام داده‌اند. (العربیه فارسی، ۲۴ فوریه ۲۰۲۲م)

اینکه پشتوانه فکری این نوع حملات و کشتار مردم ملکی در جاده‌ها، شهرها، مساجد، عبادتگاه‌ها، مکاتب، شفاخانه‌ها، هتل‌ها و مسیرها چیست و با چه دلایل و مستندات شرعی و فقهی از نظر آموزه‌های اسلامی همخوانی دارد، نیازمند تحقیق و پژوهش جدی می‌باشد. آنچه از ظاهر امر پیداست، کشتار مردم ملکی و غیر نظامی آن هم به صورت هدفمند و عمدی نه از سر اتفاق، در شریعت که طالبان مدعی پیروی از آن است جواز ندارد و طبق آیه شریفه ۹۳ سوره نساء «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَّتَعَدًا فِجْزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن خواهد بود و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و مجازات بزرگی برای او آماده ساخته است» کشتار مردم بیگناه و مسلمان به هر دلیل و بهانه‌ای غیر مشروع است و جایگاه قاتل/قاتلان جهنم است و خداوند وعده مجازات شدید به آن‌ها داده است.

برای اینکه جنایات صورت گرفته در این مدت، مستند و ثبت شود، در این گزارش‌گونه فهرستی از گاه‌شمار حملات تروریستی گروه طالبان در طی سال‌های گذشته که یا خود این گروه مستقیم مسئولیت آن حملات را به عهده گرفته است و یا زمینه‌ساز حملات سایر گروه‌های تروریستی از جمله گروه داعش را علیه مردم بیگناه و غیر نظامی در اماکن مذهبی و مراسم دینی فراهم کرده است، ارائه می‌شود. هرچند لیست تمام حملات انتحاری که تنها یک گروه حقانی در طی ۲۰ سال بیش از ۱۰۵۰ حمله انتحاری انجام داده و کشتار مردم بیگناه توسط طالبان و یا گروه‌های هم‌پیمان آن بسیار طولانی است که در

”

طبق یک گزارش دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در افغانستان تنها در سال ۲۰۱۶ بیش از ۴۲ حمله انتحاری بر مساجد، علما و اجتماعات شیعیان و هزاره‌ها صورت گرفته است. برخی از این حملات کور که مردم بیگناه زیادی را به کام مرگ کشاندند، با محکومیت گسترده داخلی و خارجی روبرو شدند که حتی گروه طالبان نیز در ظاهر خود را از آن تبرئه نموده و آن را محکوم کردند اما بر همگان روشن است که پشت این حملات کور و تروریستی یا مستقیماً گروه طالبان حضور داشته و دارد و یا زمینه‌ساز آن است و لو در ظاهر هیچ گروهی مسئولیت آن را بر عهده نگرفته باشند و یا گروه موهوم و موسوم به نام داعش مسئولیت آن را بر دوش گرفته باشد.

“



۴- ۲۳ ثور ۱۳۹۴: حمله به مسجد جامع هلمند توسط

طالبان و کشتار در مراکز آموزشی و تحصیلی

✍ کمال الدین کمال



کشته و ۵ نفر دیگر زخمی شدند.

۱۳- ۲۴ حوت ۱۳۹۹: یک باب مکتب دخترانه با بمب‌گذاری توسط طالبان در ولایت تخار تخریب شد.

۱۴- ۳ عقرب ۱۳۹۹: حمله انتحاری بر مرکز آموزشی کوثر دانش در غرب کابل (دشت برچی) که بر اثر این انفجار ۳۶ تن کشته و بیش از ۷۲ نفر دیگر زخمی شدند.

۱۵- ۱۲ عقرب ۱۳۹۹: حمله بر دانشگاه کابل و کشته شدن بیش از ۳۵ دانشجو و زخمی شدن بیش از ۵۰ دانشجوی دیگر.

۱۶- ۱ جوزا ۱۴۰۰: انفجار در مکتب سید الشهدا غرب کابل در عصر روز ۲۵ رمضان که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ دانش‌آموز دختر و زخمی شدن بیش از ۲۴۰ تن دیگر شد.

۱۷- ۸ میزان ۱۴۰۱: انفجار در میان دانش‌آموزان آموزشگاه کاج در دشت برچی کابل که در این حمله انتحاری بیش از ۳۲ تن کشته و ۴۰ نفر دیگر زخمی شدند.

۱۸- ۱۲ سنبله ۱۴۰۱: بر اثر انفجار در یک مدرسه دینی در ولسوالی نادعلی هلمند چهار نفر کشته و دو کودک زخمی شدند.

۳۰ حمل ۱۴۰۱: انفجار در کورس آموزشی ممتاز در قلعه نو برچی شماری کشته و زخمی بر جای گذاشت. (طالبان معمولاً آمار دقیق کشته‌ها و زخمی‌ها را اعلام نمی‌کند و یا کم اعلام می‌کند و به رسانه‌های مستقل هم اجازه حضور در صحنه داده نمی‌شود).

۱۹- ۱۴ حمل ۱۴۰۲: تخریب یک باب لیسه در دشت ربوت پنجشیر توسط طالبان که از آن به عنوان پایگاه نظامی استفاده می‌کردند.

۲۰- ۳۰ حمل ۱۴۰۱: انفجار در مقابل دروازه ورودی مکتب عبدالرحیم شهید در دشت برچی که منجر به کشته شدن ۲۰ تن و زخمی شدن ۱۵ نفر دیگر شد.

۲۱- ۱۴ جوزا ۱۴۰۲: مسمومیت ۸۰ دختر دانش‌آموز ابتدایی در ولایت سر پل.

۲۲- ۲۳ جدی ۱۴۰۱: آتش زدن کتابخانه فضل احمد معنوی در پنجشیر توسط جنگجویان طالبان.

۲۳- ۱۵ حمل ۱۴۰۲: آتش زدن لیسه نسوان کلالخانه ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب.

که در ادامه فهرست اجمالی برخی از این حملات تروریستی و کور اشاره می‌شود.

۱- مسمومیت ۱۲۵۰ متعلم دختر از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱.

۲- ۹ سنبله ۱۳۹۴: مسمومیت ۱۲۴ متعلم دختر و ۷ معلم در جبرئیل ولایت هرات توسط گروه‌های تروریستی.

۳- ۳ سنبله ۱۳۹۵: حمله مسلحانه و موثر بمب بر دانشگاه آمریکایی در کابل که در آن حمله ۱۶ نفر کشته (۷ دانشجو، ۲ محافظ امنیتی و ۳ سرباز امنیتی و...) و نزدیک به ۲۰۰ تن دیگر زخمی شدند.

۴- ۳۱ حمل ۱۳۹۵: حمله مهاجمان مسلح و انتحاری بر مرکز رجال برجسته و واحد آموزشی آن که منجر به کشته شدن ۲۸ تن و زخمی شدند ۳۲۷ نفر دیگر شد.

۵- ۳۰ میزان ۱۳۹۶: حمله بر دانشگاه نظامی مارشال فهیم که در این حمله ۱۵ دانشجوی نظامی کشته و ۴ نفر دیگر زخمی شدند.

۶- ۷ جدی ۱۳۹۶: حمله بر مرکز فرهنگی تیبان در کابل که منجر به کشته شدن ۵۲ تن و زخمی شدن بیش از ۱۴۰ نفر شد.

۷- ۲۴ اسد ۱۳۹۷: حمله انتحاری بر مرکز آموزشی موعود واقع در دشت برچی کابل که منجر به کشته شدن ۴۸ نفر و زخمی شدن ۶۸ تن دیگر شد.

۸- ۵ ثور ۱۳۹۸: حمله انفجاری بر دانشگاه خصوصی جهان در ناحیه هشتم شهر کابل (کارته نو) که باعث کشته شدن تروریست مهاجم و زخمی شدن ۶ دانشجوی این دانشگاه شد.

۹- ۳۰ جوزا ۱۳۹۸: انفجار انتحاری در دروازه ورودی دانشگاه نظامی مارشال فهیم که بر اثر آن شش نفر کشته و ۱۶ نفر دیگر زخمی شدند.

۱۰- ۵ سنبله ۱۳۹۸: حمله بر دانشگاه ننگرهار که بر اثر آن یک تن کشته و سه نفر از استادان این دانشگاه زخمی شدند.

۱۱- ۱۶ میزان ۱۳۹۸ : انفجار در یکی از صنف‌های دانشگاه غزنی باعث زخمی شدن ۳۰ دانشجو شد که بیشتر آنان دختران و زنان بودند.

۱۲- ۲۲ دلو ۱۳۹۸: بر اثر انفجار انتحاری در دروازه ورودی دانشگاه مارشال فهیم، ۲ نفر غیر نظامی و ۴ نظامی

خود آگاه شوند، دیگر لشکر انتحاری طالبان و داعش برای کشتار مردم بیگناه و تخریب زیربنای آموزشی و اقتصادی کشور خواهند شد!

در این نوشته تلاش شده است که فهرستی از اقدامات تروریستی گروه طالبان در حمله و انفجار مراکز آموزشی و کشتار متعلمین، محصلان و معلمان در مکاتب و دانشگاه‌ها ارائه شود. هر چند ارائه آمار از تمام مکاتب و مراکز آموزشی که طالبان و سایر گروه‌های تروریستی در طی بیست و دو سال از طریق حملات انتحاری و بمب‌گذاری تخریب کرده‌اند بسیار گسترده است که در این نوشته به مهم‌ترین و وحشتناک‌ترین حملات آنان پرداخته خواهد شد. به عنوان نمونه بر اساس گزارشی که ده روز قبل از سقوط افغانستان به دست گروه طالبان، در ۱۴ اسد سال ۱۴۰۰ منتشر شد تنها در طی دو ماه همان سال ۱۷۲ باب مکتب توسط گروه طالبان تخریب شده بود. (روزنامه هشت صبح، ۱۴ اسد ۱۴۰۰) اگر بیست سال جنگ طالبان علیه حکومت سابق افغانستان را در نظر بگیریم شاید این گروه و سایر گروه‌های تروریستی بیش از هزاران باب مکتب و مرکز آموزشی، درمانی و عام‌المنفعه را تخریب کرده باشند که یک لکه ننگ و سیاه بر دامن این گروه تخریبکار در تاریخ تعلیم و تربیت و فرهنگ و زیربنای افغانستان خواهد بود و جالب اینجاست که حتی روند تخریب مکاتب و مراکز آموزشی در زمان حاکمیت و سیطره این گروه در دو سال اخیر نیز در نقاط گوناگون افغانستان مثل سابق ادامه داشته است.

برخی از حملات انتحاری و کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان چنان رقتبار و غیر انسانی بوده که حتی گروه طالبان یا داعش از پذیرش مسئولیت آن برای فریب افکار عمومی خودداری کرده‌اند. هرچند مردم و آگاهان امور می‌دانند که چه گروه طالبان مسئولیت این نوع حملات را پذیرفته باشد یا نه، مسئولیت اصلی متوجه آنان است زیرا با خود شان این حملات و جنایات را مستقیماً انجام داده است و یا زمینه این نوع حملات را برای سایر گروه‌های تروریستی فراهم کرده است.

بر اساس جستجویی که انجام شد، بر اثر حملات به مراکز آموزشی تعلیمی و تحصیلی در طی این مدت بیش از ۳۵۷ دانش‌آموز یا معلم و دانشجو کشته و بیش از ۸۹۱ تن زخمی و نزدیک به ۱۴۵۴ دانش‌آموز دختر مسموم شدند

معمولاً در منازعه و جنگ‌ها یک سری قواعد و اصول برای حفاظت از جان غیر نظامیان و اماکن و زیربنای عام‌المنفعه وجود دارند که طرفین منازعه تلاش می‌کنند که به آن‌ها و لو به صورت غیر عمدی آسیب نرسد اما اینکه غیر نظامیان و اماکن عام‌المنفعه به طور عمد و قصد مورد کشتار و تخریب قرار بگیرد، تنها از عهده گروه‌های تروریستی و دهشت‌افکن که به هیچ اصل و معیاری پای‌بند نیستند، بر می‌آید. در طی چند دهه منازعه دوامدار در افغانستان به خصوص در طی بیست سال اخیر حملات تروریستی علیه اهداف غیر نظامی بخصوص مراکز آموزشی و تحصیلی، دانش‌آموزان و دانشجویان توسط گروه‌های مختلف تروریستی به یک معضل ملی تبدیل شده و متأسفانه جان غیرنظامیان برای آنان ارزشی نداشته و مکرراً مورد حمله عمدی و هدفمند قرار گرفته‌اند. اصولاً گروه طالبان با اصل آموزش و تحصیل و فراگیری علم و آگاهی جوانان از بدو تأسیس تاکنون زاویه و مشکل داشته و دارند و تلاش می‌کنند که از هر طریق ممکن جلو رشد و آگاهی جامعه به ویژه دختران و خانم‌ها را بگیرند. این نوشته در زمانی تدوین می‌شود که دقیقاً دو سال تمام از محرومیت و ممنوعیت دختران و بانوان از حق آموزش می‌گذرد و مکاتب به روی دختران صنف شش به بالا و دروازه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به روی دانشجویان دختر به صورت رسمی توسط این گروه بسته شده است. این در حالی که است که از میان ۵۴ کشور مسلمان و عضو سازمان کنفرانس اسلامی هیچ کشوری زنان و دختران شان از حق آموزش و کار و فعالیت سیاسی منع نشده‌اند و تنها حکومت طالبان در دنیا و در جهان اسلام است که تمام حقوق زنان و بسیاری از حقوق مردن را نادیده گرفته است و تفسیر خشک آمیخته با سنت‌های قبیله‌ای را بنام اسلام بر شهروندان افغانستان با تهدید و ارباب تحمیل نموده و آن‌ها را از تمام شئونات زندگی و حقوق انسانی و اسلامی خود محروم کرده است. هر چند گاهی برخی از رهبران این گروه می‌گویند که ما "دلایل/ دلایلی برای محرومیت و ممنوعیت زنان از آموزش داریم اما به به مردم اعلام نمی‌کنیم" و این ترس یا دلهره، نشان می‌دهد که ترس و هراس طالبان بیشتر از آگاه شدن نسل جوان از حقوق انسانی و زندگی انسان محور است زیرا در صورتی که جوانان از حقوق انسانی، اسلامی و شهروندی

کشتار نیروهای امنیتی افغانستان

✍ م. باتور



افغانستان قربانی شدند که علاوه بر آمار و ارقامی که ارایه گردید در حدود ۷۰هزار نیروی امنیتی را شامل می‌شود. این آمار تنها مربوط به شهدا است. وگرنه معلولین این جنگ طولانی یک آمار بسیار را بالا را نشان می‌دهد که بخشی از معلولین بر اثر آسیب‌های زمان جنگ جان‌های خویش را از دست می‌دهند. هم‌چنین تعداد زیادی از نیروهای امنیتی کشور هم اکنون و به صورت روزمره توسط طالبان شکنجه و کشته می‌شوند. اگر این آمار را بر آمار قبلی بیفزاییم احتمالا آمار بسیار بالاتر از آن چیزی خواهد بود که تا کنون در رسانه‌ها نشر شده است.

۱۴۰۰ خورشیدی تلفات نیروهای امنیتی مرتب در حال افزایش بود.

بدین ترتیب در مجموع کسانی که در باره آمار و ارقام تلفات نیروهای امنیتی افغانستان در جنگ با طالبان تحقیق کرده اند گفته اند که بیش از هفتاد هزار نیروی امنیتی در مقابله با طالبان شهید شده اند. آقای کرافورد هم‌چنین گفته است که به صورت تخمینی تلفات نیروهای امنیتی افغانستان ۶۴۱۲۴ نفر تا اکتبر ۲۰۱۹ برآورد شده است. طبیعی است که پس از اکتبر سال ۲۰۱۹ تا زمان سقوط در سال ۲۰۲۱ شهدای زیادی از نیروهای امنیتی

به گفته شخصی به نام نتا سی کرافورد که از وی به عنوان استاد دانشگاه و مدیر مشترک پروژه هزینه‌های جنگ نام برده شده است تخمین زده شده است که ۲۳۴۷۰ نفر از اعضای نیروهای امنیتی، از جمله ۱۴۲۰۰ پلیس و ۷.۷۵۰ سرباز، از زمان آغاز جنگ تا پایان ۲۰۱۴ میلادی کشته شده‌اند.

اما این رقم پس از سال ۲۰۱۴ که آغاز حکومت دوره غنی بود افزایش چشم‌گیری داشت. به گونه‌که در دو سال اخیر حکومت جمهوریت به طور متوسط روزانه ۱۰۰ نفر از نیروهای امنیتی توسط طالبان به شهادت می‌رسیدند. دلیل آن تقویت طالبان و فشار بر نیروهای امنیتی افغانستان و تضعیف روحیه مردم و نیروهای امنیتی کشور بود.

آمار شهدای نیروهای امنیتی تا واکر حکومت محمد اشرف غنی

اشرف غنی در سال ۱۳۹۷ در گفتگویی با فرید زکریا خبرنگار آمریکایی در حاشیه اجلاس مجمع اقتصادی داووس در تاریخ چهارم دلو ۱۳۹۷ آماری از تلفات نیروهای امنیتی کشور اعلان کرد که همه را شگفت زده کرد. او در این مصاحبه گفت که از ماه دسامبر ۲۰۱۴ میلادی که او به‌حیث رئیس‌جمهور افغانستان تعیین شده، تا آن زمان که حدود چهار سال می‌شد، بیش از ۴۵ هزار نیروی امنیتی افغانستان در جریان جنگ و درگیری‌ها کشته شده‌اند.

این اظهارات از آمار و ارقام شهدای نیروهای امنیتی، آن هم در ظرف چهار سال، نشان از تلفات بالای نیروهای امنیتی در جنگ با تروریسم و طالبان داشت. در حالی که طی چهار سال بعدی یعنی تا سقوط دولت در ۲۴ اسد

نیروهای امنیتی افغانستان تا آخرین روزهای سقوط دولت بیشترین جان‌فشانی‌ها را انجام داد و ده‌ها هزار قربانی برای دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و نظام سیاسی کشور تقدیم کردند. تاریخ ایشار و فداکاری آنان را هرگز فراموش نخواهد کرد و اگر روزی افغانستان دارای یک نظام مشروع و استقلال کامل در عرصه بین‌المللی تبارز کند بدون شک مرهون تلاش و خون‌های پاک نیروهای امنیتی افغانستان خواهد بود. اگر چه آمار دقیقی از تلفات نیروهای امنیتی در طی جنگ بیست ساله وجود ندارد ولی بر اساس تخمین‌ها و تحقیقاتی که صورت گرفته است شهدای نیروهای امنیتی در بیست سال گذشته بیش از هفتاد هزار نفر بوده اند.

به طور کلی آمار شهدای نیروهای امنیتی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ که دولت افغانستان سقوط کرد سیر صعودی داشته است. زیرا در اوایل که گروه طالبان شکست خورده بود توان مقابله با نیروهای امنیتی افغانستان را نداشت و امیدی هم برای تقویت نیروهای خود نداشت. اما به تدریج که سیاست دولت افغانستان در برابر طالبان تغییر کرد و این گروه که در میدان جنگ نابود شده بود به یمن مماشات دولت افغانستان و حمایت‌های بی دریغ بین‌المللی رشد کرد تا در سال ۲۰۲۱ افغانستان را به تصرف خویش در آورد.

آمار شهدای نیروهای امنیتی در دوره حکومت کرزی

از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۹ که تقریباً دور اول حکومت کرزی را شامل می‌شد، شهدای نیروهای دفاعی و امنیتی کشور در برابر طالبان ۵۵۰۰ نفر اعلان گردیده بود. اما در دور دوم حکومت وی تا ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ تعداد شهدای نیروهای پلیس و اردو ۲۱۰۰۸ نفر رسید.

کشتن زنان توسط طالبان در دوسال گذشته

- ۷_سمیه محصل قتل مرموز - بلخ
- ۸_زینب عبدالهی در پوسته اونچی کابل تیرباران شد
- ۹_حلیمه امامی در بامیان تیرباران شد.
- ۱۰_شریفه دانشجو وفعال مدنی قتل مرموز _ بلخ
- ۱۱_فاطمه دانشجو و فعال مدنی قتل مرموز _ بلخ
- ۱۲_زینب فعال مدنی قتل مرموز _کابل
- ۱۳_فروزان صافی - فعال مدنی - مزارشریف
- ۱۴_نفیسه بلخی قابله قتل مرموز - بلخ
- ۱۵_ثمر گل نماینده زنان قریه دوربافان - قتل مرموز کاپیسا
- ۱۶_فروزان - دختر ۱۳ ساله - کابل
- ۱۷-عیدی یما کارمند وزارت اطلاعات و فرهنگ همراه با ۲ دخترش - قتل مرموز _کابل -
- ۱۸- بانو نگار افسر پولیس قتل مرموز

طی دو سال گذشته که طالبان در افغانستان حاکم شده اند کشتار اقشار مختلف از جمله توسط این گروه هم‌چنان ادامه داشته است. در فهرست زیر تعدادی از زنان که به نحوی دارای جایگاه سیاسی و اجتماعی و یا از فعالان مدنی و رسانه‌ای بوده اند آمده است. اما طبیعی است که قربانیان زنان مثل دیگر اقشار در سراسر افغانستان بسیار بیشتر از آن است که در این فهرست آمده است.

- ۱_مرسل نبی زاده وکیل پارلمان- قتل مرموز در _کابل
- ۲_عالیه رئیس زندان هرات _ در هرات
- ۳_شکریه الکوزی داکتر - قتل مرموز در _کابل
- ۴_گلسر دانشجو و فعال مدنی- قتل مرموز در -اندخوی
- ۵-خاطره معلم قتل مرموز در _نیمروز
- ۶_حورا یوتبر و فعال مدنی قتل مرموز در _ کابل



نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان به روایت آمار

✍ صهبا سهیل

سخن بیهوده و برخلاف قوانین الهی بوده و باطل است، لذا عمل مطابق آن قوانین کفر است. زن و مرد مسلمان اختیار ندارند که از پیش خود، در امور زندگی خود حکم و یا قوانینی را تنظیم و به‌کارگیرند، فقط باید احکامی که خداوند فرستاده اطاعت کنند(سلفی‌گری).

۲. حاکمیت از خداست و امیرالمؤمنین جانشین خدا در حاکمیت است؛ اما در حکومت‌های انتخابی و دموکراسی چون رئیس‌جمهور را بجای خدا حاکم می‌دانند، آنها کافر هستند .

۳. نظام امارت را خداوند بر اطاعتش امر کرده یک نظام مطلوب و دانمی است، امیرالمؤمنین و مذهب حنفی بر دستورات خدا و به ما انزل الله عمل می‌کنند. نوع دیگری از نظام مشروعیت الهی ندارد. لذا قاضی (حاکم) از غیر پیرو مذهب حنفی در امارت پذیرفته نمی‌شود و باعث نابودی نظام امارت می‌شود.

۴. ایجاد گروه‌های نظامی- جهادی قوی، که دشمنان را به ارهاب و ترس وادارند، مجازند. آنان در داخل و خارج کشور همگی را از بند کفر آزاد کنند، چنان بجنگند و جهاد کنند که همگی را در تمام جهان زیر پرچم اسلام دریاورند و کسی غیرمسلمان باقی نماند. (جیش قوی یرهب... ایجاد شبکه‌های انتحاری، تروریستی، سلفی- جهادی)

سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه وارد و یا آنها را عمداً در شرایط زندگی نامناسب قرار دهند، بر آنها اقداماتی را برای جلوگیری از تولد نسل تحمیل کنند و یا کودکان آنها را از گروه خودشان به گروه دیگر انتقال دهند، مرتکب جنایت جنوساید یا نسل‌کشی شده است(ماده ۶ اساسنامه ICC)

بازبینی مبنای فکری طالبان، نشان می‌دهد که این گروه در طول سالها جنایات خود خصوصاً علیه هزاره‌ها به قصد نسل‌کشی و نابودی آنها به خاطر داشتن نژاد، قوم و مذهب خاص، مرتکب جنایت کشتارجمعی و نسل‌کشی شده‌اند. در ادامه پس از بیان زمینه‌های فکری گروه‌های افراطی از جمله طالبان، به برخی از مصادیق نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان بر اساس آمار می‌پردازیم.

زمینه‌ها و مبنای فکری نسل‌کشی هزاره‌ها
کشتار، انتحار و قتل‌عام مردم توسط گروه‌های سلفی- جهادی از جمله طالبان، ریشه در اندیشه‌های افراطی برخی از افراد پیشگام در باورهای سلفی و افراطیت دارد. خلاصه‌ای از مبنای فکری و مجوز نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان را که متأثر از اندیشه‌های تکفیری، جهادی سلفی است در کتابی با عنوان «مارت اسلامی و نظام آن» که توسط مولوی عبدالحکیم حقانی نوشته شده است و مانیفیست گروه طالبان به حساب می‌آید، مرور می‌کنیم: ۱. قوانینی که انسان‌ها تنظیم و تصویب می‌کنند

به عنوان قاتل مستحق قصاص است و طبق قوانین ملی و بین‌المللی، فرد یا گروه، مرتکب جنایت نسل‌کشی شده که مجازات خاص خود را در پی‌دارد.

نسل‌کشی ترجمهٔ واژهٔ ژنوساید (Genocide) است که از دو کلمه «Genos» به معنای نژاد - نسل و «Cide» به معنای کشتن ترکیب یافته است. مطابق اسناد حقوق بین‌المللی کیفری هرگاه فرد، گروه یا دولتی به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، اعضای آن گروه را قتل‌عام، یا صدمهٔ شدید به

اشاره:
گروه‌های افراطی- سلفی به‌ویژه طالبان، قرائت خاصی از آموزه‌های دین دارند، که اعتقاد غیرخودی را باطل و آنان را کافر و مستحق مرگ می‌دانند. آنان با توجه بر این دیدگاه دست به کشتار پیروان دیگر مذاهب و فرقه‌های مسلمان می‌زنند و کشتن دیگران را مجاز بلکه عین ثواب می‌دانند. گروه طالبان نیز بر اساس همین دیدگاه دست به کشتارهای جمعی هزاره‌ها به‌عنوان شیعه زده‌اند که براساس قانون شرع قتل‌عام بی‌گناهان حرام و فرد عامل

نسل‌کشی ترجمهٔ واژهٔ ژنوساید (Genocide) است که از دو کلمه «Genos» به معنای نژاد - نسل و «Cide» به معنای کشتن ترکیب یافته است. مطابق اسناد حقوق بین‌المللی کیفری هرگاه فرد، گروه یا دولتی به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، اعضای آن گروه را قتل‌عام، یا صدمهٔ شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه وارد و یا آنها را عمداً در شرایط زندگی نامناسب قرار دهند، یا بر آنها اقداماتی را برای جلوگیری از تولد نسل تحمیل کنند و یا کودکان آنها را از گروه خودشان به گروه دیگر انتقال دهند، مرتکب جنایت جنوساید یا نسل‌کشی شده است(ماده ۶ اساسنامه ICC)

ادامه از صفحه ۱۱

۵. باید جماعت قوی و محکم «القاعدة الصلبة» ایجاد گردد، گروهی که تطبیق قوانین الهی را در داخل و خارج به عهده بگیرند. این جماعت گروه‌های امریہ‌معروف، گروه‌های نظامی- جهادی، گروه‌های انتحاری؛ دسته‌های سیاسی برای اداره امارت و تعامل با غیرمسلمانان، رعیت اماراتی عشر بده و... را شامل می‌شوند.

۶. مذهب حنفی، مذهب قدیمی افغانستان و اکثر مردم پیرو این مذهب است، فقه و امور حکومتی، شرعی و قضایی در افغانستان بر اساس مذهب حنفی است، لذا فقط مذهب حنفی رسمیت دارد، داشتن مذهب دیگر عار و ننگ به شمار می‌رود.. (و غیر المذهب حنفی يعد عارا فی افغانستان).

۷. افرادی را می‌توان افغانی دانست که اهل جنگ، شجاع، با لباس پیراهن- تنبان گشاد و بلند با عمامه و لباس‌های زنان نیز بلند و ساتر تمام بدن، هستند. بنابراین لباس و آداب دیگر در افغانستان، هویت و طبیعت یک افغانی نیست، باید از بین برود.

۸. آزادی بیان فقط در امریہ‌معروف است و افراد حق بیان موارد دیگری را ندارند؛ آزادی عقیده فقط اظهار عقیدهٔ اسلامی را حق دارند، اگر پیروان ادیان دیگر از عقیده خود و یا مسلمانان از عقاید دیگران تبلیغ کنند به خاطر کفرشان شهید و یا حبس دائم می‌شوند. آزادی بیان به کفر گویی و آزادی عقیده به اطاعت غیر خدا می‌انجامد، پس به‌شدت ممنوع و مجازات مرگ دارد.

۹. یکی از راه‌های مشروعیت امارت و حکومت، گرفتن حکومت به‌زور و غلبه است، هرکسی حتی فاسق هم باشد اگر به‌زور و غلبه حکومت را گرفت و مستقر شد، اطاعت از آن واجب است.

۱۰. حکومت انتخابی از طریق انتخابات در نظام‌های دموکراسی مشروعیت ندارد، جزء نظام جاهلی است که از کفار در بین مسلمین راه‌یافته است. لذا کسانی که از قوانین بشری و غیر امارت حمایت نکنند، جزء جامعه جاهلی و کافرند.

۱۱. باید نظام تعلیمی همه اسلامی باشد، دروس عصری دانشگاهی مورد تأیید نیست، زنان می‌توانند درس بخوانند ولی در انتظار نباید باشند چون جایشان طبق قانون اسلامی کنج خانه است، تحصیل مختلط زن و مرد جواز ندارد.

۱۲. زنان نمی‌توانند در مقام امارت و دیگر مقام‌های دولتی وظیفه‌بگیرند و اصولاً زنان نباید در جامعه ظاهر شوند، اسلام گفته زن‌ها باید در خانه‌هایشان بوده و با نامحرم‌ان نباشند، چون زنان عورت‌اند و باعث دخالت شیطان و گمراهی مردم می‌شوند پس بهتر است در کنج خانه بمانند، اگر در هنگام ضرورت بیرون بیایند باید مستور باشند.

آمار ارتکاب نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان

طالبان تا کنون با مبنای فکری افراطی و حمایت نظامی و اقتصادی خارجی‌ها به شکل وحشتناکی به کشتار مردم افغانستان خصوصاً شیعیان و هزاره‌ها دست زده اند. در این گزارش فقط به آماری از کشتار سیستماتیک و نسل‌کشی هزاره‌ها توسط گروه تروریستی طالبان که در دورهٔ سیاه اول خود، نیز در جنگ علیه مردم و دولت پیشین و همین‌طور در دورهٔ تاریک فعلی خود، مرتکب شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

۱. طی حملهٔ طالبان در اواخر سال ۱۳۷۳ به مردم و نیروهای حزب وحدت در غرب کابل، در نهایت شهید استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب وحدت را با ۷ تن از یارانش دستگیر و به طرز فجیعی به شهادت رساندند. می‌توان گفت این نخستین کشتارجمعی هزاره‌ها از سوی طالبان بود.

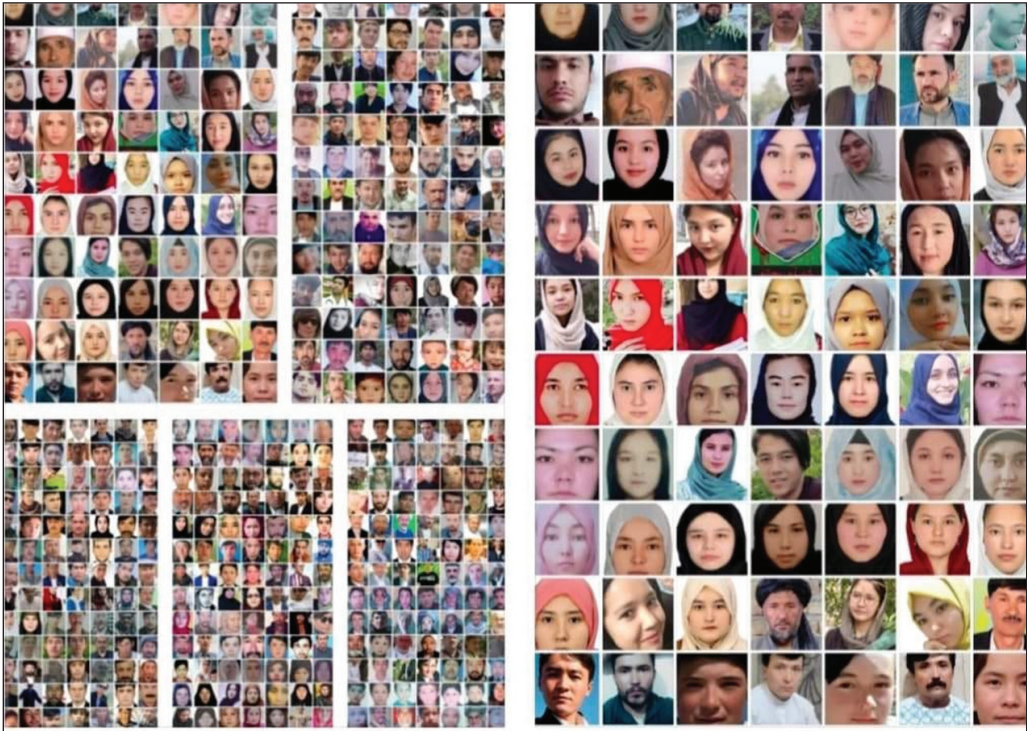
۲. احمد رشید پاکستانی می‌نویسد به تاریخ هشتم آگست ۱۹۹۸، نیروهای طالبان در مزار شریف هزاران هزاره را در انتقال به زندان از طریق کانتینرهایی که در آنها قفل شده، خفه کردند؛ سازمان ملل و سازمان صلیب سرخ جهانی(ICRC) تخمین زده که طالبان بین ۵۰۰۰ الی ۶۰۰۰ نفر را کشتند، وی می‌نویسد: حدس من این است ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ غیرنظامی در ماه‌های جولای و آگست کشته شده‌اند.(احمد رشید، ص ۱۶۰) همهٔ اینها به خاطر قومیت هزاره و عقاید شیعی شان قتل‌عام شدند.

۳. طالبان نزدیک کوتل رباطک یکه‌ولنگ ۳۱ تن از غیرنظامیان را که ۲۶ تن آنان مشخصاً هزاره بودند، قتل‌عام کردند. طالبان در ماه جنوری ۱۹۹۸ در ولسوالی یکه‌ولنگ بامیان، طبق تأیید سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل و دیده‌بان حقوق بشر حدود ۳۰۰ غیرنظامی از مردان را اعدام کردند.(فلیپس دینیس، ترجمهٔ عباس دلجو)

۴. در سال ۱۳۷۷- ۱۹۹۸ طالبان تعداد ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تن از نیروهای حزب وحدت اسلامی را که بسیاری از آنان در قلعه زینی و حدود ۷۰۰ تن دیگر را که پیاده به سمت حیرتان فرار می‌کردند، به شهادت رساندند.

۵. در سال ۱۳۷۹ش. از ماه جنوری تا مارچ ۲۰۰۰ میلادی طالبان پنج کشتار غیرنظامیان هزاره را در ولسوالی گوسفندی ولایت سرپل مرتکب شده‌اند، که ۹۶ نفر را به قتل رساندند. قربانیان اول به اسارت درآمده بعد با دستان بسته تیرباران شدند.

۶. طالبان با اشغال شهر یکه‌ولنگ در هشتم ژانویه



۱۱. کشتارجمعی در ولسوالی جلریز میدان وردک ۱۱ سرطان ۱۳۹۴ که طالبان با حمایت مردم محلی با حمله به پوسته‌های امنیتی سربازان هزاره، ۲۷ نفر را یک‌جا شهید و ۱۲ نفر را زخمی کردند.

۱۲. حمله تروریستی به کارمندان موبی‌گروپ به تاریخ ۳۰ جدی ۱۳۹۴ در کابل صورت گرفت و ۷ نفر را کشتند که اکثراً هزاره بودند.

۱۳. در یک گروگان‌گیری در ۲۱ میزان ۱۳۹۴ تعداد ۹ مسافر غیرنظامی هزاره، شامل دو زن، یک طفل ۸ ساله و ۴ مرد ربوده شدند. که ۷ تن از آنها به شمول یک طفل دختر ۸ ساله و دو زن سالخورده به‌طور فجیع سربریده شدند.

۱۴. طی گروگان‌گیری ۷ نفر ملکی در ولسوالی قره‌باغ غزنی از مسافران هزاره در ۲۶ جوزا ۱۳۹۴، یک‌تن را شهید کردند.

۱۵. با گروگان‌گیری ۴ نفر ملکی در دره قیاق غزنی از مسافران هزاره در تاریخ ۲۰ اسد ۱۳۹۴، که هر ۴ نفر را شهید کردند.

۱۶. حمله انتحاری بر تظاهرات کنندگان هزاره (جنبش روشنایی) در چهارراهی دهمزنگ کابل ۲ اسد ۱۳۹۵ که بیش از ۸۶ شهید و ۲۸۲ زخمی برجای گذاشت،

۱۷. در ۱۱ سنبله ۱۳۹۵ طالبان در ولسوالی دولت‌آباد ولایت غور، ۵ تن از دانشجویان هزاره را از موتر پائین و گروگان گرفتند و یکی از آنها را به‌طور فجیع شهید و ۴ تن دیگر را پس از چهار هفته آزاد کردند.

۱۸. حمله انتحاری در شب تاسوعا اول میزان سال ۱۳۹۵ در مسجد زیارتگاه سخی کابل، دستکم ۱۸ شهید و ۵۸ زخمی در برداشت.

۱۹. در حمله انتحاری دیگر در روز اربعین حسینی اول قوس ۱۳۹۵ در مسجد باقرالعلوم - جاده فیض محمد کاتب هزاره در کابل، ۳۲ تن شهید و ۶۴ تن زخمی شدند.

۲۰. طالبان با حمله به موتر کارمندان معدن در ولسوالی تاله و برفک در ۱۷ جدی ۱۳۹۵ که همگی از دایکندی و هزاره بودند تعداد ۷ نفر را شهید و ۴ نفر دیگر را زخمی کردند.

۲۱. طی حمله بر مسافران در دره غوربند به تاریخ ۲۴ جوزا ۱۳۹۵ یک نفر رئیس شورای ولایتی بامیان را شهید کردند.

۲۲. در حمله انتحاری در عاشورای ۱۳۹۵ در مرکز ولسوالی بلخ ۲۱ میزان ۱۳۹۵تعداد ۱۴ تن کوچک و بزرگ را شهید و ۷۰ تن دیگر را زخمی کردند.

۲۳. طی حمله تروریستی به کارمندان وزارت معادن در غرب کابل بتاريخ ۲ اسد ۱۳۹۶، تعداد ۳۶ نفر ملکی را شهید و ۵۰ را زخمی کردند.

۲۴. در حملهٔ مسلحانه تروریست‌ها در ولسوالی زارع ولایت بلخ به ۱۳ نفر از مسافران هزاره به تاریخ ۱۴ اسنبله ۱۳۹۶، آنها را از موتر پیاده و بعداً همه را تیرباران و شهید کردند.

۲۵. در حمله انتحاری در شب احیای ماه مبارک رمضان ۲۵ جوزا ۱۳۹۶ به مسجد الزهرا در دشت برچی کابل، تعداد ۴ تن را شهید و ۸ تن زخمی کردند.

۲۶. طی حمله تروریستی به مسجد جوادیه هرات در تاریخ ۱۰ اسد ۱۳۹۶، تعداد ۳۲ نفر نمازگزار شهید و ۷۰ نفر دیگر زخم برداشتند.

۲۷. در حملهٔ دیگر طالبان در ۱۲ اسد ۱۳۹۶ به روستای میرزااولنگ ولسوالی صیاد ولایت سرپل، که ۱۵۰ نفر را گروگان گرفته و بیش از ۵۰ نفر را قتل‌عام کردند. ۲۸. گروگان‌گیری ۳۲ نفر ملکی در قریه نیخته، قلوچ، ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی بین سالهای، ۱۳۹۵-۱۳۹۶- ۱۳۹۷، که از جمع آنها ۱۲ نفر را شهید کردند و بقیه آزاد شدند.

۲۹. حمله انتحاری و تروریستی در ۳ سنبله ۱۳۹۶ به مسجد امام زمان قلعه نجارها در کابل که ۴۰ تن را شهید و ۵۰ تن را زخمی کردند.

۳۰. حمله انتحاری ۷ میزان ۱۳۹۶ کابل به نمازگزاران مسجد بزرگ در منطقه قلعه فتح‌الله شهر کابل که ۵ تن شهید و ۲۰ تن زخمی برجای گذاشت.

۳۱. حمله انتحاری در ۲۸ میزان ۱۳۹۶ کابل به مسجد امام زمان دشت برچی کابل که ۵۶ تن شهید و ۵۵ نفر دیگر را زخمی کردند.

۳۲. در کتابخانه جبریل هرات در ۳۰ قوس ۱۳۹۶ بمب‌گذاری کردند که در آن ۴ تن شهید و ۱۰ تن را زخمی کردند.

۳۳. حمله انتحاری در ۷ جدی ۱۳۹۶ به دفتر مرکز فرهنگی تبیان کابل انجام شد که در آن ۵۲ تن شهید و ۹۰ تن زخم برداشتند.

۳۴. در ۱۸ حوت ۱۳۹۶ طی یک حمله انتحاری، به شرکت‌کنندگان مراسم بیست و سومین سالگرد شهادت شهید مزاری در مصلای شهید مزاری ۹ تن را شهید و ۱۸ تن را زخمی کردند.

۳۵. طی بمب‌گذاری در اول حمل ۱۳۹۷ در نزدیک زیارتگاه سخی شهر کابل در بین مردم، تعداد ۳۳ تن شهید و ۶۵ تن را زخمی کردند.

۳۶. طی حمله به یک مسجد شیعیان در گردیز در تاریخ ۱۲ اسد ۱۳۹۷، ۲۹ نفر را به شمول یک عالم دین شهید و ۸۱ نفر را زخمی کردند.

۳۷. طی حمله انتحاری در ۲ ثور ۱۳۹۷ به مردم ایستاده در صف توزیع تذکره واقع در پشت مکتب مایل هروی در منطقه دشت برچی قلعهٔ ناظر کابل، دستکم ۷۰ تن شهید و ۱۲۰ تن زخمی شدند.

۳۸. با حملهٔ تروریستی در تاریخ ۲ سرطان ۱۳۹۷ به یک عالم دین بنام شیخ توکلی در هرات، آن را شهید کردند.

۳۹. حمله انتحاری در ۲۴ اسد ۱۳۹۷ به شاگردان آمادگی کنکور در آموزشگاه موعود منطقه دشت برچی کابل، بیش از ۵۰ شهید و بیش از ۶۷ زخمی شدند که همگی بین ۱۶ تا ۱۸ سال داشتند.

۴۰. طی دو حمله انتحاری در ۱۵ سنبله ۱۳۹۷ به مجتمع ورزشی خاتم‌الانبیا منطقه دشت برچی تعداد ۲۶ تن شهید و ۹۱ تن زخمی شدند.

۴۱. طی حمله در ۵ عقرب ۱۳۹۷ به روستاهای ولسوالی خاص‌ارزگان ولایت ارزگان، طالبان بیش از ۷۰ را شهید و تعداد نامعلومی را زخمی کردند و نزدیک به ۲۵۰ فامیل وادار به کوچ اجباری شدند.

۴۲. حملهٔ راکتی در ۱۶ حوت ۱۳۹۷ به جمع ۱۲

مبانی نظری حملات انتحاری از نگاه طالبان

✍️ احسان تیمور



منظرهای مختلف تحلیل شده ست. برای مثال دورکیم خود کشی و دیگر کشی را براساس نوع همبستگی اجتماعی تبیین نموده است. روانشناسان از منظر دیگری به بحث پرداخته‌اند. متفکرانی چون نیچه نیز به بحث رود جدی داشته‌اند. اما قطع نظر از وارد شدن در این مباحث نظری می‌توان سه نوع محرک را مطرح نمود.

۱- محرک‌های روان‌شناختی: از منظر روان‌شناسی مسائلی مانند شخصیت اقتدارگرا، انگیزه‌های نوع‌دوستی، باورهای مذهبی و انتقام‌جویی به‌عنوان فشار و کشش، افراد را به پذیرش حملات انتحاری می‌کشاند. اما در افغانستان یک فاکتور اصلی محرک انتحار بوده و است و آن حس انتقام جویی پشتونیزم و حقارت ناشی از زوال سلطه یک گروه خاص بر افغانستان است. این گروه بدین باورند که افغانستان به صورت کامل مال آنهاست و دیگران تنها از حقوق زیستن در کشور برخوردارند و حق حضور در عرصه سیاست و قدرت را ندارند. لذا هر زمانی که احساس کرده‌اند که این موقعیت را از دست داده اند از انواع خشونتی چون جنگ، کشتار و کوتاه استفاده کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۹

به این بهانه از جهانیان می‌خواهند تا به رسمیت شناخته شوند. یقیناً اگر داعش توان انجام چنین حملات انتحاری را می‌داشت، طالبان توان کنترل و سرکوب آنها را نداشت. این بازی است که هر دو طرف آن خود طالبان است. همانگونه که مخالفین خود را به جرم داعش دستگیر و به قتل می‌رسانند.

شیوهٔ انتحار

استفاده از کمربند انتحاری و خودروهای حامل مواد انفجاری، از رایج‌ترین نوع عملیات انتحاری بودند که طالبان انجام می‌دادند. در طول دورهٔ حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان، عملیات انتحاری اصلی‌ترین روش جنگی گروه‌های انتحاری طالبان به‌شمار می‌رفت. طالبان برخلاف اصول انسانی، اخلاقی، اسلامی و بین المللی برای عملیات انتحاری از مشکلات سو استفاده نموده و افرادی از میان بی‌سوادان، فقرا، بی‌کاران، کودکان، مطرودان اجتماعی، معتادان و افراد دارای نارسایی ذهنی را برای انجام حملات انتحاری استخدام می‌کردند.

محرک‌های انتحار

سوال اساسی، پرسش از محرک‌های انتحار است؛ چرا آدم‌ها دست به انتحار می‌زنند؟ محرک‌های انتحار از

پس از قدرت یافتن داعش مواردی را داعش نیز به عهده می‌گرفتند، اما از نظر کارشناسان امنیتی واقعیت این است که تفاوت میان طالبان و داعش وجود ندارد و انجام دهندهٔ انگونه موارد نیز طالبان بوده است نه داعش؛ چون تفاوتی میان طالبان و داعش حداقل تا زمان به‌قدرت رسیدن دوباره طالبان وجود نداشته است.

بسیاری بر این باورند که حتی حملات انتحاری دو سال اخیر تحت حاکمیت طالبان مثل حمله به مرکز آموزشی کاج، لیسه عبدالرحیم شهید، مسجد فاطمیه در قندهار، خانقاه اهل تصوف و یک مسجد شیعیان در قندوز و کابل و موارد دیگر، نیز توسط خود طالبان سازماندهی و انجام شده است. منتها به‌منظور بزرگ نمایی داعش به اسم داعش اعلامیه صادر نموده‌اند. تا افکار مردم، کشورهای منطقه و جامعه جهانی را به‌سمت داعش سوق دهند. حتی گفته شده است که مولوی عبدالرحمان انصاری و والی بلخ با انجام عملیات انتحای نیروهای طالبان کشته شده‌اند.

علتی که فعلاً از این کار دست برداشته‌اند هم ظاهری و صوری است؛ می‌خواهند به مردم و جهانیان وانمود کنند که ما در مبارزه با داعش و دیگر نیروهای تروریزم موفق بوده‌ایم.

پیشینه اجمالی انتحار

انتحار در جهان پیشینهٔ طولانی دارد و سابقهٔ آن به اقدامات اعضای فرقهٔ زیلوت (zealots) بازمی‌گردد که در قالب یک جنبش یهودی، به امپراتوری روم حمله انتحاری می‌کردند. در سده‌های میانه، فداییان «حسن صباح» در ایران و سوریهٔ امروزی نیز حاکمان مسلمان را با اتهام ارتداد، می‌کشتند. از اواسط قرن ۱۸ میلادی به این‌سو، گروه‌های انتحاری در هند، اندونزی و فیلیپین بر ضد استعمارگران چنین حملاتی را انجام داده‌اند. در جنگ دوم جهانی نیز، یکی از خلبان‌های نظامی ژاپن، هواپیمای جنگی خود را به ناو نظامی آمریکا کوبید که در پی آن، چندین خلبان ژاپنی دیگر نیز چنین عملیاتی را علیه نیروهای آمریکایی، انجام دادند. بربرهای سیاه (زنان جنگجوی تاملیل) در سریلانکا نیز از شیوهٔ انتحار برای پیش بردن اهداف خود استفاده می‌کردند. در سال‌های اخیر فلسطینی‌ها نیز با هدف آزادسازی سرزمین مادری از حرکت‌های شبیه انتحار استفاده می‌کنند؛ البته اسم آن را عملیات استشهادی نهاده‌اند. حملات انتحاری از نظر فقه‌های مسلمان حرام است و هیچ بنیاد شرعی ندارد.

پیشینه انتحار در افغانستان

پس از مسلط شدن بار اول طالبان، افغانستان به کانون حملات انتحاری مبدل شد. حمله انتحاری بر برج‌های دو قلو و ترور احمدشاه مسعود سرآغاز این حملات بود. اما با حملهٔ آمریکا و به قدرت رسیدن جبهه شمال طالبان به مدت بیست سال از حملات انتحاری علیه مردم، دولت، نیروها و موسسات خارجی در افغانستان استفاده کردند. این نوع مبارزه و کشتار در افغانستان پیشینه نداشت. اما در بیست سال گذشته به اوج خود رسیده بود. هیچ محلی امن باقی نمانده بود و مراکز دولتی، مراکز نظامی، بیمارستان‌ها، زایشگاه‌ها، مساجد و زیارت‌گاه‌ها، نمازهای جمعه و جماعت، مراسم ختم و فاتحه، دانشگاه‌ها، مکاتب، کورس‌های آموزشی، تظاهرات‌های مردمی، نماز جنازه، بازی فوتبال، منازل شخصی مقامات و موارد مشابه مورد حمله انتحاری قرار گرفت. علاوه برآن استفاده از بمب‌های مغناطیسی برای کشتن مقامات و انسان‌های عادی نیز استفاده شد.

عاملان انتحار

نیرو‌هایی که در بیست سال حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان به‌صورت رسمی عملیات انتحاری انجام می‌دادند، در ابتدا از اعضای طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بودند. برای مثال حمله انتحاری دلخراش در منطقه شاه شهید را رسماً حزب اسلامی حکمتیار به‌عهده گرفت و شخص حکمتیار در یک مناظره تلویزیونی در انتخابات سال ۱۳۹۸ رسماً انجام حملات انتحاری و از جمله حمله انتحاری در شاه شهید را پذیرفت. اما بیشترین عملیات انتحاری را در بیست سال جمهوریت، طالبان انجام داده‌اند. طالبان پس از آنکه مجدداً در سال ۲۰۲۱ به قدرت رسیدند به‌صورت رسمی از خانواده‌های افراد انتحار کننده قدردانی کردند و برای آن‌ها زمین توزیع نمودند. همچنین اعلام داشتند که بیش از ۱۰۰۰ نفر آمادهٔ انتحار در اختیار دارد. البته در سال‌های اخیر و

نسل‌کشی هزاره‌ها توسط طالبان به‌روایت آمار

ادامه از صفحه ۱۲

❗ شرکت‌کنندگان مردمی و چهره‌های سیاسی در مراسم سالیاد شهید مزاری در مصلاّی شهیدمزاری دشت برچی کابل دستکم ۱۱ شهید و ۹۵ نفر را زخمی کردند.

۴۳. طی حملهٔ تروریستی و تیراندازی در ۱۸ حوت ۱۳۹۸ به مردم و چهره‌های سیاسی در مراسم سالگرد شهید مزاری در مصلاّی شهید مزاری دشت برچی کابل که مهاجمان از ساختمان‌های نزدیک مصلا حمله و تیراندازی کردند، تعداد ۳۲ نفر شهید و ۸۱ را زخمی کردند.

۴۴. طی تهاجم تروریستی در ۲۳ ثور ۱۳۹۹ به بیمارستان نسائی ولادی ۱۰۰ بستر دشت برچی کابل، که به ادعای سازمان پزشکان بدون مرز، پزشکان، زنان و نوزادان به‌صورت سیستماتیک موردحمله قرار گرفتند و ۱۶ نفر شهید و ۱۶ تن زخمی شدند.

۴۵. طی بمب‌گذاری بر روی یک خودروی مسافربری فلائکوچ در حرکت به سمت «شهرک جبریل» منطقهٔ هزاره‌نشین که در محله حاجی عباس شهر هرات به تاریخ ۸ اسد ۱۳۹۹منفجر شد و تعداد ۴ شهید و ۳ زخمی برجای گذاشت.

۴۶. با حمله انتحاری- تروریستی ۳ عقرب ۱۳۹۹ به مرکز آموزشی «کوثر دانش» یل خشک دشت برچی کابل که فرد انتحاری خود را در کوچه جلوی در کوثر دانش هنگامی‌که محصلین از صنف‌ها بیرون شده بودند، منفجر کرده دستکم ۳۶ نفر را شهید و ۶۲ نفر دیگر را زخمی کردند.

۴۷. طی حمله انتحاری به دانشجویان دانشگاه کابل در تاریخ ۱۲ عقرب ۱۳۹۹ تعداد ۲۲ دانشجو شهید و ۴۰ نفر دیگر زخمی شدند. امرالله صالح معاون رئیس جمهور پیشین گفت طالبان مسئول اصلی این جنایت هستند. (دویچه وله دری - آلمان)

۴۸. حمله انفجاری با دو بمب در ۴ قوس ۱۳۹۹ به

مردم در نزدیکی بازار شهر بامیان که دستکم ۲۰ تن شهید و ۶۰ تن دیگر زخمی شدند.

۴۹. طی حمله تروریستی با سه انفجار پیاپی در ۱۸ ثور ۱۴۰۰ به شاگردان مکتب دخترانهٔ سیدالشهداء دشت برچی کابل، دستکم ۸۵ شهید و ۱۵۰ تن زخم برداشتند. ۵۰. طی حملات طالبان بر مردم هزاره در ولسوالی جاغوری تعداد ۶۰ نفر شهید و ۶۵ نفر زخمی شدند.

۵۱. در یک حمله انتحاری در ۱۶ میزان ۱۴۰۰ به مسجد سیدآباد قندوز هنگام اقامه نماز جمعه، ۱۵۰ تن شهید و ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند.

۵۲. طی حمله انتحاری به مسجد شیعیان در قندهار به تاریخ ۲۲ میزان ۱۴۰۰ تعداد ۳۲ نمازگزار شهید و ۵۰ نفر دیگر زخمی شدند.

۵۳. صدها طالب طی حمله مسلحانه به ولسوالی خدیر ولایت دایکندی به تاریخ ۸ سنبلهٔ ۱۴۰۰ مطابق ۳۰ اگست ۲۰۲۱ تعداد ۱۴ نفر از هزاره‌ها را که ۱۱ نفر آنها از نیروهای امنیتی دولت سابق و ۲ نفر ملکی به شمول یک دختر ۱۷ ساله بودند با دستان بسته، تیرباران و شهید کردند.

۵۴. در حمله انتحاری ۳۰ حمل ۱۴۰۱ به شاگردان مکتب عبدالرحیم شهید دشت برچی کابل، بیش از ۲۰ تن کودک دانش‌آموز شهید و بیش از ۴۸ تن دیگر زخمی شدند.

۵۵. حمله انتحاری در ۳۰ حمل ۱۴۰۱به شاگردان مرکز آموزشی ممتاز دشت برچی قلاّی نو که فرد مهاجم یک هفته قبل با ثبت‌نام در جمع شاگردان راه‌یافته و یک هفته بعد کیف پر از مواد انفجاری را در صنف گذاشته و از راه دور انفجار داد، از شاگردان تعداد ۱۱ نفر را شهید و ۲۵ تن دیگر را زخمی کرد.

۵۶. فرد تروریست، طی حملهٔ تیراندازی و انتحاری در

۸ میزان ۱۴۰۱به شاگردان مرکز آموزشی کاج دشت برچی کابل، با شهادت محافظ آن مرکز، با تیراندازی و بعد انفجار خود در وسط صنف، از شاگردان بی‌دفاع هزاره بیش از ۵۳ تن شهید و بیش از ۱۱۷ تن را زخمی کردند که اکثرشان شاگردان دختر بوده و دو هفته بعد امتحان کنکور داشتند. ۵۷. نیروهای طالبان در ۹ قوس ۱۴۰۱ با هجوم به منطقهٔ سیوک ولایت دایکندی تعداد ۹ نفر هزاره از جمله ۴ کودک را شهید کردند و چهار تن دیگر را اسیر گرفتند. ۵۸. طی حمله و تیراندازی مستقیم طالبان به دستهٔ عزاداران حسینی در تاریخ ۶ اسد ۱۴۰۲ در ساحةٔ نواباد شهر غزنی، ۴ تن به‌شمول یک کودک ۱۲ ساله شهید و دست‌کم ۱۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

۵۹. حمله به هزاره‌ها در ارزگان در سالهای ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تعداد ۱۷ نفر را شهید کردند و درختان هزاره‌ها را به هدف کوچ اجباری، قطع کردند.

تمام این جنایات نسل‌کشی، به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم توسط طالبان با حمایت مالی، سیاسی و نظامی خارجی علیه هزاره‌ها صورت گرفته‌اند. گرچه برخی از رسانه‌های حامی طالبان، آنها را از ارتکاب بعضی از این جنایات تبرئه کرده و داعش را مقصر می‌دانند، درحالی‌که چندین نفر از اعضای رهبری طالبان از جمله امیرخان متقی وزیر خارجهٔ ادارهٔ طالبان، تأکید کرده‌اند که در افغانستان هیچ فرد داعشی وجود ندارد. همچنین کسانی که برخی از این کشتارها را که به داعش نسبت داده‌اند، مقامات دولت پیشین این را رد کرده و با توجه با شواهد و مستندات، طالبان را مسئول اصلی این جنایات اعلام کرده‌اند.

منابع

۱. رشید، احمد، طالبان اسلام نفت و بازی بزرگ جدید، ترجمه: اسدالله سفایب و صادق باقری، نشر دانش

هستی، چاپ اوّل، ۱۳۷۹ش.

۲. رشید، احمد، طالبان زنان تجارت و پروژه عظیم نفت در آسیای مرکزی، ترجمه دکتر نجله خندق، نشر بقمه، تهران، چاپ اوّل، ۱۳۸۲ش.

۳. شفقنا افغانستان، https://af.shafaqna.com/FA/۵۷۱۳۳۵

۴. فلیپس دینیس، بدتر شدن اذیت و آزار هزاره ها، ترجمه عباس دلجو، منبع انگلیسی: http://www.aph.org.au/files/articles/hazarasPersecution.htm

۵. مادهٔ ۲ و ۴ اساسنامهٔ دیوان‌های بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و مادهٔ ۶ اساسنامهٔ دیوان کیفری بین المللی، ۱۹۹۸.

۶. مصدق، حوریه، مصاحبه با پژوهشگر ارشد عفو بین الملل، منبع : افغانستان رو ۱۵ / ۰۹ / ۲۰۱۷

۷. Bruce Pannier – Will The Hazara Be Excluded From Kabul's Power-Sharing Equation Again

۸. https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=کشتارها_علیه_مردم_هزاره&oldid=۳۷۵۴۶۵۹۹

۹. https://sputnik.af/۱۲۸۴۹۰۲۳/۲۰۲۱۱۲۵/

۱۰. https://www.bbc.com/news/world-asia-۵۸۸۰۷۷۳۴

۱۱. https://www.indiatoday.in/world/story/taliban-kill-hazara-minority-khadir-district-afghanistan-daykundi-province-reports-۱۸۴۷۲۵۳-۲۰۲۱-۰۸-۳۰

۱۲. Human Rights Watch, "Massacres of Hazaras in Afghanistan," vol ۱, no ۱۳, Feb ۲۰۰۱.

۱۴. Rome Statute of the International Criminal Court, ۱۹۹۸.

۱۵. https://www.dw.com/fa-af

تسپولوژی توجیه‌گران جنایت

✍ محمد هدایت



بلکه بسیاری از همین اعمال تروریستی مدت سه دهه است که در پاکستان طراحی و در افغانستان اجرا می‌شده است.

۲- ایران: ایران به دلیل همسایگی و مشترکات فراوان فرهنگی، زبانی، دینی و فرهنگی همواره یکی از بازیگران جدی قضایای افغانستان بوده است. اما مهم‌تر از مسایل فوق مداخلات ایالات متحده به عنوان یک دشمن استراتژیک و اصلی ایران در قضایای افغانستان پای این کشور را به مسایل امنیتی و سیاسی افغانستان می‌کشاند و به آن انگیزه مضاعف می‌بخشد. ایران مدت‌ها است که از دشمنی با طالبان که آن هم دلایل خاص خود را دارد و هنوز به عنوان لایه زیرین تصمیمات استراتژیک این کشور وجود دارد، تبدیل به عاشق تمام عیار طالبان شده است. این عاشقی از سال‌های اخیر نظام جمهوری‌ت داغ‌تر شد و در نهایت به ماه عسلی تبدیل شده است که اکنون دو سال است به طور کج‌دارومریز ادامه دارد. شاید یکی از نخستین کشورهایی که تطهیر طالبان را آغاز کرد ایران بود و تا کنون یکی از توجیه‌گران بلامنازع جنایت‌های طالبان بوده است. تا دیده شود که تا چه زمانی این ماه عسل ادامه می‌یابد و این توجیه‌گری سکه رایج در این کشور خواهد بود؟ اما مسلما دایمی نیست و روزی به نقطه اصلی باز خواهد گشت.

۳- ترکمنستان: ترکمنستان محور اصلی «طالبان؛ اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید» در آسیای میانه است. این کشور در دور اول نیز تلاش بسیار انجام داد تا خط لوله انتقال گاز این کشور به پاکستان از طریق افغانستان اجرایی شود که طالبان سقوط کرد و این پروژه تعلیق شد. در زمان جمهوری‌بت این خط به عنوان تایی نهایی شد و شروع هم شد ولی باز هم با آمدن طالبان تعلیق گردید. اکنون این کشور تلاش می‌کند تا راه جدیدی به یمن حضور طالبان بیابد. به همین خاطر ترکمنستان حتی در زمان جمهوری‌بت نیز روابط نزدیک با گروه طالبان داشت و چندین بار تلاش کرد تا از این طریق به روند صلح افغانستان مداخله کند. از این رو ترکمنستان به طور سنتی یکی از کشورهای نزدیک به گروه طالبان به حساب می‌آید و مسلما جنایت‌های آن را نیز نادیده می‌گیرد و یا توجیه می‌کند.

۴- ازبکستان: مساله کانال قوش‌تپه و جنبش اسلامی ازبکستان یا ترکستان شرقی محور اصلی مناسبات کشور ازبکستان با گروه طالبان را تشکیل می‌دهند. این کشور اگرچه در ابتدا از آغاز به کار پر سروصدای کانال قوش‌تپه اظهار ناخشنودی کرد ولی ظاهرا طالبان این کشور را در این زمینه توجیه کرده اند و این کشور اکنون کمی آرام‌تر شده است. زیرا طالبان توانایی تطبیق کامل این پروژه را ندارد و آغاز به کار این پروژه به خاطر انتقال و جابجایی اعضای تی پی پی در شمال بود. به همین خاطر اکنون ازبکستان هم کمی آسوده‌خاطر و آرام‌تر شده است. مساله جنبش ترکستان شرقی نیز توسط طالبان به نحوی خوابیده است و فعلا اعضای آن حتی تحت تعقیب طالبان قرار دارند. بنابراین ازبکستان از این ناحیه خشنود است که طالبان توانسته است این گروه تروریستی را حداقل به صورت موقت مهار کند. به همین خاطر ازبکستان نیز بدش نمی‌آید که به عنوان یک همسایه افغانستان مثل سایر همسایگان به توجیه اعمال طالبان بپردازد.

ادامه درصفحه ۱۹

مجال بیشتر دارد. اما به طور خلاصه ایالات متحده در منطقه اهدافی دارد که برای وصول به آن اهداف، وجود طالبان بخشی از پازلی است که پییده شده است.

در این که گفته می‌شود خروج ایالات متحده از افغانستان خفت‌بار و یا فاجعه‌بار بود شکی نیست. دستگاه‌های تحقیقاتی بیش از هر جای دیگر در خود ایالات متحده به این نتیجه رسیده اند که نحوه خروج از افغانستان فاجعه‌بار و خفت‌بار بوده است. اما پر اساس همین تحلیل‌ها این خروج هرگز به معنای شکست این کشور در جنگ افغانستان نبوده است.

ایالات متحده به دو هدف عمده یعنی زمین‌گیر کردن القاعده و خروج امن از افغانستان دست یافت. نیروهای این کشور می‌توانست تا مرز نابودی طالبان در افغانستان بجنگد و به راحتی می‌توانست جنگ را ببرد. اما افغانستان در حال تبدیل شدن به یک باتلاق برای این کشور بود و باید خود را از این ورطه نجات می‌داد و سربازان خود را به طور ایمن از افغانستان بیرون می‌کرد. امری که صورت گرفت و پس از توافقنامه دوحه حتی یک مرمی از سوی طالبان و گروه‌های تروریستی همدست آن به سوی نیروهای ایالات متحده در افغانستان شلیک نشد.

۲- کشورهای عضو ناتو: کشورهای عضو ناتو نشان داده اند که به خصوص در سیاست و امنیت بین الملل تابع بی‌چون و چرای ایالات متحده هستند. وقتی ایالات متحده تصمیم بر خروج از افغانستان گرفت و نیروهایش را باید از افغانستان خارج می‌کرد، دلیلی برای بقای کشورهای عضو ناتو در افغانستان وجود نداشت. اگرچه کشورهای اروپایی عضو ناتو در مسایل بنیادی به خصوص در باره ارزش‌های حقوق بشری و حقوق زنان و دموکراسی با ایالات متحده تفاوت دیدگاه داشتند و در پشت ذهن خود کمی آرمان‌گراتر از ایالات متحده هستند. ولی در مقام عمل هیچگاه نتوانسته اند با تصمیمات ایالات متحده مخالفت کنند. از این رو آن‌ها به معنای واقعی کلمه به خصوص در سطح معادلات بین المللی دنباله‌رو ایالات متحده هستند. **۳- روسیه:** روسیه به عنوان میراث‌دار بلوک شرق و رقیب اصلی ایالات متحده در نظام بین الملل مدتی است که دنبال طالبان را گرفته است. به خصوص در سال‌های اخیر عمر نظام جمهوری‌بت حمایت‌های بی‌دریغی از طالبان در مناطق شمالی کرد. در همان زمان گزارش‌هایی وجود داشت که روس‌ها در برخی از مناطق شمالی با هلی کوپتر برای طالبان مهمات و اکمالات می‌رساند. ضمیر کابلوف که چندین سال است نماینده این کشور در امور افغانستان است، یک خلیل‌زاد به تمام معنا در دربار کرملین است و همان نقش را در آن سمت جهان تا کنون بازی می‌کند. هدف اصلی روسیه زمین‌گیر کردن ایالات متحده در افغانستان بود که ظاهرا به همان هدف دست یافت و به زعم خود سبب شکست ایالات متحده در یکی از منازعات دوامدار جهان شد. روسیه هنوز در حال تلاش است که از رفتن طالبان به دام ایالات متحده جلوگیری کند و در آخرین مورد، وزیر خارجه طالبان را در فرمت مسکو دعوت کرده است تا دیده شود که از توجیه یا حتی حمایت این کشور از طالبان چه چیزی نصیب آن می‌شود؟

۴- چین: چین به مثابه یک قدرت نوظهور، سیاست چینایی می‌کند. این کشور تا کنون نشان داده است که بیش از عالم سیاست به دنبال منافع اقتصادی خود است. این کشور تا کنون ثابت کرده است که هرچا منافع اقتصادی وجود داشته باشد از تمام اولویت‌های سیاسی خویش می‌گذرد. به عبارت دیگر برای چین منفعت اقتصادی در اولویت اول قرار دارد. البته در افغانستان علاوه بر چشم دوختن به بازار پرسود برای کالاهای بنجل این کشور و معادن دست‌نخورده افغانستان، مبارزه با افراتیون مسلمان اویغور یک هدف امنیتی برای این کشور است. ظاهرا طالبان به این کشور تعهد سپرده اند تا ایغورها را مهار کنند و تا کنون نیز چنین کرده اند.

ب- قدرت‌های منطقه‌ای

۱- قطر: قطر در قضایای افغانستان پس از ایالات متحده بیشترین تاثیرگذاری را در سال‌های اخیر داشته است. این کشور کوچک که از طریق دلالی در عالم سیاست و روابط بین الملل در حال تبدیل شدن به یک قدرت در منطقه خاورمیانه است پس از بازگشایی دفتر طالبان در قطر در زمان ریاست جمهوری حامد کرزی به تدریج بر میزان تاثیرگذاری خویش در قضایای افغانستان افزود. تا این‌که توافقنامه دوحه میان ایالات متحده و طالبان را به ثمر رساند و بدین ترتیب قدرت‌های سنتی منطقه مثل عربستان سعود، ترکیه و ایران را در بسیاری از مسایل پشت سر گذاشت.

هدف اصلی قطر ظهور در عرصه منطقه‌ای با

طرح مساله
طالبان در دو بعد نظری و عملی شناخته‌شده و عاری از هرگونه از ابهام است. ماهیت این گروه به لحاظ نظری آمیخته‌ای از فاشیسم قومی و بنیادگرایی مذهبی است. دو بعدی که هر نوع خشونت علیه انسان‌های غیر خودی را تجویز می‌کند. در عرصه عملی و واقعیت نیز طالبان بدون شک یک گروه تروریستی است که کارنامه آن چیزی جز کشتار و استمرار خشونت و ستم ندارد. اما پرسش این است که چرا بازار توجیه طالبان در دور دوم حاکمیت این گروه داغ‌تر از دور اول است؟

این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که برخی با شرمندگی خاصی برای توجیه خود چنین توجیهی می‌آورند که گویا طالبان دور دوم نسبت به طالبان دور اول تغییر کرده اند. در حالی که همه شواهد و واقعیت‌های موجود حاکی از آن است که آنان هیچ تغییری نکرده اند. حتی در بسیاری از موارد بسته‌تر و متحجرتر از دور اول نیز بوده اند.

موارد زیر بخشی از کارنامه دو ساله طالبان دور دوم است: اصرار بر بسته ماندن مکاتب و دانشگاه‌ها بر روی زنان، ممانعت از هر نوع کار برای زنان، وضع محدودیت‌های بیشتر حتی بر مذاهب اسلامی و مسلمان‌سازی مسلمانان، ادامه کشتار نیروهای امنیتی و کارمندان دولت سابق، تغییرات عجیب و غریب در نصاب تعلیمی و تحصیلی، محدودیت مطلق آزادی بیان و رسانه، فقدان قانون اساسی و لغو همه قوانین، مداخله بیش از حد به زندگی خصوصی مردم، تداوم غصب زمین و دارایی مردم، جابجایی‌های هدفمند در سراسر کشور و...

موارد فوق نشان دهنده تغییر نیستند که هیچ بلکه نشانگر یک قفب‌گرد آشکار است. پس چرا در این دور صف تعامل‌گران، تطهیرکنندگان و در نهایت توجیه‌گران جنایت طالبان طولانی‌تر شده است؟ چرا آن همه جنایت که در کارنامه طالبان قرار دارد و ماهیت غیر انسانی طالبان نادیده گرفته می‌شود؟ این گفتار عجالتا و به صورت توصیفی به گونه‌شناسی توجیه‌کنندگان جنایت می‌پردازد. بدون شک ورود واقعی و کافی به اهداف هر یک از تیپ‌های توجیه‌گر مجال و فرصت بیشتر می‌طلبد.

تیپولوژی توجیه‌گران جنایت‌های طالبان

کسانی که به توجیه جنایت‌های طالبان می‌پردازند و خود را به فراموشی می‌زنند به طور کلی در دو بخش عمده قرار می‌گیرند: در سطح بین‌المللی و در سطح ملی یا داخلی. توجیه‌گران بین‌المللی به طور عمده به پنج بخش «قدرت‌های جهانی»، «قدرت‌های کوچک منطقه‌ای»، «همسایگان»، «تهاد‌های بین المللی» و «برخی اشخاص حقیقی در سطح بین الملل» تقسیم می‌شوند. در سطح ملی یا داخلی نیز توجیه‌گران جنایت طالبان به چهار بخش زیر تقسیم می‌شوند: «فاشیسم قومی»، «فاشیسم مذهبی و دینی»، «معامله‌گران سیاسی» و «رعیت‌زدگان دایمی».

در این گفتار جهت روشن‌تر شدن مصادیق و اهداف هر کدام به طور خلاصه اشاره می‌شود:

بخش اول: توجیه‌گران در سطح بین المللی

الف- قدرت‌های بزرگ

قدرت‌های بزرگ که به نحوی در قضایای افغانستان دخیلی هستند و هر کدام اهداف و استراتژی‌های خاص خود را در افغانستان دارد شامل موارد زیر هستند:

۱- ایالات متحده آمریکا: ایالات متحده در صدر قدرت‌هایی قرار دارد که اکنون در پی سفیدنمایی طالبان است و به دنبال توجیه جنایت‌های طالبان برآمده است. این مساله به قدری روشن است که نیاز به استدلال و احینا آگاهی از تصمیمات پشت پرده و اهداف استخباراتی ندارد. ایالات متحده به طور آشکار پس از نزدیک به دو سال مذاکره در دوحه قطر توافقنامه‌ای را امضا کرد که افغانستان را دودستی تقدیم طالبان می‌کرد و کرد.

آخرین مورد در باره توجیه جنایت‌های طالبان و سفیدنمایی این گروه تروریستی از سوی ایالات متحده اظهارات خلیل‌زاد و سپس اظهارات آقای تام وست نماینده این کشور در امور افغانستان است.

خلیل‌زاد در دو مصاحبه در آستانه دومین سالگرد حاکمیت طالبان با تمسخر تمام رهبران سیاسی را دعوت کرد که به افغانستان تحت حاکمیت طالبان برگردند و پس از آن بود که وزیر داخله طالبان نیز عین همان سخنان را با همان لحن تکرار کرد.

تام وست نیز در آخرین سخنان خود در اندیشکده استیمسون در تاریخ ۱۹ سنبله ۱۴۰۲ خورشیدی از عملکرد طالبان به خصوص در برابر داعش تمجید کرد و گفت که این گروه ده تن از رهبران داعش را طی دو سال از بین برده است و به نحوی از تعهد طالبان مبنی بر مفاد توافقنامه دوحه اظهار رضایت کرد.

چه چیزی در پشت این همه توجیه نهفته است و ایالات متحده چه اهدافی را در منطقه دنبال می‌کند که پس از بیست سال جنگ با تروریسم اکنون به دنبال توجیه طالبان برآمده است، حرف دیگر است و نیاز به

خروج غیرمسئولانه آمریکا از افغانستان و چالش‌های حقوق بشری

✍ محمد سخی رضایی*



اول، حق حاکمیت انسان برامور خویش؛ این امر مستلزم به کار انداختن استعداد ها و قابلیت های یک فرد بدون دخالت دیگران در امور امو، به ویژه دولت است.

دوم، حق برخورداری انسان از امکانات زندگی؛ انسان ها علاوه برداشتن استقلال، آزادی و امتیازات، با درنظرداشت نیازهای فراوان و متکثر و امکانات محدود، نیازمند همکاری و تعاون هستند. از این رو، نهادهای اجتماعی و به خصوص حکومت باید در تقسیم امکانات انصاف را رعایت نمایند.

سوم، ساختار حقوقی حقوق و امتیازات انسان؛ دخالت دیگر نهادهای اجتماعی و در راس آنها دولت در امور افراد باید صرفا برای تسهیل و ایجاد نظم برای برخورداری انسانها از آزادی های آنها باشد.

این در حالی است که با سقوط جمهوریت قانون اساسی افغانستان ملغی، پارلمان کشور تعطیل گردید و در نتیجه این اقدامات افغانستان از تمام کنوانسیون ها، میثاق ها و موافقت نامه های بین المللی که به آنها ملحق شده بود خارج گردید.

با درنظرداشت اینکه طالبان حقوق بشر را یک پدیده غربی می دانند، در عمل به اصول و ارزش های حقوق بشری پایبند نمی باشند و مقابله با آنها را از جمله اهداف اساسی خود می دانند. به بیان دیگر « مخالفت با عناصر فرهنگ تمدن غربی در کل یکی از شعارهای اساسی تمام گروههای افراطی است، اما آنچه بنیادگرایی طالبان را از بقیه گروههای افراطی جدا می سازد، نقی مطلق مدنیت غربی به وسیله آن‌هاست.»^{iv} براساس چنین دیدگاهی، طالبان پس از تسلط بر کابل شروع به محدود سازی حق آزادی بیان، کار، پوشش، مالکیت، رفت و آمد آزادانه، تحصیل و مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد و گروه های اجتماعی در کشور کردند. با چنین رویکردی، گروه های اقلیت مورد تبعیض سیستماتیک دولت و حملات هدفمند گروه های تند رو قرار می گیرند و از بدیهی ترین حقوق شان محروم می گر دند.^v

منابع:

i. JAMES DOBBINS, JASON H. CAMPBELL, SEAN MANN, And LAUREL E. MILLER (2018), “Consequences of a Precautious U.S Withdrawal from Afghanistan.”, Rand Corporation, 2018.

ii. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، ج اول، ۸۴۳۱، ص ۲۱.

.....iii

iv. سجادی، سید لطیف ، ۹۹۳۱ « ارزش‌های حاکم در فرهنگ طالبانی، تغییر ناپذیری و عدم انعطاف»، روزنامه افغانستان ما moc.natsinahgfayliad.www//:ptth=di_tsop?php.liated_noiinipo۹۹۵۴۵۱

v. Avis, William Robert (2019), “Challenges religious minorities face in accessing humanitarian assistance”, University of Bermingham.

افغانستان و ایالات متحده می بود. چنین صلحی می توانست شرایط لازم را برای حفظ دستاوردهای بیست ساله افغانستان فراهم نماید. تحقق این امر مستلزم، (۱) تمرکز مجدد دیپلماسی منطقه ای ایالات متحده بر ادامه حمایت های این کشور از روندصلح بود. براساس این دیدگاه، ایالات متحده باید مطابق توافقنامه دوحه دست یابی به اهداف چهار بخش توافقنامه را شرط تکمیل شرایط می دانست، در حالیکه این کشور فقط به تکمیل شرایط بخش های یک و دو اکتفا کرد. (۲) کمک های ملکی و نظامی به حکومت افغانستان در راستای حمایت از ساختارهای دولت باید برمبنای قانون شکنندگی جهانی که تاکید بر حساب دهی جامع، مشروعیت و شمولیت همه خطوط کمک ها و مشوق های قوی برای حکومت افغانستان برای ایفای نقش سازنده در روند صلح باید در نظر گرفته می شد. این کار می توانست از سقوط نظام در افغانستان جلوگیری نماید. (۳) حضور نظامی ایالات متحده برای تمرکز بر مبارزه با تروریزم باید ادامه باتمرکز قویتر بر ایجاد شرایط لازم برای تسریع وتقویت پیش شرط های روند موفق صلح ادامه می یافت. (۴) ایالات متحده و جامعه جهانی که از ایجاد و نهادهینه سازی جامعه مدنی در افغانستان حمایت های زیادی به عمل آورده بودند، باید از ادامه نقش حیاتی آنها در حفظ و تداوم دستاوردهای بیست سال گذشته حمایت می کردند تا آنها نقش لازم را در رون مذاکرات و تطبیق توافقنامه صلح بین دولت افغانستان و طالبان ایفا می کردند. (۵) ایالات متحده نباید فراموش می کرد که به خاطر تلاش های فراگیرتر بین المللی وارد افغانستان شده است. خروج ایالات متحده تنها محدود به تامین منافع خود آن نباید می شد. اما واقعیت تلخ این است که رویکرد ایالات متحده از زمان هجوم این کشور به افغانستان تا زمان خروج آن از این کشور به شکل آشکار و پنهان همان رویکرد «اول امریکا» بوده است. (Afghanistan Study Group) . زیرا در غیر آن، ایالات متحده باید به افغانستان کمک می کرد تا شرایط جهت یک توافقنامه صلح مورد قبول همه طرف ها در کشور فراهم می شد. اما رویکرد امریکا در مذاکرات با طالبان، امضای توافقنامه دوحه و به حاشیه راندن حکومت افغانستان منجر به گرم شدن جبهه های جنگ و سرد شدن عملی روند مذاکرات بین الافغانی شد. روندی که هیچگاه به شکل جدی و عملگرایانه شکل نگرفت و بیشتر در سطح گفتگو در مورد اصول و چارچوب های این گفتگو ها محدود شد. نمونه بارز این سردرگمی را می توان در تعیین هیئت مذاکره کننده جدیدی که در اواخر حکومت پیشین برای مذاکره با طالبان تعیین گردیدند می توان به ضوح مشاهده کرد. رویکرد انفعالی ایالات متحده نسبت به مذاکرات بین الافغانی، پس از امضای توافقنامه دوحه پر رنگتر گردید. به همین جهت بسیاری از آگاهان امضای این توافقنامه را به معنای ختم نظام جمهوریت تلقی نمودند.

۱٫۲ مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر عبارت است از مجموعه امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگران و با دولت، یا تضمینات و حمایت های لازم، از آن برخوردار می باشند.ⁱ
برخی نظریه ها از جمله نظریه حقوق موضوعه، به ویژه نظریه کانت که مبتنی بر اخلاق حق مدار است در شکل گیری منشور حقوق بشر تاثیر زیادی داشته است. نکته اساسی در مباحث فلسفی حقوق بشر این است که حیات انسان می تواند و باید داری ارزش باشد. بدین معنا که انسان به ماهوی انسانی دارای ارزش و احترام است و این ارزش او باید تضمین شود. از سوی دیگر انسان دارای حق تعیین سرنوشت است که باید این حق نیز محترم شمرده و تکریم شود.

مجمع عموی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق به ۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر را به تصویب رساند. مهمترین دلایل تصویب این اعلامیه در مقدمه آن آمده است؛ «از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را تشکیل می دهد از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته است وظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشر آمده است؛ از آنجا

قسمت اول
امریکا و به‌تبع آن دیگر کشورهای غربی بعد از بیست سال حضور، سرانجام در ماه اوت ۲۰۲۱، نیروهای خود را از افغانستان خارج کردند. همان‌گونه که حضور آمریکا و غرب در ابعاد مختلف بر افغانستان تأثیرگذار بود، خروج غیر مسئولانه آنان نیز تأثیرات خاص خود را دارد. این مقاله درصدد پاسخگویی به این پرسش است که خروج غیر مسئولانه آمریکا چه چالش‌های حقوق بشری را در افغانستان درپی خواهد داشت؟

واقعیت‌ها بیانگر آن است که دخالت آمریکا در دیگر کشورها تحت عنوان دفاع از حقوق بشر، به‌خاطر تأمین منافع آن کشور صورت می‌گیرد. درصورتی‌که منافعش ایجاب نماید، به‌سادگی تغییر موضع داده و با وجود پیامدها و چالش‌های متعدد، عدم پایبندی خود به دفاع از اصول دموکراتیک و ارزش‌های حقوق بشری را توجیه می‌کند. این تحقیق به روش تحلیلی _ توصیفی، چالش‌های حقوق بشری ناشی از خروج آمریکا را مورد تبیین قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشاندهندهٔ آن است که خروج غیر مسئولانه آمریکا، چالش‌های حقوق بشری مشخصی را در افغانستان خلق نموده و حقوق اساسی شهروندان ازجمله حقوق اقلیت‌های قومی _ مذهبی از چالش‌های جدی فراروی شهروندان افغانستان است.

واژه‌های کلیدی: آمریکا، خروج غیرمسئولانه، حقوق بشر، افغانستان، اقلیت‌های قومی - مذهبی.

مقدمه

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان یکی از بحث برانگیز ترین موضوعات در سطح داخل افغانستان و خارج از کشور به خصوص در ایالات متحده بوده است. زمانی که بایدن، رییس جمهور امریکا، در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۸ به جیمز متیس وزیر دفاع ایالات متحده دستور داد تا تعداد نیروهای امریکایی در افغانستان را به نصف کاهش دهد، او همزمان دستور خروج کامل نیروهایی امریکا از سوریه را نیز صادر نمود. موسسه رند^۱ با دنظرداشت علاقه شدید رئیس جمهور بایدن برای پایان بخشیدن به جنگ امریکا در افغانستان و تاثیرات احتمالی یک خروج زودهنگام^۲ برخی پیامدهای احتمالی چنین خروجی را این گونه برشمرد: (۱) سایر نیروهای عضو ناتو نیز افغانستان را ترک خواهند کرد؛ (۲) حضور نیروهای امرکایی و دیگر نیروهای بین المللی فوراً کاهش خواهد یافت (۳) کمک های خارجی و امنیتی قطع خواهد شد؛ (۴) حکومت در کابل تاثیر و مشروعیت خود را از دست خواهد داد؛ (۵) طالبان کنترلول خود بر قلمرو و نفوس افزایش خواهد داد ولی با مقاومت رو به رو خواهد شد؛ (۶) تلفات ملگی به شدن افزایش خواهد یافت و سیل مهاجرین به بیرون از کشور سرازیر خواهد شد. (۷) گروه های تندرو به شمول القاعده و داعش بیشتر منسجم خواهند شد ، به سرابگیری خواهند پرداخت و حملاتی را علیه اهداف منطقه ای و نیز در خاک ایالات متحده سازماندهی خواهند کرد.

با تکمیل روند خروج نیروهای ایالات متحده و ناتو در ۳۱ ماه اگست ۲۰۲۱ از افغانستان، جنگ ۲۰ ساله ایالات متحده در افغانستان به پایان رسید. در نتیجه، طالبان کنترلول کامل کشور را به دست گرفت. طالبان پس از تسلط بر کابل، قانون اساسی افغانستان را لغو کردند، دانشگاه ها را تا اطلاع ثانوی تعطیل کردند، کارمندان زن را تا فراهم شدن شرایط از حضور در ادارات دولتی به استثنای برخی ادارات منع کردند و مکاتب دخترانه را نیز تعطیل کردند.

خروج غیر مسئولانه ایالات متحده از افغانستان دارای پیامدهای متعددی بود که به تفصیل در مورد آنها در این مقاله بحث خواهد شد.

۱. بررسی مفاهیم اساسی ۱٫۱ مفهوم خروج غیر مسئولانه

خروج ایالات متحده از افغانستان به باور بسیاری از مردم افغانستان ، کشورهای همسایه، منطقه و فرامنطقه غیر مسئولانه و زودهنگام بود. به بیان دیگر مطابق توافق نامه دوحه که در ماه فبروی ۲۰۲۰ بین ایالات متحده و طالبان منعقد گردید، این کشور ملزم گردیده بود تا نیروهای خود را تحت شرایط خاص و قابل پذیرش از افغانستان خارج نماید. براساس چنین روندی باید یک توافق صلح پایدار در افغانستان بین نظام جمهوریت و طالبان به دست می آمد تا متضمن منافع مردم

^[1] * پژوهشگر، مترجم و استاد دانشگاه

نامه و گزارش داکتر محمد امین احمدی و همکارانش به ریچارد بنت گزارشگر حقوق بشر ملل متحد درمورد رخدادهای دلخراش ارزگان خاص

نگ محمد هدایت

مردم را تحت فشار قرار می‌دهند که شما مجرم را نشان بدهید و چون مجرمان و عاملان اصلی خود طالبان است مردم جرأت نمی‌توانند آن را متهم کنندو افزون براین، طالبان مردم را تحت فشار قرار می‌دهند که چرا این جنایت‌ها را رسانه‌ای می‌کنیدو در فیس بوک و امثال آن گزارش این حوادث و عکس های آنها را نشر می‌کنید. با اینکه از نظر حقوقی طالبان به دلایل ذیل مسول اصلی این جنایت‌ها محسوب می شوند، حتی اگر در فرضی طالبان در آن دخالت مستقیم نداشته باشند:

یک: وظیفه و مسولیت اصلی هر حکومت از جمله حکومت طالبان، حفظ امنیت، جان، مال و ناموس شهروندان است. طالبان مردم هزاره را از حکومت و ادارات دولتی افغانستان به معنای واقعی کلمه جارو کرده اند و اکنون حتی عمدا وظیفه خود را در تأمین امنیت حق حیات، مال و ناموس مردم هزاره ارزگان که جز ابتدایی ترین حقوق بشری هر انسان است، انجام نمی‌دهند. دو: طالبان از مردم مالیات و زکات جمع آوری می کنند، از نظر حقوقی باید در قبال آن، خدمات ارائه دهند و امنیت آنان را در همه ابعاد حفظ کنند و گر نه اخذ مالیات از شهروندان مشروعیت ندارد و به معنای واقعی کلمه در این صورت طالبان یک باند مافیایی و سازمان یافته جنایتکار خواهد بود.

مردم جوی نو، حتی در زمان حکومت اشرف غنی و کرزى مجبور بودند که برای حفظ امنیت شان به طالبان مالیات پرداخت کنند و به جنگ جویان آنان نان بدهند و گر نه کشته می شدند. اکنون که طالبان پیروز شده اند، پاداش آن همه مالیات و خدمات، حتی اگر اجباری هم باشند، ارتکاب این همه جرم و جنایت است. اگر طالبان در ارتکاب این همه جنایات مستقیما دخالت ندارند، باید، جلوی افراد جانی، بی بندوبار و خودسر را بگیرند

سه: شعار تأمین امنیت مردم افغانستان از سوی طالبان در رسانه ها داخلی، بین المللی و صفحات مجازی اجتماعی، گوش جهانیان را کر نموده اند این چه امنیتی است که حتی طالبان در کمتر از یک کیلومتری مقر ولسوالی خود امنیت مظلوم ترین مردم غیرنظامی را تأمین نمی‌کنند و از انجام این مسولیت خودداری می کنند. هدف طالبان و پشتون‌های همجوار از تحمیل این فشارهای حداکثری و اقدامات جنایتکارانه عبارتند از:
۱. انتقام گیری؛ از زمان حکومت حامد کرزى تا پایان حکومت اشرف غنى، ارزگان خاص محل شدیدترین جنگ‌ها و درگیری‌ها با طالبان بوده اند و طالبانی بسیاری که عمدتا محلی بودند در این جنگ‌ها و بمباران نیروی هوایی آیساف کشته شدند. در حدود ۵۰ نفر از مردم هزاره دوشادوش نیروهای آیساف که عمدتا سربازان امریکایی بودند، علیه طالبان می‌جنگیدند. اکنون طالبان و وارشان مقتولان، بعد از قدرت یافتن، انتقام خون کشته شدگان و این جنگ ها را از مردم غیرنظامی جوی نو می‌گیرند.
۲. تملک و غصب زمین‌های جوی نوی؛ جوی نو بهترین منطقه سرسبز، خوش‌آب و هواترین منطقه و حاصل خیز ترین روستا در ارزگان خاص است. هر نوع میوه در این قریه یافت می‌شود. در واقع گل سرسبد تمام مناطق ارزگان خاص است. پشتون‌های همجوار با تمام توان تلاش دارند که با وارد کردن حداکثر فشار، و ارتکاب انواع جنایات علیه مردم این روستا، این منطقه را از طریق زور تملک و تصاحب کنند.

۳. دلیل دیگری که چرا طالبان در ارتکاب این جنایت ها دست دارند و از پشتون‌ها را در انجام دادن این جرایم حمایت و تحریک می‌کنند و به شکایت‌های مردم هزاره توجه نمی‌کنند، آن است که طالبان معتقدند که هزاره‌های شیعه مسلمان نیستند. آنان را تکفیر می‌کنند و معتقدند که آنان مرتد و واجب القتل هستند. دلایل و شواهد فراونی بر این اعتقاد و نظریه طالبان وجود دارد.

۳. کشتن افراد غیرنظامی بی‌گناه در پیش چشم اعضای خانواده؛ از زمان تسلط طالبان بر ارزگان خاص تا زمان فعلی، طالبان و پشتون‌های حامی آنان با تحریک و حمایت طالبان تا کنون چهارده نفر از افراد ملکی بی گناه را به قتل رسانده اند. تاریخ قتل و اسامی مقتولان قرار ذیل است:

یک: انجنیر /مهندس عزت الله، تاریخ قتل: ۷ / ۵ / ۲۰۲۰، محل قتل: جوی نو؛
دو: سید هاشم، فرزند سید یوسف، تاریخ قتل: ۲۹ / ۶ / ۲۰۲۰، محل قتل: جوی نو؛
سه: داکتر حبیب الله امیری، تاریخ قتل: ۱۷ / ۷ / ۲۰۲۱، محل قتل: آخیر جوی نو؛
چهار: محمد تقی روحانی، فرزند استا قنبر، ملای مسجد، تاریخ قتل: ۲۸ / ۶ / ۲۰۲۱ .

پنج: آیت الله (نام خاص است نه عنوان ودرجه علمی معمول در میان روحانیت شیعه) روحانی، فرزند محمد علی، تاریخ قتل: ۲۴ / ۷ / ۲۰۲۱، محل قتل: جلو خانه خود مقتول؛

شش: شاه محمد، مشهور به کربلایی انصاری، فرزند رمضان، تاریخ قتل: ۲۹ / ۷ / ۲۰۲۱، محل قتل: جوی نو؛
هفت: محمد علی، فرزند خدارحم که قصاب بود ساکن ولسوالی مالستان، تاریخ قتل: ۳ / ۲ / ۲۰۲۳، محل قتل: جوی نو؛

هشت: محمد حسین، فرزند اسحاق سواتی، تاریخ قتل:۳ / ۳ / ۲۰۲۲با فیر اسلحه در هنگام نماز خواندن، در جوی نو به قتل رسانده است،
نه: محمد رحیم، فرزند حاجی غلام سخی، تاریخ قتل ۱ / ۱ / ۲۰۲۳ ، محل قتل: بازار ارزگان خاص مغازه خود مقتول.

ده: علی مدد شریفی، فرزند غلام حسین، ۲۲/ ۱۱ / ۱، محل قتل: جوی نو؛
یازده: حاجی بوستان، فرزند لعلی، تاریخ قتل: ۱۸ / ۸ / ۲۰۲۳ /، محل قتل: جوی نو؛
دوازده: علی جان، فرزند میرزا رسول ، ، محل قتل: جوی نو؛

سیزده: محمد علی، محل قتل: جوی نو
چهارده: موسی ، محل قتل: جوی نو
۴. تخریب و آتش زدن خانه های مردم؛ پس از حاکمیت طالبان تاکنون بیست پاب خانه‌ای باشندگان جوی نو از سوی طالبان و پشتونها با تحریک و حمایت آنان، تخریب یا به آتش کشیده شده اند از جمله در بهار امسال خانه شخصی را به نام شیر به آتش زدند. عکس برخی از این جنایت ضمیمه این گزارش شده است.
۵. آتش زدن موتر های مردم؛ امسال سه عراده موتر باشندگان جوی نو را به آتش کشیده اند. در تاریخ ۵ جون ۲۰۲۳ موتر محمد رضا فرزند شیخ محمد علی تقدسی را آتش زدند و چند روز قبل از آن موتر کربلای قربان و موتر خان پسر زرگر را به آتش کشیده بودند.
۶. دزدی و غارت اموال مردم جوی نو به اوج خود رسیده است، حتی احشام و حیوانات آنان را از طویله‌ها در روز روشن با خود می برند و کسی هم به داد خواهی این مردم گوش نمی دهند. یکی از نمونه های آن بردن گاو پسر حاجی عبدالحسین از طویله در بعد از ظهر تاریخ ۱۱ / ۸ / ۲۰۲۳ است.

۷. آتش زدن خرمن ها و مزارع مردم از جمله پشتونها با حمایت و تحریک طالبان در تاریخ شب ۵ جولای ۲۰۲۳ خرمن شخصی به نام غلام نبی و گندم های دو قطعه زمین او را به آتش کشیدند. ویدئو و عکس خرمن و محصولات کشاورزی به آتش کشیده ضمیمه این گزارش شده است. هر بار بعد از وقوع جنایت مردم جوی نو به ولسوالی طالبان که در فاصله کمتر از یک کیلومتری قرار دارد شکایت می‌کنند و طالبان هیأت می‌فرستند و منطقه را بررسی می‌کنند و قول مجازات عاملان آنها را می‌دهند، اما در عمل هیچ کاری را انجام نمی‌دهند و در عوض طالبان

می‌گیرد. بنابراین سازمان ملل متحد باید تحقیقات اضطراری فوری را در این زمینه روی دست گیرد.
هم‌چنین ما کاپی گزارش قبلی خود را همراه با مستندات و تصاویر نیز ضمیمه این نامه کرده ایم و با نهایت فوریت و نگرانی، از شما تقاضا داریم که لطف نموده این موضوع را مورد توجه جدی و فوری قرار دهید. زیرا جلوگیری از قتل انسان‌های بی‌گناه و بحرانی که در ارزگان خاص علیه هزاره‌ها وجود دارد نیازمند اقدام سریع و رسیدگی جدی است.

محمدامین احمدی، عضو پیشین هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان در مذاکرات صلح با طالبان و رئیس پیشین پوهنتون ابن سینا در کابل
عبدالوهاب کریمی، استاد حقوق در دانشگاه ابن سینا و دانشکده حقوق این دانشگاه
عبدالله شفايي، عضو پیشین کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی و استاد حقوق در دانشگاه ابن سینا
یادآوری: ما از ارزگان خاص هستیم و معلوماتی که ارایه می‌کنیم دست اول است.

ضمیمه:

گزارشی از قتل و آزار و اذیت هدمند گروه قومی مذهبی هزاره‌های جوی نو ولسوالی ارزگان خاص از زمان به قدرت رسیدن طالبان به بعد

به نقل از منابع محلی در روستای جوی‌نو معروف به ششیر در ولسوالی ارزگان خاص، افرادی از پشتون‌های همجوار و طالبان این روستا از زمان به قدرت رسیدن طالبان تا کنون با تکیه بر پشتیبانی و تحریک این گروه حاکم، به صورت سیستماتیک و هدمند انواع جنایت‌ها و بد رفتاری‌ها را علیه هزاره‌های ساکن در این روستا، اعمال می‌نمایند که به چند نمونه‌ای آن اشاره می‌شود:

۱. در تاریخ ۱۳ اگست ۲۰۲۳ در حدود سه‌صد و نود (۳۹۰) اصله درخت میوه مردم جوی‌نو قطع شده اند. موقعیت برخی از درختان قطع شده در حدود سه‌صد متری پسته نگهبانی طالبان قرار دارد. و طالبان در هنگام قطع این درختان هیچ واکنشی نشان نداده اند. عکس‌های این عمل مجرمانه را در ذیل مشاهده می‌کنید.

۲. از زمان به قدرت رسیدن طالبان دایما ساکنان این روستا به صورت هدمند و سیستماتیک در معرض انواع اذیت و آزار و لت و کوب پشتون‌های حامی طالبان و ملیشه‌های طالبان بوده اند. چندین تن از باشندگان قریه مذکور توسط ملیشه‌های طالبان و پشتون‌های هم جوار مورد ضرب و جرح (لت و کوب) و زخمی شده‌اند که اسامی بعضی از زخمیان قرار ذیل اند:

یک: اسدالله ولد ناصر، مکان: جوی نو؛
دو: سیدشاه ولد سیدعاقل، تاریخ جراحت ۲۸ / ۱۰ / ۱۴۰۰، مکان: جوی نو؛
سه: استا خالق ولد ابراهیم، چند روز قبل در مزرعه خود در جوی نو تا سرحد مرگ لت و کوب شده است. اگر خانم ایشان به فریاد او نمی‌رسید او را به قتل می‌رساندند.
چهار: روح الله ولد میرزا.
پنج: علی زاده ولد ظاهر، تاریخ ۱۷ / ۸ / ۲۰۲۳، مکان جوی نو.
شش: روز جمعه تاریخ ۱۱ / ۸ / ۲۰۲۳، شخصی به نام سیدمحمد، "میراو" امیرآب جوی‌نو توسط پشتون‌ها لت و کوب و زخمی شده است. (میراو به کسی گفته می‌شود که مسول حفاظت نهر آبیاری است و باید هر روز تا محلی که نهر از آن کشیده شده برود و منفذها و محلات نشت آب را ببندد تا آب به قدر کافی به زمین کشاورزان برسد). هدف از این لت و کوب (ضرب و جرح) این پیرمرد این بوده است که دیگر ایشان وظیفه خود را انجام ندهد و آن ها بتوانند آب این نهر را قطع نمایند و در نتیجه هزاره‌ها مجبور به تخلیه این منطقه شوند. عکس زخم سر وی در این گزارش ضمیمه شده است.

اشاره: اخیرا نامه و گزارش مستندی از وقایع تلخ ارزگان و کشتار زنجیره‌ای و سیستماتیک هزاره‌ها در ولسوالی ارزگان خاص توسط داکتر محمد امین احمدی عضو پیشین هیات مذاکره کننده دولت افغانستان در مذاکرات صلح با طالبان و رییس پیشین دانشگاه ابن سینا، داکتر عبدالله شفايي عضو پیشین کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی و داکتر عبدالوهاب کریمی استاد و رییس دانشکده حقوق دانشگاه ابن سینا به دفتر ریچارد بنت گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد فرستاده شده است. نامه و هم‌چنین گزارش مستند دارای نکات ارزشمندی است که امیدواریم ملل متحد به خصوص شخص آقای بنت و هم‌چنین دفتر معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) به آن توجه جدی کنند.
خوش‌بختانه ریچارد بنت خطاب به داکتر احمدی پاسخی نسبتا مبسوطی نوشته و ضمن قدردانی از وی و همکارانش، گفته است که نامه و گزارش مستند را دریافت کرده و نزدیک به یک‌ماه است که همکارانش روی حوادث ارزگان خاص کار می‌کنند. به همین خاطر مشخصا در جلسه ژنو از ارزگان خاص یاد کرده است تا توجه جامعه بین المللی را به آن جلب کند.

داکتر احمدی یکی از شخصیت‌های برجسته علمی و مورد اعتماد همه مردم افغانستان است که از نخستین روزهای وقایع تلخ ارزگان برای جلوگیری از فجایع بیشتر دادخواهی کرده است. اکنون با توجه به جایگاه و شخصیت ایشان و دوتن از همکاران شان که آنان نیز از حقوقدانان برجسته کشور هستند، امیدواریم که اقدامات بیشتری برای دادخواهی از مردم ارزگان خاص روی دست گیرند. بدون شک مردم افغانستان آنان را همراهی و از دادخواهی شان حمایت خواهند کرد.

متن نامه و گزارش جهت نشر در شماره چهارم نشریه راه عدالت در اختیار ما قرار گرفت و آن را همراه با ترجمه به نشر می‌سپاریم. در ضمن پیشاپیش از این‌که برخی تصاویر بسیار دلخراش است از خوانندگان عذر می‌خواهیم. اما این تصاویر بیانگر رخدادهایی است که در این روزها دامن مردم ارزگان خاص را گرفته است و همه باید برای آن دادخواهی کنیم و از یاد مان نرود.
اداره نشریه راه عدالت

متن نامه و گزارش به دفتر ریچارد بنت:

موضوع: پیگیری فوری گزارش مستند از کشتار سیستماتیک هزاره‌ها در ارزگان خاص

عالمیجناب ریچارد بنت،

امیدواریم این پیام را در وقت خوش دریافت نمایید.
حدود چهل روز قبل گزارش مستند از قتل‌های سیستماتیک، آزار و اذیت شدید هزاره‌ها در ارزگان خاص برای شما فرستادیم ولی متاسفانه تا کنون شاهد اقدامات مشخصی از سوی دفتر شما نبوده ایم.

علاوه بر این، ما عین گزارش را به دفتر محلی یوناما در ولایت بامیان که تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرده است ارسال کردیم. با این حال و علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته به اطلاع شما می‌رسانیم که سه نفر دیگر به تازگی به طرز فجیعی کشته شده اند که عبارتند از:

۱- سید امیر علوی، ۱۲/۰۹/۲۰۲۳

۲- حاجی حسن، ۱۹/۰۹/۲۰۲۳

۳- علی خان، ۱۹/۰۹/۲۰۲۳

قابل یادآوری است که دو قربانی اخیر، پدر و پسر بودند که در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ در مسیر ارزگان خاص به سیابغل، جایی که قصد فروش محصولات باغی خود را داشتند به صورت فجیعی کشته شدند. قتل آنان به طرز وحشیانه‌ای صورت گرفته است و گلولی شان توسط مهاجم قاتل با چاقو بریده شده است.

این کشتارها و آزار و اذیت‌های سیستماتیک در ارزگان خاص با هدف کوچ اجباری هزاره‌ها و رها کردن خانه‌ها و زمین‌های شان و تصاحب آن‌ها توسط قاتلین صورت



متن اصلی نامه و گزارش به انگلیسی:



Subject: Urgent Follow-Up on Documented Report: Systematic Killings of Hazaras in Uruzgan Khas

Excellency Richard Bennett,

We hope this message finds you well. Approximately forty days ago, we submitted a well-documented report highlighting the systematic killings and harassment of Hazaras in Uruzgan Khas. Regrettably, we have not yet witnessed any discernible action from your office in response to our report.

Additionally, we forwarded this same report to the local UNAMA office in Bamiyan, where they diligently initiated their investigation. However, despite their efforts, we regret to inform you that three more individuals have tragically lost their lives in recent events. These individuals are as follows:

Sayed Amir Alavi, 12/09/2023.
Haji Hasan, 19/09/2023.
Ali Khan, 19/09/2023

It is heartbreaking to note that the last two victims, a father and his son, met a gruesome fate on September 19, 2023, while en route from Uruzgan Khas to Syabaghal in the east, where they intended to sell their garden produce. Their lives were brutally taken from them, with their throats brutally cut by an assailant wielding a knife.

Furthermore, these systematic killings and harassment in Uruzgan Khas are forcing Hazaras to abandon their homes and lands, and these harassment and systematic killings are carried out for the purpose of forced migration and land occupation. Therefore, the UN must conduct an emergency investigation. In addition to this message, we have attached a copy of our previous report for your reference, with the pictures of the new victims.

With the utmost emergency and concern, we kindly request your immediate attention and emergency research to this pressing matter. The continued loss of innocent lives demands a swift response to address the ongoing crisis affecting the Hazara community in Uruzgan Khas.

Yours sincerely,
Mohammad Amin Ahmadi
Former Member of Afghanistan Delegation for Peace Negotiations with the Taliban
Former Chancellor of Avicenna University in Kabul
Abdulahab Karimi
Former Professor of Law at Avicenna University and the head of the Faculty of Law
Abdullah Shafayee
Former member of the Independent Commission for Overseeing the Implementation of the Constitution
Former Professor of Law at Avicenna University
Note: We are from Uruzgan Khas, and the information we provide is first-hand.
Attachment 6: Report of targeted killing,

harassment, and abuse the ethnic and religious group Hazaras of the Jouynaw in the Uruzgan Khas district since occupation the Taliban in Uruzgan, until now

According to local sources which we know them, in the village of Jouynaw, known as Shashpar, in the Uruzgan Khas district, Taliban and individuals from neighboring Pashtun communities, with the support and incitement of the ruling Taliban group, have systematically and purposefully committed various crimes and misconducts against the Hazara residents of this village. A few examples are mentioned:

1. On August 13, 2023, around three hundred and ninety (390) fruit trees belonging to the people of Jouynaw were cut down. Some of the cut trees were located around three hundred meters from a Taliban checkpoint. The Taliban showed no reaction during the tree-cutting. You can see pictures of this criminal act below.

2. Since the rise of the Taliban, the residents of this village have been systematically subjected to various forms of harassment, abuse, and beatings by Pashtun supporters of the Taliban and Taliban militias. Several villagers have been beaten and injured by Taliban militias and neighboring Pashtuns, with some of the injured named as follows:

1-2. Assadullah son of Naser, Location: Jouynaw;

2-2. Sayed Shah son of Sayed Agha, Date of Injury: 28/10/1400, Location: Jouynaw;

3-2. Ustaa Khaleq son of Ibrahim, Recently beaten on his farm in Jouynaw and left on the verge of death. If his wife didn't hear his cries, they would have killed him;

4-2. Rohullah son of Mirza;

5-2. Ali Zadeh son of Zaher, Date: 17/8/2023, Location: Jouynaw.

On Friday, August 11/8/ 2023, a person named Syed Mohammad, "Miraw", was beaten and injured by Pashtuns. (Miraw is known to be responsible for protecting the irrigation river and is required to go to the area from where the river is drawn to close the outlets and leakage points every day, to ensure sufficient water reaches the farmers' land.) The aim of this beating was to prevent him from fulfilling his duties and to disrupt the water supply to the area, causing the Hazaras to evacuate. A picture of his head injury is attached in this report.

3. Killing innocent civilians in front of their family members: Since the Taliban's control over Uruzgan Khas until now, Taliban and neighboring Pashtuns with the support and encouragement of the Taliban, they have killed fourteen innocent civilians. The dates and names of the victims are as follows:

1-3. Engineer Azizullah, Date of Killing: 7/5/2020, Location: Jouynaw;

2-3. Sayed Hashim, son of Sayed Yusuf, Date of Killing: 29/6/2020, Location: Jouynaw;

3-3. Dr. Habibullah Amiri, Date of Killing: 17/7/2021, Location: Jouynaw;

4-3. Mohammad Taqi Rohani, son of Usta Qanbar, mosque's Mullah, Date of Killing:

28/6/2021, Location: Jouynaw;

5-3. Ayatollah (specific name, not a religious title) Rohani, son of Mohammad Ali, Date of Killing: 24/7/2021, Location: front his house in Jouynaw;

6-3. Shah Mohammad, known as Karbalai Ansari, son of Ramadan, Date of Killing: 29/7/2021, Location: Jouynaw;

7-3. Mohammad Ali, son of Khodarahm, a butcher from Malistan district, Date of Killing: 3/2/2023, Location: Jouynaw;

8-3. Mohammad Hussein, son of Es'haq Swati, Date of Killing: 3/3/2022, Location: Jouynaw;

9-3. Mohammad Rahim, son of Haj Gholam Sakhi, Date of Killing: 18/1/2023, Location: Uruzghan Khas market, in his own shop;

10. Ali Maddad Sharifi, son of Gholam Hussein, Date of Killing: 1/11/2022, Location: Jouynaw;

11-3. Haji Bostan, son of Laleh, Date of Killing: 18/8/2023, Location: Jouynaw;

12-3. Ali Jan, son of Mirza Rasul, Location: Jouynaw;

13-3. Mohammad Ali, Location: Jouynaw;

14-3. Musa, Location: Jouynaw.

4. Destruction and burning of people's homes: Since the rise of the Taliban, around twenty houses belonging to Jouynaw residents have been destroyed or set on fire by the Taliban and Pashtuns with their support. This includes burning a personal house named Shir's house this spring. Pictures of some of these crimes are attached to this report.

5. Setting people's cars on fire; This year, three cars owned by the residents of Jouynaw, were set on fire. On June 5, 2023, the car of Mohammad Reza, son of Sheikh Mohammad Ali Taghadosi, was set on fire. A few days before that, the cars of Karbalai Qorban and Khanzargar son, were also set on fire.

6. Theft and looting of people's properties in Jouynaw have reached their peak. Even take animals from their stables in broad daylight without anyone listening to the people's pleas. One example is the stealing of Hajji Abdul Hussein's son's cow on the afternoon of August 11, 2023.

7. Burning people's barns and farms, including those of Pashtuns, with the support and instigation of the Taliban, on the night of July 5, 2023, a person named Ghulam Nabi's barn and wheat from his two plots of land were set on fire. Pictures of the barn and agricultural products being burned have been included in this report.

After each crime in Jouynaw, the people complain to the Taliban's district office, which is less than one kilometer away. The Taliban send a delegation to investigate the area and promise to punish the Criminals, but in reality, they do nothing. Instead, they pressure the people of Jouynaw to identify the criminals, and since the main criminals are the Taliban themselves, the people cannot dare to accuse them. Furthermore, the Taliban pressure the people to explain why they are publicizing these crimes on social

media platforms like Facebook. Even though legally the Taliban are considered the main perpetrators of these crimes, even if they don't have direct involvement.

The primary duty and responsibility of any government, including the Taliban government, is to protect the safety, life, property, and honor of its citizens. The Taliban have swept away the people of Hazarajat from the Afghan government and its institutions and now deliberately fail to fulfill their duty of ensuring the security of the basic human rights of the people of Hazarajat, which includes the right to life, property, and honor.

The Taliban collect taxes and Zacat (Oshr) from the people, and legally, they should provide services in return and ensure their security in all dimensions. Otherwise, collecting taxes from citizens is not legitimate, and in this sense, the Taliban would be an organized criminal mafia if they don't fulfill these responsibilities.

The claim of ensuring the security of the people of Afghanistan by the Taliban in domestic and international media and social media platforms has deceived the global community. What kind of security is this, when even in less than a kilometer from their own district center, the Taliban fail to ensure the security of the innocent people of Jouynaw and refrain from performing this responsibility.

The goals of the Taliban and the neighboring Pashtuns for subjecting the people to maximum pressure and committing criminal actions are as follows:

Revenge; from the time of Hamid Karzai's government to the end of Ashraf Ghani's government, Uruzgan Khas has been the site of the most severe battles and conflicts with the Taliban, and many Taliban, mostly locals, were killed in these battles and airstrikes by ISAF forces. About 50 individuals from the people of Hazarajat fought against the Taliban, mainly being American soldiers. Now, after gaining power, the Taliban and the heirs of the victims are taking revenge for those killed and those battles from the unarmed people of Jouynaw.

Seizure and appropriation of Jouynaw lands; Jouynaw is the greenest, most fertile, and most pleasant region in Uruzgan Khas. Every kind of fruit can be found in this village. Actually, this village is the best area in Uruzgan Khas. The neighboring Pashtuns are trying with all their power to take over this area through maximum pressure and various crimes against the people of this village.

Another reason why the Taliban are committing these crimes and support and incite Pashtuns to carry out these crimes and ignore the complaints of the Hazara people is that the Taliban believe that Hazaras, who are Shia Muslims, are not true Muslims. They consider them apostates and believe that they must be killed. There is ample evidence and reasons for the existence of this belief and theory among the Taliban."

مقدمه

عجم اوغلو و رابینسون در کتاب «جاده باریک آزادی» با الهام از هابز به چهارنوع لویاتان اشاره می‌کنند: لویاتان غایب، لویاتان کاغذی، لویاتان درغل و زنجیر و لویاتان مستبد. درلویاتان غایب، جامعه دقیقا دروضعیت طبیعی هابز قرار دارد. درواقع دولت به معنای مدرن وجود ندارد و قانون زندگی در جنگل بر همه چیز استیلا دارد.
سودان و نیجریه هم اکنون در لویاتان غایب گرفتاراند. درلویاتان کاغذی هم جامعه ضعیف است و هم دولت. اما رنگ و لعابی از حاکمیت دیده می‌شود. مانند افغانستان عصر جمهوریّت. مطابق این نظریه با سقوط جمهوریّت، افغانستان مستقیما به قلمرو لویاتان غایب سقوط کرده است. درلویاتان غایب این تروریسم است که حکمروایی می‌کند و چیزی به نام دولت وجود ندارد. درلویاتان درغل و زنجیر هم جامعه قوی است و هم دولت و هردو درتکاپوی پیشرفت، همدیگرا کنترل و نظارت می‌کنند. مانند دولت های دموکراتیک درغرب. اما لویاتان مستبد درجایی مستقر است که دولت قوی و جامعه ضعیف است. دولت عنصرفعال و دارای اقتدار عالی و شهروندان به صورت جانداران منفعل و مطیع اند. مانند چین و برخی کشورهای دیگر.

گروه طالبان در دهه هفتاد خورشیدی با ایده انگلیسی و پول برخی کشورهای عربی و مدیریت نهاد استخبارات و اردوی پاکستان، شکل گرفت و درراستای تامین منافع مؤسسان خود به ترور وجنگ نیابتی درافغانستان ادامه داد. درآن مقطع تاریخی درداخل کشور ازچند جهت بسترمناسب برای توسعه قلمرو نفوذ این گروه آماده بود. جهت نخست ناتوانی رهبران جهادی درایجاد یک نظام مقتدر و مورد قبول همه جناح‌ها بود که اکثریت مردم را ازآینده مایوس ساخته بودند. جهت دوم توسعه درگیری‌ها و تشدید ناامنی ها درسراسر کشور بود که زندگی را برای مردم تلخ و دشوار کرده بود. و جهت سوم و عمده گسترش فقر و نبود حد اقلی از امکانات برای زنده ماندن اکثریت مردم در سراسر کشور وخصوصا درکلان شهرها بود.

طالبان درسالهای نخست پیدایش، به سبب وجود همین جهات تسهیل کننده، مورد استقبال قرار گرفتند و دراکثر مناطق با همکاری مردم و استقبال گروههای جهادی مواجه شدند. اما نبود ظرفیت لازم در رهبری این گروه و فقدان درک صحیح از انتظارات اقشارمختلف از حکومت و حاکمان، باورهای جزم اندیشانه معطوف به سختگیری‌های رفتاری با داعیه تطبیق شریعت؛ موجب ارتکاب خطاهای فاحش از سوی این گروه شد. خطاهایی که درفرجام منجر به زوال مشروعیت و تجرید امارت ازمیان اکثریت مردم افغانستان گردید. مقاومت‌ها با این‌که درسال‌های آغازین چشم‌گیر نبود ولی با علنی شدن سیاست‌های متعصبانه، ناعادالانه و انحصاری این گروه به سرعت دراکثر مناطق شمال، غرب و مرکزی کشورتوسعه یافت و به تقابلات شدید مسلحانه با این گروه دراین ساحت منجرگردید. طالبان با هدف ارعاب و ایجاد وحشت درمیان مردم از ارتکاب هرنوع جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت ابایی نداشته و دربسیاری جاها به ایجاد سرزمین سوخته و کشتارغیر نظامیان مبادرت ورزیدند. طالبان به دلیل ناتوانی درشکست جبهات مقاومت ازگروههای تروریستی فراملی کمک گرفته و جنگ و بحران را به سمت مژمن شدن و فرسایشی شدن سوق دادند. این گروه درمدت پنج سال سلطه نخست شان برافغانستان کارنامه ی سپاهی را درتاریخ کشور به نام شان ثبت کردند. ازکشتارغیرنظامیان و افراد بی دفاع ملکی گرفته تا ترورو شهید نمودن شخصیت های مهم و مورد احترام درمیان اقوام افغانستان. رفتاربدوی و بدور ازمدنیت و اخلاق انسانی با شهروندان و کشانشیدن کشور به ورشکستگی تام اقتصادی و اعمال سیاست‌های خشن و تبعیض‌آمیز علیه زنان و دختران درتمامی مناطق تحت سلطه شان، فاصله عمیقی را بین حاکمیت طالبان و مردم به وجود آوردند. کشوردروضعیتی کاملا بی دولتی قرار گرفت که مصداق لویاتان غایب است. همین وضعیت بحرانی بذرنفرت وصف ناشدنی را دردل‌های مردم نسبت به امارت کاشت که به شکل شادی‌ها وجشن‌های مردمی در کلان شهرها بعد از سقوط امارت درزمستان ۱۳۸۰ خودرا نشان داد.

باشکل‌گیری نظام جدید و حضور نیروهای نظامی ناتو درکشور، طالبان بار دیگر با دریافت کمک از کشورهای همسایه و دوستان شان درگروه‌های تروریستی خارجی، افغانستان را به سوی نا امن‌سازی و بحران و تداوم جنگ سوق دادند و درطول دو دهه در عصر جمهوریّت ده‌ها هزار هموطن ما را ازاقشار مختلف به قتل رساندند و با راه اندازی حملات انتحاری وانفجارهای گسترده، فجایی را رقم زدند که درتاریخ منطقه و کشور ما بی پیشینه بود. ده‌ها هزارشهروند اعم از زن و مرد و اقشار مختلف کشته و یامجروح شدند. بر اساس گزارش‌های مستند تا سال ۲۰۲۰ تنها نیروهای امنیتی کشورشصت هزار شهید داشتند که تا هم اکنون کشتارها استمراریافته و ارقام افزایش پیدا کرده است. آرزوی همه وارثان قربانیان و اکثریت آسیب دیدگان، این بود که اعضای گروه تروریستی

طالب و همکاران افراطی خارجی آن‌ها درمحاکم عادلانه و بی‌طرف محاکمه و مجازات می‌شدند اما در سایه یک تبنای داخلی و بین المللی و به رغم انتظار و خواسته میلیون‌ها شهروند آسیب دیده، باردیگر در اسد ۱۴۰۰ به مسند قدرت برگشتند وبرمقدرات یک ملت بی دفاع مسلط شدند.تبدیل لویاتان کاغذی در کشور به لویاتان غایب، فاجعه‌بار و تراژیک بود. پرسش اصلی هم اکنون این است که درسایه حاکمیت طالب آینده ملت و کشور چگونه رقم خواهد خورد؟ آیا صلح پایدار و ثبات مطلوب با این وضعیت قابل دسترسی است؟ دراین جستار کوشیده ام که به پرسش‌های فوق به اختصار پاسخ دهم.

۱- طالبان و تداوم بحران

نظریه‌پردازان نوسازی و توسعه معتقدند که تمامی کشورهای درحال گذار مجبوراند که بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع را تجربه نمایند. برمبنای این نظریه‌ها کشورهای توسعه یافته و سنتی از ثبات و استمرار بهره‌مندند و تنها کشورهایی که گام‌های آغازین نوسازی و توسعه را برداشته اند مواجه با بی‌ثباتی و گسست‌هایی می‌شوند که خود از لوازم حرکت نوسازانه است. اگراین کشورها بتوانند به کمک تقویت ظرفیت‌های مدیریتی خویش از این مراحل عبور کنند ، مدرنیزاسیون به سمت ثبات و تحقق اهداف توسعه‌ای به پیش خواهد رفت و اگر به هر دلیلی نتوانند از این بحران‌ها بگذرند، خطر فروپاشی و تشدید بحران‌ها را تجربه خواهند نمود.

درافغانستان جدید، حرکت به سمت ایجاد یک هویت ملی واحد بعد از نجات از تحت الحمایگی و استرداد استقلال آغازشد و در سال‌های پایانی قرن بیستم روند تکاملی خود را پیمود. این ایده دردو دهه جمهوریّت با تقویت جایگاه افغانستان درنظام بین الملل رشد قابل توجهی کرد ومفاد ماده چهارم قانون اساسی جدید بخش اعظم احساسات و عواطف ملی را به سوی حل بحران هویت هدایت نمود و حاکمیت ملی را به اتباع بهره‌مند ازحقوق برابر و قانونی کشور اختصاص داد. اما ناسیونالیزم افراطی که همواره در صدد تحمیل هویت یک قوم بر هویت‌های مستقل اقوام دیگر بوده اند، درطول قرن بیستم و دو دهه عصر جمهوریّت درقرن بیست و یکم، هرگز از اخلال درسیر طبیعی شکل‌گیری هویت واحد ملی منصرف نشدند و بسیاری از مساعی نخبگان دلسوز و آینده‌نگر را ناکام ساختند. پروسه ملت‌سازی از مجاری قانونی و مسالمت‌آمیز را به مسیر یک‌سان‌سازی اجباری و حذف دیگران و تحمیل هویت یک قوم برتمام مردم تغییر دادند. با قدرت یافتن مجدد طالبان تلاش ناسالم یکسان سازی اجباری و تبلیغ هویت تحمیلی، تشدید شده و بحران هویت ملی به شکل خطرناکی درهمه جا خودنمایی می‌کند.

بحران هویت پنجگانه به نحوی به بحران مشروعیت ارتباط می‌یابند. بحران مشروعیت درشرائط کنونی به حدی تشدید شده که هستی و موجودیت واحد سیاسی «افغانستان» را درمعرض تجزیه و فروپاشی کامل قرار داده است. روشن‌ترین شاخص مشروعیت، مقبولیت عامه و رضایت اکثریت مردم ازکارنامه یک حکومت است. طالبان با استیلای نظامی برمردم و تعلیق تمامی ساختارهای قانونی کشور و با عبور ازدریاهای خون و راه اندازی سناریوهایی ازکشتار و تخریب، انفجار وانتحار؛ رژیمیی را بنیاد نهاد که نه کم‌ترین مشروعیت داخلی دارد و نه هم مشروعیت بین المللی. درجریان گفت‌وگوهای صلح دوحه پرسشی را که بسیاری از رسانه‌ها از زبان وارثان قربانیان جنایات تروریستی طالبان گزارش می‌کردند این بود که آینده زندگی ما با قاتلان شهیدان ماچگونه تعریف می‌شود؟ ما نه فراموش می‌کنیم ونه این جنایتکاران را می‌بخشیم. هواداران رهبران و متنفذانی که توسط طالبان شهید و ترور شده اند بسیار بعید است که بتوانند حتی در یک ساختار مشترک قدرت باگروه طالبان کارکنند. مردم آمریکا درنخستین موج از حملات تروریستی در یازدهم سپتامبر قریب سه هزار قربانی دادند و نزدیک به همین تعداد ازنیروهای مسلح این کشور در جنگ‌های بعدی علیه تروریسم و طالب کشته و زخمی شدند. درست به همین دلیل هیچ حکومتی توان سفید نمایی امارت طالبان و توان توجیه برقراری روابط دیپلماتیک با این گروه تروریستی را در افکارعمومی کشو خود به سادگی پیدا نخواهد کرد. همین تصویر از ماهیت طالب و پیشینه سفاکی و قرون وسطایی اش، در اذهان اکثریت مردم افغانستان و جهان، بزرگترین سد کسب مشروعیت درسال‌های پیش رو خواهد بود.

مشارکت نتیجه نوسازی نهادها و ساختارهای یک کشوراست که به هدف گذار به دموکراسی و تعریف حقوق برابر شهروندی، بستر رقابت‌های قانونی در آن مساعد می‌گردد و کشور ما در دو مقطع متفاوت تاریخی فرصت مشارکت سیاسی را برای شهروندانش تعریف کرد. اما هرگز این مهم به صورت نهادینه به فرهنگ عامه و سنت پایدار در نیامد. تنها در لابلای کاغذها و اسناد تقنینی باقی ماند و برآثر ضعف دولت و فساد به سمت بحران سوق داده شد . اگرچه درعصر جمهوریّت به تدریج امیدواری‌ها

✍ یار محمد باقری



گروه طالبان؛ عامل تداوم جنگ و بحران

تقویت شده بود که با اصلاح ساختاری در آینده ظرفیت مشارکت سیاسی بهبود پیدا نماید. اما بازگشت طالبان به قدرت، افغانستان را بار دیگر به بحران مشارکت سوق داد و شهروندان دارای حقوق سیاسی و مدنی برابر را به اتباع منفعل و بدون حقوق تبدیل کرد و آن‌ها را همانند قرون وسطی به بهانه‌های مذهبی و جنسیتی و قومی درمعرض انواع «آپارتاید» قرارداد.

دوام سلطه طالبان در وضعیت جاری، بحران مزمنی را شکل داده است که نتایج بی‌ثبات‌کننده و وخیم آن در درازمدت آشکار خواهد شد. بحران‌های نفوذ و توزیع هم به تبع بحران‌های هویت، مشروعیت و مشارکت تداوم یافته و فضای زندگی مردم را به صورت دهشتناکی از ترس و نومیدی نسبت به آینده آکنده است. افغانستان درعصر مدرن اما درغیاب یک دولت مدرن و حاکمیت قانون سخت عذاب می‌کنشد.

۲- طالبان و آینده صلح‌آمیزافغانستان

صلح و ثبات درجوامع پسمانزاعه به صورت یک نیازحیاتی مطرح می‌شود. صلح اگر به معنای توافق معنادار وعادلانه در شرائط مساوی منظور شود، می‌تواند صلح پایدار نامیده شود. صلح به این معنا با نوع نظام‌های سیاسی رابطه معناداری دارد. برخی از ساختارها ماهیتا صلح‌ستیز است. ساختاری که در راستای تحقق آرزوها و مقاصد مردم شکل نگرفته باشد، تامین صلح برای آن اهمیت اندکی هم ندارد. صلح به معنای شکست نظامی و خلع سلاح یک طرف منازعه در افغانستان و درنگرش طالبانی، تنها می‌تواند به گفته کانت فیلسوف معروف پروسی، «تعلیق موقت جنگ» نامیده شود نه صلح پایدار. درافغانستان تحت سلطه نظامی و امنیتی طالبان، کل کشور به سان یک انبار مواد منفجره درآمده و هرلحظه خطر منفجر شدن هستی همه را تهدید می‌کند. طالبان همانگونه که نشان داده اند نه ظرفیت مدیریت یک جامعه ناهمگن از لحاظ قومی و فرهنگی را دارند و نه تفکر مدرن که دست کم در محدوده سلطه استبدادی هم به مانند یک نهاد حکومتی درعصر به اصطلاح دولت-ملت عمل کنند. طالبان مردمان بومی مناطق مختلف کشور خصوصا مرکزی و شمال را به مرگ گرفته اند تا ازروی ناگزیری به درد راضی شوند و با اعمال انواع شیوه‌های ظالمانه دارایی‌ها و اراضی شان را غصب می‌کنند و متحدان تباری و فکری شان را از ماورای مرزهای دیورند جایگزین شان می‌سازند. اینگونه اقدامات، مردمانی را که روزی به صورت حاکمان نیمه مستقل برمناطق شان، خود گردانی و نوعی حاکمیت برخود را تجربه کرده اند، به مخالفان بالفعل امارت تبدیل کرده و «بحران هویت ملی» و «بحران توزیع» را که ازانتظارات فزاینده شهروندان از یک حکومت ملی ناشی می‌شود، به شکل خطرناکی تشدید نموده است. مردم درعصر جمهوریّت در بسیاری از مناطق شهری وروستایی به دلیل دریافت خدمات متنوع از طریق حکومت توقع شان از دولت به صورت بنیادی متحول گردیده است. مردم دولت را بیشتر به حیث یک نهاد ارائه کننده خدمات متنوع به ملت می‌شناسند نه یک لویاتان غایب و نهاد ضعیف و فاقد اقتدار.

علاوه براین، فقر فزاینده که توان اندیشیدن و نفس کشیدن را از اکثریت عظیم ساکنان دوزخ طالبانیزم، ستانده است آینده تاریک تری را درچشم اندازحیات جمعی مردم ترسیم می‌کند. به گفته منابع معتبر از برنامه جهانی غذا هم اکنون از هر ده نفر درافغانستان نه نفر به غذای کافی دسترسی ندارند. مردم درمیان جهنم بردگی، سرکوب و گرسنگی فقط منتظر یافتن فرصتی برای تخریب بنای

ناپایدار امارت طالبانی اند. شالوده ساختار نظام امارت طالبان برتبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی و ستیز با دنیای مدرن بناشده است و همین ویژگی نمی گذارد که با وجود چنین ساختاری، صلحی پایداری در کشور شکل گیرد و مردم خود شان نظامی را بسازند که صلح دائمی و منافع انسانی و جمعی شان را تامین کند. اندیشه سیاسی امارت طالبان متعلق به نگرش‌ها و مناسبات کهنه‌ی متعلق به قرون وسطی و مبتنی بر روایت «دیو بندی» و به روز نشده از شریعت است که اصرار به عملیاتی کردن آن بحران‌های متراکمی را تولید می‌کند که هیچ قدرتی توانایی حل آن را ندارد.

اگرچه یک روایت از سناریوهای سیاسی برای آینده، قبل از به قدرت رسیدن مجدد طالبان این بود که گروه طالبان به صورت بخشی از ساختار آینده کشور پذیرفته شود تا همانند پروسه بن دوباره مشکل تولید نکنند. اما تجربه دوسال حکمرانی انحصاری و ظالمانه این گروه نشان داد که نفس حضور این جریان با چنین اندیشه‌های مدنیت‌ستیز و غیر متساهل، مانع شکل‌گیری یک صلح پایدار و یک ساختارمردم سالار و فراگیر ملی است . مردم و وارثان شهیدان و قربانیان بی‌شمارمبارزه با این جریان واپسگرا، برای شان بسیار تلخ و ناگوار است که در آینده بتوانند با این قاتلان و تروریستان درزیرک سقف و در سایه یک ساختارحاکمیتی، زندگی شرافتمندانه داشته باشند. مظالم و سرکوبگری‌های وحشیانه طالبان، درفرجام مردم را به انتخاب یکی از دو راه مجبوری‌سازد: یا قبول مرگ تدریجی و تن به ذلت بردگی سپردن و یا رفتن به سمت ایجاد یک حماسه سرنوشت‌ساز، ماندگار و سراسری ملی با هدف تحقق آزادی و عدالت اجتماعی .

سخن پایانی

دوسال سلطه طالب نشان داد که این گروه ظرفیت حکمرانی و مدیریت یک کشور دارای پیچیدگی‌ها و مشکلات همانند افغانستان را ندارد. کشوری که گام‌های آغازین توسعه را تجربه کرده و با بحران‌های متعددی ناشی ازآن گرفتار است. گروه طالبان دوسیه قطوری از افراطی‌گری، تروریسم و کشتار و تخریب و نقض حقوق بشر در تاریخ معاصراین کشور دارد که وجودش با حفظ تمامی خصائل سازمانی مانع جدی و واقعی درمسیر رسیدن به صلح و ثبات پایدار است. هرگونه امید بستن به تغییر فکری و عملی این گروه بیهوده است و تجربه نزدیک به سه دهه ظهور این گروه، درعرصه سیاست و اجتماع، این مدعا را به روشنی تأیید می‌کند. کارنامه دوساله حکمروایی مجدد این گروه نشان می‌دهد که تبعیض، خشونت، توحش، سلب حقوق اولیه شهروندان، گسترش فقر و بدبختی و اشاعه جهل و بد اخلاقی از مهم‌ترین محصولات این سلطه ظالمانه است. تعمیق و توسعه فقر، بیکاری، استبداد، استمرار انحصار و تکتازی درعرصه‌های مدیریتی، بحران‌ها ی متراکم اجتماعی را سبب شده و چشم‌انداز آینده کشور را به شدت تیره و تار ساخته است. همه چیز به وضوح به ما می‌گوید که با تداوم سلطه طالب، جنگ، خشونت و بی ثباتی هم دوام می‌یابند. زندگی صلح‌آمیز در آینده افغانستان در موجودیت سلطه امارت طالبان آرزویی نیست که بتوان به سهولت به آن دست یافت. مردم با محرومیت از آزادی‌ها و حق تعیین سرنوشت شان عصبانی و به شدت از بهبود وضعیت ناامید شده اند. ما هم اکنون به معنای واقعی کلمه چیزی بنام دولت نداریم و به اصطلاح از وضعیت لویاتان کاغذی به باتلاق لویاتان غایب و جولان متوحشانه تروریسم و از وضعیت نیمه‌مدنی عصر جمهوریّت به وضعیت طبیعی هابزی و درغیاب دولت مدنی سقوط کرده ایم.

ادامه از صفحه ۱۳

در سال‌های گذشته چون زمینه‌های دیگر فراهم نبود و از سوی دیگر از عقدۀ کنار رفتن از قدرت به زور حملات جامعه جهانی به شدت رنج می‌بردند، لذا از بدترین نوع حملات بهره‌بردند. به بیان دیگر حقارت، نفرت و محرومیت ناشی از سرنگونی امارت طالبان توسط نیروهای ناتو و جبهه متحد شمال و زندان شدن در بگرام و گوانتانامو روح و روان طالبان را به گدازه انتقام جویی تبدیل کرده بود. این امر سبب شده بود که طالبان برای هر نوع ضربه زدن به حکومت و مردم از هر امکانی از جمله انتحار استفاده کنند. برای برانگیختن مردم و جلب نیروها برای انجام عملیات انتحاری از دین، مذهب، جهل مردم و عصبیت قومی نیز کمال استفاده را بردند. در این بازی کثیف به هیچ چیزی رحم نمی‌کردند و از هر امکانی حتی حمله بر زایشگاه نیز بهره بردند. در حقیقت جهاد برای دفاع از دین و مذهب و استقلال کشور شعار دروغین بوده و است که صرفاً برای جلب و جذب انتحاری استفاده می‌کرده‌اند. چون نه دین آسیب دیده بود و نه استقلال کشور زیر سوال رفته بود. نظام حاکم بر کشور جمهوری اسلامی بود که طبق دیدگاه عالمان برجسته افغانستان، قانون اساسی دوران جمهوریت بهترین قانون اساسی در سطح کشورهای اسلامی بوده است. در عمل نیز سازوکارهایی برای حفاظت و صیانت از اساسات دین طراحی شده بود. بنابراین هیچ دلیلی وجود نداشت که بخاطر صیانت از دین حمله انتحاری صورت گیرد.

۲- محرک‌های اجتماعی: در سطح اجتماعی (جامعۀ طرفدار و حامی تروریسم)، همبستگی شدید اجتماعی، نقش آموزش‌های مذهبی، نقش اشغال خارجی و برتری‌طلبی گروهی و قومی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر عملیات انتحاری پنداشته شده است. اما اگر دقت صورت گیرد، عصبیت قومی ناشی از پشتون‌والی محرک اصلی است. از بین رفتن اقتدار انحصاری پشتونی برای گروه طالبان و دیگر جریان‌های افراطی قابل قبول نبوده و نیست. اما این موضوع را در قالب و لفافه دین و مذهب، اشغال و حضور نیروهای خارجی بیان می‌نمایند. چون هم مردم و هم خود طالبان می‌دانند که طالبان در دامن کشورهای خارجی و حامیان بیرونی متولد شده‌اند. اساساً همین انحصارگرایی طالبان و جادادن به گروه‌های تروریستی سبب شد که پای کشورهای خارجی در افغستان باز شود. حالا هم هر روزه کاسه گدایی به سمت کشورهای خارجی دراز می‌کنند که به افغانستان برگردند و در بازسازی افغانستان سهم بگیرند. بالاتر از آن اگر بسته‌های هفته‌وار پول خارجی‌ها نباشد، یک روز نیز طالبان در قدرت بقا ندارند.

اما در اینجا نیز طالبان از مذهب و دین برای اغفال و اغوای یک تعداد استفاده نموده تا آنها را به صفوف خود بکشانند و از آنها برای حملات انتحاری بهره جویند. چون دین و وعدهٔ حیات جاویدانی، زندگی بهتر و لذت دایمی به افراد

می‌دهد. کارگزاران اصلی صحنه با استفاده از گزینه تکفیر رقیبان از افراد سبک مغز و دینداران خشکه مقدس برای انجام عملیات انتحاری استفاده می‌کنند. علاوه برآن وعده‌های دینی مرگ را برای آنها آسان می‌سازد. مخصوصاً برای افرادی که با مشکلات زندگی نیز مواجه باشند. پس در این قسمت نیز انتحار به مسایل قومی و عصبیت قبیله بر می‌گردد نه امری فراتر از آن.

پیامدهای انتحار

۱. تلفات غیرنظامیان: طالبان در ۲۰ سال دورۀ جمهوریت با انجام ۱۰۵۰ حملهٔ انتحاری غیر نظامیان زیادی را به شهادت رسانده اندش. بر اساس آمار کمیسیون حقوق بشر افغانستان، در سال‌های ۲۰۱۹–۲۰۲۰م، ۵۳ درصد از تلفات غیرنظامی، ناشی از عملیات انتحاری طالبان بوده است. چون اهداف این عملیات، مواضع نیروهای خارجی، مراکز مذهبی، آموزشی و درمانی و تجمعات مردمی و مکان‌های عمومی بوده است. این امر سبب بی‌سرپرستی خانواده‌ها، معلول شدن انسان‌ها و افزایش افراد و خانواده‌های نیازمند به حمایت شده است. ۲. پیامدهای روان‌شناختی: افسردگی، ترس و اضطراب، از جملهٔ پیامدهای روانی انتحار در میان مردم است. طبق اعلام وزارت صحت عامۀ افغانستان ۷۲ درصد از زنان و ۶۰ درصد از مردان افغانستان دچار افسردگی و اضطراب شده‌اند. این امر جامعه را به یک جامعه روانی، نامطمئن و مریض تبدیل نموده

تیپولوژی توجیه‌گران جنایت

محمد هدایت

گروه‌های افراطی مذهبی صدق می‌کند. از این رو کسانی که تنها یک آیین را تقدیس می‌کنند و خواستار تطبیق یک روش بر تمام انسان‌ها هستند و جامعه یک دست می‌خواهند در زمره فاشیسم به شمار می‌روند.

کسانی که به لحاظ فکری با طالبان همسانی دارند از وضعیت پیش آمده راضی هستند. آنان آشکارا به تبلیغ و تمجید طالبان می‌پردازند و از این که دختران به مکتب و دانشگاه نمی‌روند راضی هستند. چون از نگاه آنان مراکزی چون دانشگاه و آموزشگاه سبب گمراهی جوانان به خصوص دختران می‌شوند. هر کدام از ما شاید بارها به چنین افرادی بر خورده ایم. حتی افرادی با همین تفکر در میان شیعیان افغانستان نیز پیدا می‌شوند و از وضعیت پیش آمده به دلایل مذهبی و دینی راضی هستند.

ج- معامله‌گران سیاسی: بازار سیاست مثل همه بازارهای دیگر برای برخی افراد همیشه جایی برای دلالی و معامله‌گری و بده و بستان است. از این رو تعدادی از افراد برآمدن طالبان را بیدار شدن بخت خویش دانستند و در نخستین روزها برای چشم و ابروی افرادی از طالبان شعر سرودند و به دنبال توجیه جنایت‌های پرشمار طالبان برآمدند. آنان احساس می‌کردند که بازار شان گرم شده است. اما پس از مدتی تعدادی سرخورده شدند و تعدادی به پست‌های بسیار معمولی و پایین رتبه در دستگاه طالبان بسنده کردند.

د- رعیت‌زدگان دایمی: برخی از افراد که همواره دایم الرعیه هستند از توجیه‌گران پروپاقرص طالبان هستند. آنان عمر سیاسی خود را در طفیلی‌گری گذرانده اند و از این‌که در کنار دیگری دیده شوند سرخوش اند. این افراد که از جهتی مامور و معذور هم هستند ظهور مجدد طالبان در عرصه قدرت را فرصتی برای اظهار حضور یافتند و یا وادار شدند که این‌گونه به قضایا بنگرند. تفاوت آنان با دلالان دنیای سیاست در این است که طیف اول به نحوی چیزی را به دست می‌آورند. کم یا زیاد. ولی رعیت‌زدگی نوعی خدازدگی هم هست. چون تمام رسوایی‌ها را مفت به

مطالعات منازعه و اقدام بشردوستانه قطر یکی از کسانی است که تا کنون چندین نشست بین المللی را به نفع طالبان برگزار کرده است. سلطان برکات ضمن این‌که مجری سیاست‌های دولت قطر در قضیه افغانستان است، ارتباطات وسیع با کشورهای بزرگ و حامیان طالبان دارد و هم‌چنین به قضیه افغانستان به عنوان یک پروژه اقتصادی نیز می‌نگرد. در یک مقاله مستقل که در شماره قبلی نشریه راه عدالت منتشر شده است در باره کارنامه آقای برکات و دلایل حمایت او از طالبان مفصل پرداخته شده است.

۳- ضمیر کابلوف: ضمیر کابلوف نماینده روسیه در امور افغانستان سال‌ها است که در باره افغانستان فعال است و گفته می‌شود عامل اصلی حمایت روسیه از طالبان در سال‌های اخیر همین شخص است. گفته شده است که او مثل خلیلزاد تبار افغانی دارد و یکی از دلایل لابی‌گری او به نفع طالبان انگیزه‌های تباری و قومی است.

بخش دوم: توجیه‌گران در سطح ملی یا داخلی
الف- فاشیسم قومی: حاکمیت طالبان از نگاه فاشیسم قومی که همواره جریان قدرتمند در افغانستان بوده است «آیدپال‌تایپ» قدرت قومی به شمار می‌رود. از این منظر پس از حکومت عبدالرحمان خان که افغانستان را یک‌پارچه کرد، حکومت طالبان همان نمونه اعلای اقتدار یک‌پارچه قومی به شمار می‌رود. به همین خاطر پس از روی کار آمدن طالبان در سال ۲۰۲۱ تجمع چهره‌هایی که هیچ سنخیتی به لحاظ تفکرات بنیادگرایانه با طالبان ندارند در اطراف آن در کابل قابل توجه است. بسیاری از دم و دستگاه‌های تبلیغاتی که پیشینه قومی دارند در اختیار طالبان قرار گرفته اند و سخاوتمندانه از عملکرد این گروه دفاع می‌کنند.

ب- فاشیسم مذهبی: فاشیسم مذهبی تنها اصطلاحی است که می‌تواند برخی از خصوصیات گروه‌های افراطی مثل طالبان را بیان کند. ویژگی‌هایی که برای یک جریان فاشیستی برشمرده می‌شود به طور عینی به

● سال اول ● شماره ۴ ● شنبه ۱ میزان ۱۴۰۲ ● ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۳

مبانی نظری حملات انتحاری از نگاه طالبان

است. آثار آن نیز یقیناً تا سال‌های سال تداوم می‌یابد.

۳. پیامدهای اجتماعی: ناامنی اجتماعی، خشونت‌پروری، عادی‌سازی خشونت، احساس شرم‌ساری، تقلیل و تخفیف جایگاه بین المللی افغانستان، تخریب زیربناها، مهاجرت، گسست خانوادگی، فقر و بیکاری از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی انتحار شمرده شده است.

سخن آخر

طالبان یکی از گروه‌های تروریستی است که تا کنون بیشترین حملات انتحاری را در کارنامه خود دارد. تنها وزیر داخله این گروه رسماً در یکی از سخنرانی‌های خود گفت که بیش از هزار تنها به دستور و هدایت وی حمله انتحاری انجام داده اند. اما آمار قربانیان حملات انتحاری تا کنون دقیق معلوم نیست و مسلماً به هزاران تن می‌رسد.

حملات انتحاری و خودکشی با اهداف کشتن انسان‌های بی‌گناه جنایتی است که تنها از گروه‌های متحجر و افراطی چون طالبان بر می‌آید. از همین رو هیچ مبنای شرعی و مذهبی در متون دینی ندارد. بلکه این شیوه کشتار با اهداف سیاسی و غلبه قهری صورت می‌گیرد. به خصوص طالبان بیش از آن که اهداف مذهبی و دینی داشته باشند، اهداف قومی و قبیله‌ای دارند و بیشترین حملات انتحاری علیه مردمان متعلق به اقوام و کتله‌های دیگر صورت گرفته است.

جان می‌خرند و نوعی احساس خرسندی قلبی به دست می‌آورند. از این رو رایگان به توجیه جنایت‌هایی می‌پردازند که خود قربانی همان جنایت‌ها هستند. ممکن است افراد باهوش‌تر از خود شان از این خوش‌خدمتی چیزی به دست بیاورند. اما برای پیشمرگان چیزی به دست نمی‌آید.

سخن آخر

چنان‌که دیدیم یک نگاه گذرا و استعجالی به تیپ‌های توجیه‌گر جنایت طالبان فهرست نسبتاً طولانی را می‌سازد. از قدرت‌های بزرگ گرفته تا رعیت‌زدگانی که به خاطر خداوند این کار را می‌کنند، اسامی طولی را شامل می‌شود. از این فهرست این پرسش به وجود می‌آید که گویا طالبان هواخواه زیاد دارند و باید مورد تعامل گیرند. حضور این گروه واقعیتی است که نادیده گرفته نمی‌شود و بیش از هر زمان دیگر توجهات را به سوی خود جلب کرده است؟ این پرسش خیلی‌ها را وسوسه می‌کند تا از در تعامل با این گروه در آیند. اما این تنها یک بخش قضیه است.

بخش مهم قضیه این است که باید دید که مردم افغانستان در چه وضعیتی قرار دارند و در باره طالبان چگونه فکر می‌کنند؟ کاش این گروه مجرایبی برای تبارز اراده عمومی می‌گذاشت تا دیده می‌شد که مردم تا چه اندازه از وضعیت پیش آمده راضی هستند. بدون شک گروه طالبان به گفته احمد رشید در نقطه اوج خود قرار دارد و دیگر جایی برای صعود از این بیشتر ندارد. اما در همین نقطه اوج هنوز نتوانسته است کمترین دستاوردی برای مشروعیت‌بخشی به حاکمیت خود به دست بیاورد. بنابراین اگر همه جهان مظالم بی‌سابقه طالبان و آن همه کشتار را نادیده بگیرند و به توجیه عملکرد طالبان بپردازند و اگر سال‌ها حکومت غاصبانه این گروه دوام بیاورد باز هم ماندگار نخواهد بود. زیرا مبتنی بر اراده و خواست عمومی نیست و مردم به شدت از این گروه نفرت دارند. این نفرت و فاصله هرچه زمان می‌گذرد بیشتر و عمیق‌تر می‌شود.

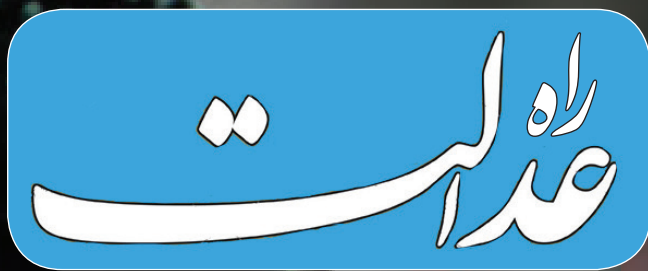


۳- سازمان کنفرانس اسلامی: سازمان کنفرانس اسلامی نیز در سال ۲۰۲۲ دفتر خود را در کابل بازگشایی کرد و تا کنون چندین هیات نزد طالبان فرستاده است تا این گروه را متقاعد به بازگشایی مکاتب و دانشگاه‌ها برای دختران کند. این سازمان نیز مثل ملل متحد تابع کشورهای اسلامی است که به نحوی فعلاً با طالبان تعامل دارند.

ه- اشخاص حقیقی در سطح بین الملل

۱- خلیلزاد: آقای خلیلزاد سفیر سابق و نماینده پیشین ایالات متحده در روند صلح افغانستان، عامل اصلی توافقنامه دوحه و کسی است که در بازگشت طالبان و سقوط دولت پیشین افغانستان سهم عمده داشته است. در این مورد مخالفان طالبان و تحلیل‌گران سخن زیاد گفته اند و نقدهای بسیار داشته اند که به نظر می‌رسد نوعی اجماع وجود دارد. گفته می‌شود هدف خلیلزاد از لابی‌گری در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده و سرانجام حاکمیت طالبان انگیزه‌های تباری و قومی دارد. هدف هرچه هست اما در مجموع نقش او در آوردن دوباره طالبان و سقوط دولت افغانستان قابل انکار نیست.

۲- سلطان برکات: سلطان برکات رییس مرکز



● سال اول ● شماره ۴ ● شنبه ● ۱ میزان ۱۴۰۲ ● ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲



راه عدالت
ارگان نشراتی حزب عدالت و آزادی افغانستان
زیر نظر هیات تحریریه
آدرس الکترونیکی: www.jfp-af.org
آدرس ایمیل: info@jfp-af.org